
بقیت الله
پرتوی از آیه‌های مهدوی
محسن قرائتی
به کوشش حسین ملائی

بسم الله الرحمن الرحیم

پرتوی ازآیه های مهدوی

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرتوی از آیه های مهدوی

مشخصات کتاب

سرشناسه:قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور:پرتوی از آیه های مهدوی/ محسن قرائتی؛ به کوشش حسن ملایی.

مشخصات نشر:قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری:۲۵۶ ص.

شابک:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۱۴-۹

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

یادداشت:کتابنامه: ص. ۲۵۱ - ۲۵۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع:محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- جنبه های قرآنی

موضوع:مهدویت -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده:ملایی، حسن، ۱۳۵۶ -، گردآورنده

رده بندی کنگره:BP۱۰۴ /م۲۵ق۴ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی:۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۹۶۵۳۵

ص:۱

اشاره

پرتوی ازآیه های مهدوی

محسن قرائتی

به کوشش حسن ملایی

ص:۳

پرتوی از آیه های مهدوی

مؤلف: محسن قرائتی

به کوشش: حسن ملایی

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

ویراستار: زینب احمدیان

صحفه آرا: سید مجتبی میررضوی

طراح جلد: عباس فریدی

نوبت چاپ: اول/ زمستان ۱۳۹۲

شابک: ۹_۱۴_۷۱۲۰_۶۰۰_۹۷۸

شمارگان: دو هزار نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

– قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹ – ۳۷۱۳۵/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱(داخلی ۱۱۷و۱۱۶)/۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

– تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

 www.mahdi۳۱۳.com

 www.mahdaviat.ir

 info@mahdaviat.ir

کد فایل ۰۹۲۰۰۱

«فهرست مطالب»

ص:۷

ص:۸

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن کریم، چراغی نورانی است که با وجود گذشت ده ها قرن از نزول مبارک آن، هنوز هم که هنوز است پرتو های درخشان آن، مسیر حق طلبان را در طول تاریخ روشن کرده و در آینده هم، چنین خواهد بود. در این کتاب آسمانی و بی نظیر، آینده ای روشن به بشریت نوید داده شده است که با سیطره دین حق و البته توسط امام حق و یاران صالحش بر تمام جهان محقق می شود. بدین سان فرهنگی به نام مهدویت بر محور امام مهدی شکل گرفت که مجموعه ای است از باورها، ارزشها، نمادها، رفتارها، وقایع و هر آنچه که به امام زمان و جایگاه و حکومت و غیبت و ظهور وی مربوط است.

«پرتوی از آیه های مهدوی» نگارشی است ساده، اما گویا و مستند از مهم ترین آیه های قرآنی که درباره معارف مهدوی بوده و توسط حضرت حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی در آثار مکتوب و نیز در طول بیش از سه دهه، در ضمن برنامه درس هایی از قرآن به دوست داران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ارائه شده و اینک با حفظ قالب پر جاذبه تبلیغی ایشان، تدوین یافته است.

در این مجموعه علاوه بر این که آیه های مهدوی به ترتیب سوره های قرآنی استخراج و به نکته های هر کدام پرداخته شده، تلاش شده است تا در کنار هر آیه، یکی از موضوع های خاص معارف مهدوی متناسب با آن آیه نیز طرح گردد و بدین گونه برای مشتاقان مباحث مهدوی، دو مجموعه ترتیبی و موضوعی از این معارف با زبانی دقیق اما

ساده، فراهم آمده که همین امر، این اثر را از دیگر آثار مهدوی، ممتاز نموده است.

در پایان لازم می دانم از استاد بزرگوار حجت الاسلام و المسلمین قرائتی که در ضمن گفتگوهایی با حمایت های معنوی و نکته های راهبردی در به ثمر رساندن این اثر سهم داشته اند قدردانی نمایم.

قم مقدسه _ تدوین گر: حسن ملایی

ص:۱۱

سوره حمد

اشاره

ص:۱۳

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صراط الهی

(اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ) (۱)

«[خداوندا!] ما را به راه راست هدایت فرما.»

نکته ها:

۱. درخواست هدایت به راه مستقیم، مهم ترین خواسته یکتاپرستان از خداوند است: (إِیَّاکَ نَعْبُدُ... اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ)

۲. برای دست یابی به راه مستقیم، باید دعا کرد: (اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ).

۳. امام عصر، صراط الهی است. مفضّل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «صراط چیست؟» فرمود: «هُوَ الطَّرِیقُ إِلَی مَعْرِفَهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُمَا صِرَاطَانِ صِرَاطٌ فِی الدُّنْیَا وَ صِرَاطٌ فِی الْآخِرَهِ وَ أَمَّا الصِّرَاطُ الَّذِی فِی الدُّنْیَا فَهُوَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَهِ مَنْ عَرَفَهُ فِی الدُّنْیَا وَ اقْتَدَی بِهُدَاهُ مَرَّ عَلَی الصِّرَاطِ الَّذِی هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِی الْآخِرَهِ وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْهُ فِی الدُّنْیَا زَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِی الْآخِرَهِ فَتَرَدَّی فِی نَارِ جَهَنَّم؛(۲)

صراط راهی به سوی شناخت خدای بزرگ است، و آن دو گونه است؛ صراطی در این دنیا و صراطی در آن دنیا. اما صراط دنیا امام است که فرمانبرداری از او واجب

می باشد؛ هرکس در دنیا او را شناخت و رهنمودهای او را به کار بست، از صراط آخرت

_ که پلی روی جهنم است _ خواهد گذشت، و هر کس در این جا امام خود را نشناخت، هنگام گذشتن از صراط آخرت، گامش خواهد لغزید و در آتش دوزخ خواهد افتاد».

۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه (اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ) فرمود: «الطَّرِیقَ وَ مَعْرِفَهَ

۱- سوره حمد، آیه ۴.

۲- معانی الأخبار، ص ۳۲.

الْإِمَامِ؛(۱) صراط مستقیم درخواست راه یابی به راه و معرفت امام است».

۵. راه های متعددی در برابر انسان قرار دارد و او باید یکی را انتخاب کند:

ــ راه خواسته ها و هوس های خود

ــ راه انتظارات و توقع های مردم

ــ راه وسوسه های شیطان

ــ راه طاغوت ها

ــ راه نیاکان و پیشینیان

ــ راه خدا و اولیای خدا

انسان مؤمن، راه خداوند و اولیای او را انتخاب می کند که بر دیگر راه ها امتیازاتی دارد:

الف) راه الهی ثابت است؛ برخلاف راه طاغوت ها و هوس های مردم و هوس های شخصی که هر روز تغییر می کند.

ب) یک راه بیش تر نیست؛ در حالی که راه های دیگر متعدد و پراکنده اند.

ج) انسان در پیمودن راه الهی، به مسیر و مقصد، مطمئن است.

د) در انتهای این مسیر، شکست و باخت وجود ندارد.

۶. خداوند در قرآن کریم، دین پابرجا و استوار خود را «راه مستقیم» معرفی کرده است.(۲) در روایات نیز آمده است که امامان معصوم علیهم السلام فرموده اند: «ما راه مستقیم هستیم».(۳) یعنی هم نمونه عینی و عملی راه مستقیم، و هم بهترین اسوه و الگو در پیمودن این راه، رهبران آسمانی هستند. آنان در دستورات خود درباره تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح، علاقه به فرزند و... نظر داده و ما را به

۱- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸.

۲- (قُلْ إِنَّنِی هَدانِی رَبِّی إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ) . سوره انعام، آیه ۱۶۱.

۳- تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰.

اعتدال و میانه روی سفارش کرده اند.(۱) جالب آن که ابلیس نیز در همین صراطِ مستقیم به کمین می نشیند.(۲)

ص:۱۶

۱- در این باره رک: اصول کافی، باب الاقتصاد فی العبادات.

۲- شیطان به خدا گفت: (لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِراطَكَ الْمُسْتَقِيمَ) . سوره اعراف، آیه ۱۶.

ضرورت معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(صِراطَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَ لَا الضَّالِّینَ)(۱)

«[خداوندا! ما را به] راه کسانی که آن ها را مشمول نعمت خود ساختی [هدایت کن] نه به راه غضب شدگان و گمراهان!»

نکته ها:

۱. این آیه راه مستقیم را راه کسانی معرفی می کند که مشمول نعمت الهی شده اند و عبارت اند از: انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین.(۲) توجه به راه این بزرگواران و آرزوی پیمودن آن و تلقین این آرزو به خود، ما را از خطر کج روی و قرار گرفتن در خطوط انحرافی باز می دارد. انسان مؤمن بعد از این درخواست، از خداوند تقاضا می کند که او را در مسیر غضب شدگان و گمراهان قرار ندهد؛ زیرا بنی اسرائیل نیز به گفته قرآن، مورد نعمت قرار گرفتند، ولی در اثر ناسپاسی و لجاجت، گرفتار غضب شدند.

۲. امام صادق علیه السلام در ضمن تفسیر این آیه فرمود: «الضَّالِّینَ الشّاکُ و الَّذِینَ لَما یَعْرِفُونَ الْإِمَامَ؛ ضالین و گمراهان، شکاکان و کسانی هستند که امامشان را نمی شناسند».(۳)

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن حدیث ثقلین که شیعه و سنی نقل کرده اند، فرمود: «إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا؛(۴) اگر همراه قرآن و اهل بیت علیهم السلام باشید، گمراه نمی شوید». این

ص:۱۷

۱- سوره حمد، آیه ۷.

۲- (مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ) ؛ «کسانی که خدا و رسول را پیروی کنند، آنان با کسانی هستند که خدا آن ها را نعمت داده است، از پیامبران، راستگویان، شهدا و صالحان». سوره نساء، آیه ۶۹ و سوره مریم، آیه ۵۹.

۳- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۹.

۴- بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۹.

گمراهی، همان است که در آخر سوره حمد از خدا می خواهیم که ما را از آن دور کند: (غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّين).(۱)

با این بیان، ضالین دو دسته اند: یک عده، کسانی که با اهل بیت علیهم السلام هستند، اما قرآن را رها کرده اند، و عده دیگر، کسانی که قرآن را گرفته اند، اما از اهل بیت علیهم السلام جدا شده اند؛ چراکه پیامبر در حدیث ثقلین تصریح می کنند که اگر به هردوی این ها تسمک نکنید، گمراه می شوید. مثل ریل های قطار، که اگر دو ردیف باشد، قطار حرکت می کند، اما اگر یک ردیف باشد، قطار از ریل خارج، و در نتیجه نابود می شود.

پس اگر در نماز می گوییم: «خدایا! ما را جز ضالین قرار نده»، برای آن که منحرف نشویم، باید به قرآن و اهل بیت علیهم السلام رجوع، و به آن ها تمسک کنیم و این یعنی معلم و کتاب باید با هم باشد.

۴. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره لزوم شناخت امام و پیروی از او فرموده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛(۲) اگر کسی بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

۵. اگر انسان امام زمانش را نشناسد، از دینش منحرف می شود. در یکی از ۵ دعاهای عصر غیبت می خوانیم: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛(۳) خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی، نمی توانم پیغمبرت را بشناسم. خدایا! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را نشناسم، حجتت را هم نمی شناسم. خدایا! حجتت را به من بشناسان که اگر امام را نشناسم، از دینم منحرف می شوم». به راستی که انحراف، وقتی است که انسان، امام زمانش را نشناسد.

۱- سوره فاتحه، آیه ۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹.

۳- کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۶. در روایتی می خوانیم: «اگر شخصی تمام شب ها را نماز بخواند و روزها را روزه بگیرد و اموالش را در راه خدا بدهد و هر سال به مکه و حج برود، اما ولیّ خدا را نشناسد و کارهای خود را به رهبری او انجام ندهد، هیچ حقی بر خدا ندارد و اهل ایمان نیست».(۱)

۷. امامان معصوم علیهم السلام معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را جزو لوازم ایمان برشمرده و فرموده اند: «لَا یَکُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِناً حَتَّی یَعْرِفَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْأَئِمَّهَ کُلَّهُمْ وَ إِمَامَ زَمَانِهِ وَ یَرُدَّ إِلَیْهِ وَ یُسَلِّمَ لَه؛(۲) بنده خدا مؤمن نمی شود تا آن که خدا و رسولش و همه ائمه و امام زمانش را بشناسد و در امورش به امام زمانش رجوع کند و تسلیم او باشد». سپس فرموده اند: «چگونه ممکن است کسی امام آخر را (که امام زمان اوست) بشناسد و امام اول را نشناسد؟»

۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که برای معرفت امام زمان خود از خانه و شهر خود خارج شود، ولی اجل به او مهلت ندهد، از مصادیق این آیه است: (وَ مَنْ یُهاجِرْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ یَجِدْ فِی الْأَرْضِ مُراغَماً کَثِیراً وَ سَعَهً وَ مَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ مُهاجِراً إِلَی اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ یُدْرِکْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَی اللَّهِ وَ کانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِیماً)(۳)».(۴)

۹. خداوند در پاسخ به این پرسش که چرا ما را آفریده، فرموده است: (لِیَعْبُدُونِ)؛(۵) «تا مرا پرستش کنید». از ائمه پرسیدند: (لِیَعْبُدُونِ)یعنی چه؟ فرمودند: «لیعرفون»؛ یعنی نسبت به خدا معرفت پیدا کنید. از آن طرف و در سخنی دیگر، امام حسین á در پاسخ به

۱- تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳- «هرکه در راه خداوند هجرت کند، اقامت گاه های بسیار همراه با گشایش خواهد یافت و هرکه از خانه اش هجرت کنان به سوی خدا و پیامبرش خارج شود، سپس او را مرگ دریابد، حتماً پاداش او بر خداوند خواهد بود و خداوند آمرزنده مهربان است». سوره نساء، آیه ۱۰۰.

۴- الکافی، ج ۱، ص ۳۷۸.

۵- سوره ذاریات ، آیه ۵۶.

این سؤال که معرفت خدا چیست، فرمود: «مَعْرِفَهُ أَهْلِ کُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُم؛(1) معرفت خدا، شناخت مردم هر زمان نسبت به امامشان است». یعنی معرفت خدا جز با معرفت امام زمان حاصل نمی شود. پس آفرینش برای عبادت خداست، عبادت خدا هم معرفت خدا و در نهایت، معرفت خدا هم به معرفت امام است.

۱۰. اگر کسی بخواهد ائمه علیهم السلام را بشناسد، امام شناسی کامل در زیارت جامعه کبیره است که از امام هادیá به ما رسیده است.

ص:۲۰

۱- بحار الأنوار، ج ۵، ص ۳۱۲.

سوره بقره

اشاره

ص:۲۱

معنا و علت غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُون)(۱)

«[متّقین] کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پای می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند.»

نکته ها:

۱. اساسی ترین اصل در جهان بینی الهی آن است که هستی، منحصر به محسوسات نیست. «یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ»

۲. قرآن، هستی را به دو بخش تقسیم می کند: عالم غیب و عالم شهود. متّقین به کل هستی ایمان دارند؛ ولی دیگران تنها آنچه را قبول می کنند که برایشان محسوس باشد. آنان حتی توقع دارند که خدا را با چشم ببینند و چون نمی بینند، به او ایمان نمی آورند. چنان که برخی از قوم بنی اسرائیل به حضرت موسی گفتند: (لَنْ نُؤْمِنَ لَکَ حَتَّی نَرَی اللَّهَ جَهْرَهً)؛(۲) «ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم، مگر آن که خداوند را آشکارا مشاهده کنیم». این افراد درباره قیامت نیز می گویند: (ما هِیَ إِلَّا حَیاتُنَا الدُّنْیا نَمُوتُ وَ نَحْیا وَ ما یُهْلِکُنا إِلَّا الدَّهْرُ)؛(۳) «جز این دنیا که ما در آن زندگی می کنیم، جهان دیگری نیست. می میریم و زنده می شویم و این روزگار است که ما را از بین می برد». چنین افرادی هنوز از مدار حیوانیت نگذشته اند و راه شناخت را منحصر به محسوسات می دانند و می خواهند همه چیز را از طریق حواس درک کنند.

۱- سوره بقره، آیه ۳.

۲- سوره بقره، آیه ۵۵.

۳- سوره جاثیه، آیه ۲۴.

۳. در احادیث معصومین علیهم السلام کلمه «غیب» به خداوند متعال، فرشتگان، معاد و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اطلاق شده است. به عنوان نمونه، امام صادقá در تفسیر این واژه فرمود: «وَ الْغَيْبُ هُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ»(۱) و نیز در تفسیر آیه شریفهٔ (هُدىً لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ) فرمود: «آن ها که ایمان به غیب می آورند کسانی هستند که اعتقاد به قیام قائم آل محمد علیهم السلام دارند».(۲)

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ؛(۳) برای حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی».

۵. امام دوازدهم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف غائب شده است و طبق صدها حدیث معتبر، برای تشکیل یک حکومت عدل جهانی ظهور خواهد کرد. غیبت آن حضرت در دو مرحله بوده است: غیبت کوتاه (صغری) و غیبت طولانی و بلند (کبری). در مرحله اول

ـ که حدود ۷۰ سال به طول انجامید ـ شیعیان به واسطه چهار نائب خاص، با ایشان ارتباط داشتند و امور دینی خود را به فرمان آن حضرت انجام می دادند؛ تا آن که حضرت به چهارمین نائب خود فرمودند: «تو تا شش روز دیگر از دنیا می روی و پس از خودت شخص دیگری را میان من و مردم مگذار»؛(۴) البته ایشان قبلاً ـ تکلیف شیعیان را روشن نموده و به نائب دیگرشان فرموده بودند که: «شیعیان موظف اند در حوادث به دانشمندان دینی رجوع کرده و به حکم آن ها عمل کنند. آنها حجت من بر مردم هستند؛ همان طور که من حجت خدا بر آنان هستم».(۵) از آن زمان، غیبت طولانی حضرت آغاز گشته است و هنوز ادامه دارد.

۱- کنز الدقائق، ج ۱، ص ۱۱۹.

۲- نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۱.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶.

۵- «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِم». کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.

۶. منظور از غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این نیست که ایشان در میان ما حاضر نیستند؛ زیرا او در میان ماست و ما را می شناسد، ولی ما او را نمی شناسیم. سؤالی که این جا به ذهن خطور می کند این است که مگر می شود ایشان ما را بشناسد، اما ما او را نشناسیم؟ پاسخ آن است که بله؛ قرآن می فرماید: حضرت یوسف علیه السلام بعد از حدود چهل سال از جریانِ افتادن در چاه تا رسیدن به ریاست، وقتی برادرها را دید شناخت، ولی برادرها او را نشناختند: (فَعَرَفَهُمْ وَ هُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ).(۱)

۷. لذا وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند، خیلی ها می گویند ما او را در زمان غیبت دیده بودیم. در دعای ندبه هم می خوانیم: «بِنَفْسِي أَنْت»، جان من فدایت مهدی جان! تو غایبی، اما از میان ما بیرون نیستی: «لم یخل منا».

۸. دلیل این که چرا افراد عادی نمی توانند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ببینند را خود ایشان بیان کرده است: «فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ؛(۲) ما را از شیعیانمان دور نمی کند، مگر اعمال ناپسندی که از ناحیه آن ها به ما می رسد». این سخن با صراحت می گوید که به خاطر اعمال زشتی که انجام داده ایم، توفیق ملاقات و درک ظهور را پیدا نمی کنیم.

۹. چون همه ائمه علیهم السلام خبر می دادند که از نسل آن ها شخصی به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود که غیبتی خواهد داشت، مردم از آنان درباره چرایی غیبت آن حضرت سؤال می کردند. از امام صادق علیه السلام نیز سؤال شد که چرا امام زمان غائب می شود؟ و ایشان در پاسخ، اشاره به گردن خود کردند؛(۳) کنایه از این که اگر آن حضرت بیاید کشته می شود. همین طور هم هست. بنابراین باید زمینه آماده شود. علت غیبت امام دوازدهم، عدم آمادگی مردم برای پذیرش رهبری امام است. خداوند، آن حضرت را برای زمان مناسبی که رشد و فرهنگ مردم به جایی برسد که بتوانند نور امامت را درک و از آن بهره گیری نمایند، ذخیره فرموده است.

۱- سوره یوسف، آیه ۵۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۳- «وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عُنُقِهِ». کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵.

۱۰. برای بیـان علت غیبت امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف چنین می تـوان مثـال زد. اگر اداره برق یـک شـهر برای روشـنایی کوچه ای، تیر چراغ برقی نصب کند و لامپی به آن بزند، ولی بچه های کوچه با زدن سنگ، آن را لامپ را بشکنند، مأمور اداره برق لامپ دیگری می زند. اگر مجدداً بچه ها لامپ را بشـکنند، باز اداره برق، برای روشـنایی محل اقدام به نصب لامـپ دیگری می نمایـد. حال اگر برای بار سوم، بچه های بی ادب کوچه، لامپ را بشـکنند، به احتمال بسـیار زیاد، اداره برق تمـایلی به نصب مجـدد لامـپ نخواهـد داشت؛ امـا به خـاطر خواهش بزرگ ترهـا و رفـاه اهالی آن کوچه، ممکن است لامپ دیگری نصب کنـد. اما فکر می کنیـد اداره برق تا چند بار این کار را انجام می دهد؟! در بحث ما نیز، حاکمان سـتمگر، یازده چراغ هـدایت را شکسـتند و امامان معصوم را به شـهادت رساندنـد، خداونـد نیز امام دوازدهم را نگه داشت تا زمانی که مردم لیاقت و آمادگی بهره گیری از این چراغ هدایت را پیدا کنند.

۱۱. گاهی صـلاح معلم در این است که موقتاً از کلاس بیرون برود؛ چون تا سر کلاس است، بچه ها خوب شناخته نمی شوند. بایـد دیـد آن ها در غیاب معلم چه می کنند و از بیرون، آن ها را کنترل کرد. امامان ما وجود چنین امتحانی در عصـر غیبت را بارها تذکر داده اند.

۱۲. جایگـاه و نقش امـام در زمـان غیبت مثل خورشـید پشت ابر است. خورشـید حتی وقتی پشت ابر قرار دارد، حرارت، نور و انرژی اش را به جهانیـان تحویـل می دهـد. خود امـام عصـر عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف نیز فرمود: «أَمَّا وَجْهُ الِانْتِفَاعِ بِی فِی غَیْبَتِی فَکَالانْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَیَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَاب؛(۱) وجـه انتفـاع از من در دوران غیبتم، همچـون نحـوه اسـتفاده از خورشـید است وقتی که ابر، آن را از دیدگان نهان سازد». حضـرت یوسف á نیز وقتی در زنـدان بود، نقش پیامبری اش را ایفا کرد. مگر شما ندیدید که امام در فرانسه بود، اما انقلاب را هدایت کرد؟!

۱۳. وجود امام ولو در غیبت، باعث بقای زمینیان است. نگویید امام زمانِ غائب چه

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵.

فایده ای دارد؛ کما این که نباید بگویید وجود کوه ها چه اثری دارد! قرآن می گوید: «ما کوه ها را قرار داده ایم و اگر کوه ها نبودند، زمین دائماً شما را می جنباند».(۱) گداختگی درون زمین باعث می شود که پوست آن همیشه در حال لرزش باشد. این کوه است که پوسته زمین را نگه داشته است.

۱۴. در ایام دفاع مقدس، برخی از علمای سن و سال دار با لباس رزم به جبهه ها و میان رزمنده ها می رفتند. آن ها نمی توانستند فعالیت های رزمنده های بسیجی یا رزم شبانه داشته باشد و مثلاً آرپیچی بزنند، ولی وجود و حضور آن ها در جبهه، هزاران نفر را شارژ می کرد. البته این فقط مثال است و من از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معذرت می خواهم که در آموزش و برای فهم مطلب مجبورم مثال بزنم. قرآن می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَن يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا).(۲)

۱۵. ابوحمزه گوید به امام صادق á عرض کردم: «آیا زمین بدون امام می ماند؟» فرمود: «اگر زمین بدون امام باشد، فروخواهد رفت [و نظمش از هم خواهد پاشید]».(۳) بیانش این است که در منطق قرآن کریم، خدا هستی را برای بشر آفریده است. پس هستی برای ماست؛ اما ما برای چه خلق شده ایم؟ ما برای برای عبادت آفریده شده ایم؛ اما عبادت چیست؟

عبادت یعنی هر کاری که رنگ خدا داشته باشد؛ گاهی این عبادت، نماز است یا مطالعه، کار است یا خدمت به جامعه؛ هر کاری که برای خدا باشد اعم از شوهرداری، همسرداری، بچه داری، خانه داری، همسایه داری و رفیق داری عبادت است.

حالا اگر هستی را برای بشر آفریدند و بشر را برای عبادت، اما بشر ـ چون آزاد بود ـ عبادت نکرد و ظلم نمود، دیگر وجود این بشر فایده ای ندارد. اگر سفره را پهن کرده ایم برای آن که مهمان غذا بخورد، اما او غذا نمی خورد، سفره را جمع می کنیم. پس حال که ما

۱- سوره نحل، آیه ۱۵.
۲- سوره بقره، آیه ۲۶.
۳- الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

عبادت حقیقی خدا را نمی کنیم، چرا خدا سفره را جمع نکرده است؟!

قرآن در پاسخ می گوید: (مَا کَانَ اللّهُ لِیُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِیهِمْ)(۱) ای رسول خدا! به خاطر وجود تو سفره باز است. گاهی وقت ها سر سفره همه غذا می خورند و می روند و گاهی نمک نشناسی هم می کنند؛ اما یک آدم حسابی، نشسته و مشغول غذا خوردن است. صاحب خانه، به خاطر آن آدم حسابی، سفره را جمع نمی کند. او همان خلیفه خدا در زمین و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وجود اهل بیت علیهم السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همانند وجود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است و آنان نیز تمام منزلت و کمالات پیغمبر را غیر از مقام نبوت دارا هستند.

مثال دیگر این است که گاهی خادم مسجد می بیند همه از مسجد بیرون رفته اند، اما یک مرد خدا در مسجد عبادت می کند و به خاطر همان یک نفر، لامپ های مسجد را روشن می گذارد.

ص:۲۷

۱- سوره انفال، آیه ۳۳.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عهد الهی

(الَّذِینَ یَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِیثاقِهِ وَ یَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَ یُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ أُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ)(۱)

«[فاسقان] کسانی هستند که پیمان خدا را پس از آن که محکم بستند، می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع می نمایند و در زمین فساد می کنند. قطعاً آنان زیان کاران اند.»

نکته ها:

۱. پیمان های الهی که در این آیه از آن سخن به میان آمده، در آیات دیگر قرآن بیان شده است: خداوند از انبیا پیمان گرفته تا آیات الهی را به مردم بگویند(۲) و از اهل کتاب تعهد گرفته تا کتمان حقایق نکنند و به بشارت های تورات و انجیل درباره ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عمل کنند(۳) و از عامه مردم نیز عهد گرفته که به فرمان الهی عمل کرده و راه شیطان را رها کنند.(۴)

۲. در اسلام، وفای به عهد واجب است، حتی نسبت به کفار؛ و عهدشکنان،

بی دین معرفی شده اند، هرچند که اهل نماز باشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لا دین لمن لا عهد له؛(۵) آن کس که پایبند تعهدات خود نیست، دین کامل ندارد».

ص:۲۸

۱- سوره بقره، آیه ۲۷.
۲- (وَ إِذْ أَخَذْنا مِنَ النَّبِیِّینَ مِیثاقَهُمْ) . سوره احزاب، آیه ۷.
۳- (وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِیثاقَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ) . سوره آل عمران، آیه ۱۸۷.
۴- (وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِی آدَمَ) . سوره اعراف، آیه ۱۷۲.
۵- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۹۸.

۳. خداونـد در این آیه فرمان داده تا با گروه هایی پیوند و رابطه داشـته باشـیم: (أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ) در روایات، آن گروه ها چنین معرفی شـده انـد: رهبران آسـمانی، دانشـمندان، خویشاونـدان، مؤمنان، همسایگان و اساتیـد. هرکس رابطه خود را با این افراد قطع کنـد، خود خسارت می بینـد؛ زیرا جلوی رشـد و تکاملی را که در سایه این ارتباطات می توانسته داشته باشـد، می گیرد.

۴. وفای به عهد، کمالی است که خداوند، خود را به آن ستوده است: (وَ مَنْ أَوْفی بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ)؛(۱) «کیست که بهتر از خدا به پیمانش وفا کند؟». وفای به عهد حتی در قبال مشـرکان هم لازم است: (فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلی مُدَّتِهِمْ)؛(۲) «تا پایان مدت قرارداد، به پیمانی که با مشرکان بسته اید وفادار باشید». هم چنین در آیه ۲۵ سوره رعد، پیمان شکنان لعنت شده اند.(۳)

۵. عهد دو گونه است؛ اول، عهد و پیمانی که مردم با یک دیگر می بندند و باید به آن وفادار باشـند و دوم، عهد و پیمانی که خداونـد برای رهبری یـک جامعه، بر عهـده پیـامبر یـا امـام قرار می دهـد کـه ایـن عهـد، مقـام الهی اسـت: (لا یَنـالُ عَهْـدِی الظّالِمِینَ)(۴)

۶. در زیارت آل یاسین، خطاب به امام زمان می گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِی أَخَذَه»؛(۵) «سلام بر تو که پیمان خدا هستی». وقتی حضرت ابراهیمá به امامت رسـید، به خـدا عرض کرد: «خـدایا! مقام امامت را به بچه هایم هم بده». خدا فرمود: (لا یَنالُ عَهْدِی الظّالِمین)؛(۶) امامت، عهد من است و من عهد و پیمانم را به هر کسی نمی دهم!

۱- سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۲- سوره توبه، آیه ۴.

۳- (وَ الَّذینَ یَنْقُضُونَ عَهْـدَ اللَّهِ مِنْ بَعْـدِ میثاقِهِ وَ یَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَ یُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ أُولئِکَ لَهُمُ اللَّعْنَهُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدّار) .

۴- سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۵- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.

۶- سوره بقره، آیه ۱۲۴.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، خلیفه الهی

(وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَهِ إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً قالُوا أَ تَجْعَلُ فِیها مَنْ یُفْسِدُ فِیها وَ یَسْفِکُ الدِّماءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَ نُقَدِّسُ لَکَ قالَ إِنِّی أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ)(۱)

«و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بر آنم که در زمین جانشینی قرار دهم. فرشتگان گفتند: آیا کسی را در زمین قرار می دهی که در آن فساد کند و خون ها بریزد؟ در حالی که ما با حمد و ستایش، تو را تنزیه و تقدیس می کنیم. خداوند فرمود: همانا من چیزی می دانم که شما نمی دانید.»

نکته ها:

۱. گرچه همه انسان ها، بالقوه می توانند خلیفه خدا باشند، اما همه خلیفه خدا نیستند و به فرموده روایات، افراد خاصی به این مقام می رسند. چون برخی از انسان ها با رفتار خود به اندازه ای از انسانیت سقوط می کنند که از حیوان هم پست تر می شوند؛ چنان که قرآن می فرماید: (أُولئِکَ کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ)(۲)

۲. قرارگاه این خلیفه، زمین است؛ ولی لیاقت او تا (قابَ قَوْسَیْنِ أَوْ أَدْنی)(۳) می باشد.

۳. انتصاب خلیفه و حاکم الهی، تنها به دست خداست: (إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً).

۴. در زیارت آل یاسین، خطاب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوییم: «السَّلامُ عَلَیْکَ یَا خَلِیفَهَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّه؛ سلام بر تو ای کسی که جانشین خدا و ناصر حق هستی».

۵. خدایی که دائماً حاضر، ناظر و قیّوم است، چه نیازی به جانشین و خلیفه دارد؟

ص:۳۰

۱- سوره بقره، آیه ۳۰.

۲- سوره اعراف،آیه ۱۷۹.

۳- سوره نجم، آیه ۹.

پاسـخ آن است که اولاًـ جانشـینی انسـان، به معنـای نیاز و عجز خداونـد در اداره امور نیست، بلکه این مقام به خاطر کرامت و فضیلت رتبه انسانیت است.

ثانیاً نظام آفرینش بر اساس واسطه هاست؛ یعنی با آن که خداوند مستقیماً قادر به انجام هر کاری است، ولی برای اجرای امور، واسـطه هایی قرار داده است. پس انسان می توانـد جانشـین خداوند شود و اطاعت از او، همچون اطاعت از خداوند باشد: (مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ)(۱) و بیعت با او نیز به منزله بیعت با خداوند باشد: (انّ الَّذِینَ یُبایِعُونَکَ ...إِنَّما یُبایِعُونَ اللَّهَ).(۲)

ص:۳۱

۱- سوره نساء، آیه ۸۰.

۲- سوره فتح، آیه ۱۰.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، منصوب و منتخب خدا

(وَإِذِ ابْتَلی إِبْراهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّی جاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِماماً قالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِی قالَ لا یَنالُ عَهْدِی الظَّالِمِینَ)(۱)

«و [به خاطر بیاور] هنگامی که پروردگار ابراهیم، او را با حوادث گوناگونی آزمایش کرد و او به خوبی از عهده آزمایش برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: از فرزندان من نیز [امامانی قرار بده]، خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی رسد [و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقام اند].»

نکته ها:

۱. مفضل بن عمر گوید: درباره این آیه، از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «کلماتی که خداوند با آن ابراهیم را آزمود، کدام اند؟» فرمود: «هِیَ الْکَلِمَاتُ الَّتِی تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتابَ عَلَیْهِ وَ هُوَ أَنَّهُ قَالَ یَا رَبِّ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ إِلَّا تُبْتَ عَلَیَّ فَتَابَ اللَّهُ عَلَیْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ؛ همان کلماتی که آدم آن ها را از پروردگارش دریافت نمود و توبه اش پذیرفته شد و آن این بود که عرض کرد: پروردگارا! به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام از تو مسألت دارم که توبه ام را بپذیری و خداوند نیز توبه او را پذیرفت؛ چراکه او توبه پذیر و مهربان است».

عرض کردم: «یابن رسول الله! مقصود خداوند از این که می فرماید ابراهیم کلمات را به پایان رسانید چیست؟» فرمود: «یَعْنِی فَأَتَمَّهُنَّ إِلَی الْقَائِمِ اثْنَیْ عَشَرَ إِمَاماً تِسْعَهٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ؛ یعنی خدا را تا حضرت قائم و به دوازده امام که نه نفرشان از فرزندان حسین

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۴.

هستند قسم داد».(۱)

۲. حضرت ابراهیمá مقام امامت را برای نسل خود نیز درخواست نمود. پاسخ آمد که این مقام، عهدی است الهی که به هر کس لایق باشد عطا می شود و در میان نسل تو نیز کسانی که شایستگی داشته باشند، به این مقام خواهند رسید. چنان که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از نسل ابراهیم علیه السلام است و به این مقام رسید؛ ولی کسانی که مرتکب

کوچک ترین گناه و ستمی شده باشند، لیاقت این مقام را ندارند.

۳. این آیه یکی از آیاتی است که پشتوانه فکری و اعتقادی شیعه قرار گرفته است. شیعه بر اساس این آیه معتقد است که امام باید معصوم باشد و کسی که لقب ظالم بر او صدق کند، به مقام امامت نخواهد رسید.

۴. منشأ امامت، وراثت نیست؛ بلکه لیاقت است و آن با پیروزی در امتحانات الهی ثابت می گردد: «فَأَتَمَّهُنَّ».

۵. امامت، عهد الهی میان خدا و مردم است: «عَهْدِی».

۶. امامت، انتصابی است نه انتخابی. امام باید حتماً از طرف خداوند منصوب شود: «إِنِّی جاعِلُکَ». زیرا امام باید دارای شرائط و ویژگی هایی باشد که جز خدا کسی واقف به آن ها نیست؛ از جمله:

ـ امام باید تمام قوانین حاکم بر انسان و هستی را بداند.

ـ امام باید از نتیجه حتمی راهی که انتخاب می کند، آگاه باشد.

ـ امام باید در مسیر رهبری، منافع خود را در نظر نگیرد و عوامل درونی و بیرونی باعث تحریک او نشود.

ـ امام باید از عالی ترین صفات برجسته انسانی در حد اعلی برخوردار باشد و...

ناگفته پیداست که این شرایط در افراد معمولی یافت نمی شود و مردم نیز از وجود این شرائط در افراد بی خبرند.

۷. کلامی درباره تعیین امام: بهترین شیوه تعیین رهبر و مقام مسئول در جوامع امروز

۱- الخصال، ج ۱، ص ۳۰۵.

انتخابات است. ولی شکی نیست که انتخابات، اگرچه راه حل است، اما همه جا راه حق نیست؛ چون هیچ برهان و دلیل علمی و عقلی، لیاقت، صلاحیت و حقانیت شخص انتخاب شده را تأیید نمی کند. گرچه در مقام عمل، رأی اکثریت مورد نظر قرار می گیرد و بهترین راه حل است.

علاوه بر آن، توجه به رأی اکثریت، تنها در مسائل اجتماعی است، اما در مسائل اعتقادی، رأی اکثریت هیچ ارزشی ندارد؛ وگرنه باید پیامبران دست از دعوت خود

برمی داشتند و تابع رأی اکثریت ــ که کافر یا مشرک بودند ــ می شدند. چنان که در سوره انعام می خوانیم: (و ان تُطع اکثر مَن فی الارض یضلّوک عن سبیل اللّه ان یتّبعون الّا الظنّ و ان هم الّا یخرصون)؛(۱) ای پیامبر! اگر از اکثر کسانی که روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند. آ ن ها تنها از گمان و حدس پیروی می کنند و جز به دروغ سخن نمی گویند».

بنابراین در مسأله بسیار حساس و اساسیِ امامت ــ که امری اعتقادی است ــ رأی و انتخاب مردم نقشی ندارد و تعیین آن به عهده خداوند است. البته بیعت مردم با امام، زمینه را برای اعمال حاکمیت او فراهم می کند؛ اما این گونه نیست که امام با رأی مردم، امام، و با اعراض مردم، از امامت ساقط شود. حضرت علی صلی الله علیه و آله و سلم در مدت ۲۵ سال خانه نشینی نیز امام بود؛ اما امکان اعمال حاکمیت را نداشت.

بارها در انتخابات، افرادی با رأی اکثریت انتخاب شده اند، ولی دیر یا زود، اشتباه مردم در انتخاب روشن شده است. افرادی چنان باریا و تظاهر و سیاست، گام برمی داشتند که احتمال خلاف در آنان نمی دادیم و علاوه بر رأی دادن، حاضر بودیم جان خود را نیز برایشان فدا کنیم، ولی در حوادث مختلف ــ که زمینه ساز روشن شدن حقایق و اسرار است ــ چهره واقعی آنان نمایان شد و روحایتشان در مقابل مال و مقام تغییر یافت.

راستی که انسان محدود با نداشتن علم غیب و اطلاع از آینده و باطن افراد، چگونه می تواند نظر صددرصد صحیحی درباره شخصی پیدا کند؟! مگر انگیزه ها و حالات و

۱- سوره انعام، آیه ۱۱۵.

عمل کرد انسان ها با توجه به شرایط و موقعیت های مختلف تغییر نمی کند؟ چه بسا افرادی که امروز مؤمن و متعهد هستند، اما فردا دست از ایمان و تعهد بر می دارند.

افراد بسیار زیادی را سراغ داریم که مایه امید بودند، اما عامل یأس و ناامیدی شدند و در مقابل، کسانی بودند که احتمال خیری در آنان نبود، اما دگرگون و مایه صدها خیر و برکت شدند.

مگر ساحران مزدور فرعون برای آبروریزی موسی علیه السلام پا به صحنه نگذاشته بودند که ناگاه با بیداری فطرت خفته و وجدانشان، از بهترین طرفداران موسی شدند؟ و مگر بلعم باعورا مرد دانشمندی نبود که به خاطر دنیاگرایی و گرایش به طاغوت، همه کمالات خود از دست داد؟

البته غرض ما از بیان این نمونه ها، نفی انتخابات و رأی مردم نیست؛ بلکه هدف ما این است که بگوییم انتخابات اگرچه بهترین راه حل در مسائل اجتماعی است، اما

نمی تواند یک راه الهی و علمی و صددرصد قطعی باشد.

انتخابات و همه پرسی با این که در بسیاری از موارد راه حل خوبی است، ولی به طور طبیعی عوارض سوئی نیز دارد که نباید از آن ها چشم پوشید. آن عوارض عبارت اند از:

ـ میان انتخاب شوندگان رقابت هایی به وجود می آید که چه بسا خود زمینه ساز نوعی تضاد و اختلاف و تفرقه و کدورت گردد.

ـ هر انتخاب شده ای به طور طبیعی از انتخاب کنندگان خود حمایت می کند و تنها آنان برای او ارزش دارند. بنابراین در حمایت ها و دفاع ها و جهت گیری هایش، تمایل و خواست انتخاب کنندگان نیز مطرح می باشد و این، خود نوعی شرک است که انسان در کنار جلب رضایت خدا، به فکر راضی کردن این و آن هم باشد.

ـ ممکن است همان شک، خطا، سهو و غرائزی که انسان را در شبانه روز به مسیرهای انحرافی می کشاند، در تعیین رهبر نیز انسان را از حق منحرف نماید.

ـ انتخاب شده ها بیمه و مصونیتی ندارند و معلوم نیست که در برابر حوادث تلخ و شیرین، چهره و رنگ عوض نکنند!

برای این که مطالب فوق، بهتر روشن شود به حدیث جالبی از امام سجاد علیه السلام توجه کنید.

امام فرمودنـد: «هرگاه دیدیـد که مردی خوش برخورد است و راه و روش نیکویی دارد و از خود زهد و عبادت نشان می دهد و در حرکـات خود خیلی شکسـته نفسـی می کنـد، پس در قضـاوت نسـبت به او عجله نکنیـد و فریب ظاهر او را نخوریـد. چه بسـیارند افرادی که از به دست آوردن دنیـا عاجزنـد و به دنیـا نرسـیدن آن هـا به خاطر ناتوانی جسـمی یا عـدم لیاقت و کمبود شخصیت یا ترس آن هاست [نه به خاطر ایمان وتقوی]».

امام در ادامه فرموده انـد: «و اگر دیدیـد شخصـی از مال حرام دوری می کنـد، صبر کنیـد و زود درباره او قضاوت نکنید، زیرا شهوات مردم مختلف است. چه بسیارند افرادی که از مـال حرام کنـاره می گیرنـد ــ گرچه زیـاد باشـد ــ اما خود را بر اعمال ناپسند وادار می کنند و مرتکب دیگر حرام ها می شوند.

اگر دیدیـد او از تمام اعمال ناپسـند دوری می کنـد، باز فریب نخوریـد تا ببینیـد میزان تعقل او چه مقـدار است؟ زیرا بسـیارند افرادی که از تمام اعمال بد دوری می کنند، اما درایت و ریشه عقلایی ندارند؛ لذا چون شـعور فکری آن ها کم است، معمولاً به جای اصلاح، دست به افساد می زنند.

اگر دیدیـد دارای عقل متین هم هست، باز فریب نخوریـد و صبر کنیـد تا ببینیـد آیا با هوای نفس خود، عقل را می کوبـد یا با کمـک عقـل علیه هوای نفس گـام برمی دارد و نیز نسـبت به ریـاست هـای باطـل چقـدر علاقه منـد است. زیرا در میان مردم، کسانی هسـتند که در دنیا و آخرت زیان کارند؛ آن ها دنیا را رها می کنند، نه برای خدا، بلکه برای رسـیدن به دنیا، زیرا لذت ریاست نزد آن ها به مراتب از لذت مال و دنیا بیشتر است».

سرانجـام امام فرمودنـد: «انسان واقعی کسـی است که خواسـته هایش را تابع و مطیع فرمان الهی، و توانش را در مسـیر رضایت خداوند قرار دهد و ذلتِ ظاهریِ همراهی با حق را از عزتِ ظاهریِ همراهی با باطل به رستگاری و سعادت نزدیک تر بداند».

آن حضرت، در پایان، ضمن تشویق به پیروی از چنین شخصی می فرمایند: «به رفتار و منش این شخص چنگ بزنید و به روش او اقتدا کنید و برای رشد و پرورش خود و رسیدن به خداوند به او متوسل شوید؛ چرا که دعا و درخواست او مستجاب است و رد

نمی شود».(۱)

حاصل آن که انتخابات می تواند راه حل باشد، اما همیشه راه حق نیست؛ زیرا پست و مقام و ریاست، بعضی از انسان ها را عوض می کند و چه بسیار افراد فداکار و علاقه مندی که پس از گرفتن مقام، روحیه و روش آنان عوض شده است. به همین جهت می گوییم تعیین رهبر باید از طرف خدا باشد. اوست که علم غیب دارد و از آینده و تمام حالات افراد باخبر است و بهتر می داند که مقام رسالت و پیام رسانی خود را به چه شخصی عطا کند: (اللّه اعلم حیث یجعل رسالته).(۲)

امام باقر علیه السلام به جابر فرمودند: «ای جابر! تو ولیّ ما نمی شوی، مگر زمانی که اگر تمام مردم شهر درباره تو بگویند فلانی مرد بدی است، ناراحت نشوی و اگر هم گفتند مرد خوبی است شاد نشوی؛ بلکه برای شناخت خود، خود را به کتاب خدا عرضه نمایی».(۳) از این حدیث هم به خوبی استفاده می شود که رأی و قضاوت مردم همیشه دلیل بر حقانیت یا باطل بودن افراد نیست.

در قرآن می خوانیم که مردم می گفتند: (وقالوا لولا نزل هذا القران علی رجل من القریتین عظیم)؛ «چرا قرآن بر مرد سرشناسی از دو قریه مکه و طائف نازل نشد؟».(۴) آنها خیال می کردند که اگر شخصی سرشناس و معروف یا سرمایه دار و باغ دار باشد، باید بر او وحی نازل شود! همین که طالوت از طرف خدا فرمانده لشکر شد، بسیاری از مردم، فرماندهی او را فقط به خاطر فقر و تهیدستی او نپذیرفتند.

آیت الله شهید صدر با بیان چند مقدمه درباره شیوه تعیین امام، نتیجه می گیرد که این کار تنها باید از راه انتصاب الهی و از طریق اعلان رسول باشد. آن مقدمات این گونه است:

الف) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عهده دار دگرگونی همه جانبه و انقلاب بزرگ عقیدتی و فکری و

۱- بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۸۴.

۲- سوره انعام، آیه ۱۲۴.

۳- تحف العقول، ص ۲۸۴.

۴- سوره زخرف، آیه ۳۱.

تبدیل سیستم جاهلیِ آن عصر به یک نظام اسلامی _ انسانی برای ابد بود.

ب) دوران رسالت آن حضرت، ۲۳ سال بود. در آن دوران، مسلمانان در مکه در خفقان و فشار و ترس، و در مدینه متحمل انواع مشکلات و جنگ ها و توطئه های دشمنان بودند؛ از این رو، مدت رسالت با آن همه گرفتاری، برای آن دگرگونی، مدت کمی بود.

ج) پیامبر اسلام عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت ناگهانی از دنیا نرفت تا بگوییم زمانی برای بررسی مسأله رهبری امت و ادامه کار نداشت و فرصتی برای تعیین جانشین خود پیدا نکرد.

کوتاه سخن آن که ۲۳ سال برای آن دگرگونی کم است و باید بعد از پیامبر عجل الله تعالی فرجه الشریف هدایت ادامه یابد. حال برای این مسأله، چند نظریه مطرح است که باید مورد بررسی قرار دهیم:

الف) پیامبر اکرم عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به جانشینی خود بی تفاوت بود و بدون آن که به فکر تداوم انقلاب و هدایت مردم باشد، آنان را رها کرد و از دنیا رحلت نمود.

این نظریه قابل قبول نیست؛ زیرا یک انسان عادی نیز هرگز حاضر نخواهد بود که طرح و برنامه ای را که برای آن زحمت بسیار کشیده، رها کند و آن را به شخصی نسپارد؛ آن هم با سوز و گدازی که قرآن درباره حضرت محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان می کند و می فرماید که آن حضرت در امر ارشاد و هدایت مردم بسیار دل سوز بود: (حَرِیصٌ عَلَیْکُم)(۱) و در جای دیگر می فرماید: (لَعَلَّکَ باخِعٌ نَفْسَک)؛(۲)«گویا تو از ناراحتیِ این که چرا مردم ایمان نمی آورند، خود را می کشی».

آیا پیامبری که این چنین نسبت به هدایت مردم، تعهد و عشق دارد، حاضر است مردم را به حال خود رها کند؟ پیامبری که در وقت عزیمت به جنگ تبوک _ که هشتاد روز طول کشید _ کسی را به جای خود در مدینه گذاشت، آیا برای پس از خود فکری نمی کند؟!

ب) نظریه دوم آن است که بگوییم پیامبر از دنیا رفت و رهبری امت را به شورا و

۱- سوره توبه، آیه ۱۲۸.

۲- سوره شعراء، آیه ۳.

انتخاب خود مردم واگـذار کرد؛ اما اگر چنین بود، چرا ابوبکر مثل پیامبر، امت را به شورا واگذار نکرد و شـخصاً دخالت نمود و عمر را نصب کرد؟! چرا عمر نیز در رهـبری امت همه پرسـی نکرد؟! بلکه خود شورایی مرکب از شـش نفر تشـکیل داد، آن هم شورایی که عملاً دیکتاتوری بود؛ زیرا گفته بود در این شورا کسـی رهبر است که عبـدالرحمن بن عوف به او توجه داشـته باشـد! این چه شورایی است که یـک نفر در آن حق وتو دارد و نظر آن دسـته قابـل قبول است که این یک نفر در میان آن ها باشد؟ آیا این شوراست یا دیکتاتوری؟! اگر این نظریه را بپذیریم، پس ماجرای غدیر خم چه خواهد شد؟

ج) اکنـون که نظریه اول و دوم رد شـد، تنهـا یـک راه بـاقی می مانـد و آن این که خـود پیـامبر ـ که از همه دلسوزتر است ـ شخص لایـقی را که در شـناخت مکتب و عمـل به دسـتورات آن و نیز اداره و هـدایت جـامعه، از همه افراد بهتر است و دارای هرگونه صـلاحیت علمی و فکری است و سـابقه ای درخشـان دارد، برای رهبری امت، انتخاب کرده، او را منصوب نموده و به مردم معرفی کند. پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم نیز چنین کرد و در غدیر خم، حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود منصوب نمود.

راه حق در شـیوه تعیین امـام، همان راه پیامبر است؛ زیرا ما امامت را همچون نبوت، امام را همچون پیامبر، و دلیل نیاز به امام را همانند دلیل نیاز به پیامبر می دانیم. کار امام در هدایت و رشد مردم و نشان دادن راه سـعادت، شبیه کار پیامبر است و خداوند درباره هدایت مردم می فرماید: (انّ علینا لَلهُدی)؛(1)«همانا بر ماست هدایت مردم».

اندیشـمندی می گویـد: «امام باید معصوم، و از حد اعلای صـفات عالی برخوردار باشد و چون متصف بودن یک انسان به آن صفات و روحیات چیزی نیست که مردم عادی بتوانند آن را تشخیص دهند و اگر چیزی بفهمند خیلی ناقص است و تنها از راه علائم و آثار، چیزی را می فهمنـد، لـذا بایـد خداونـد عالم و مدبر و قادر، امام را تعیین کند. زیرا اوست که هم از اسـرار مردم باخبر است و هم عالم به غیب است و هم راه سعادت واقعی ما را می داند و هم تدبیر جهان به دست اوست».

۱- ۱. سوره لیل، آیه ۱۲.

نتیجه آن که اگر بـاور کردیم امـامت مقامی انتصابی است نه انتخابی، بایـد بپـذیریم که مردم در مقابل انتصاب الهی، اختیاری ندارنـد. قرآن می فرمایـد: (وَ مـا کـانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لاـ مُؤْمِنَهٍ إِذا قَضَـی اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْراً أَنْ یَکُونَ لَهُمُ الْخِیَرَهُ مِنْ أَمْرِهِمْ...)؛(۱)«در مواردی که خداونـد برای مرد و زن باایمـان، حکم و قـانون [یـا مقام و فردی را برای مسـئولیتی] انتخاب نمود، دیگر مردم حق انتخاب ندارند».

در سوره قصـص نیز چنین می خوانیم: (وَ رَبُّکَ یَخْلُقُ مـا یَشـاءُ وَ یَخْتـارُ ما کانَ لَهُمُ الْخِیَرَه)؛(۲)«خداونـد می آفریند و هرچه را بخواهد اختیار می کند و مردم [در برابر گزینش خداوند] اختیاری ندارند». در ـتفسـیر قمیـ ذیل این آیه روایتی آمده اسـت که می فرماید: «هرگاه خداوند کسی را به امامت برگزیند، مردم نباید به سراغ دیگری بروند».(۳)

بنـابراین بـا وجود امکـان اشـتباه در انتخاب از سوی مردم عادی، ارزش انتخاب از بین می رود و انتخابی می توانـد صددرصـد ارزش داشته باشد که از سوی خدا باشد؛ زیرا اوست که آگاه بر باطن و آینده انسان هاست.

پرسـش: هدف شـما در این بخش آن بود که مشـخص شود تعیین امام باید از طرف خدا باشد و انتخابات مردم عادی به دلیل عدم آگاهی از اسرار و آینده افراد و محدودیت علمی و تجربه های ناموفق آنان نمی تواند ارزش مهمی داشته باشد.

در این جا سؤالی مطرح است و آن این که چرا خود امام علی علیه السلام در نامه ششم نهج البلاغه برای اثبات حقانیتش، رأی مردم به خویش را به رخ مخالفان می کشد یا چرا در نظام جمهوری اسلامی ایران، رأی گیری از مردم ملاک انتخاب است؟

پاسخ: حضرت علی علیه السلام در آن بیان می خواهد طبق معیار مخالفانش سخن بگوید. یعنی می فرماید: شما که دم از مردم و رأی و انتخاب آنان می زنید، همان مردم مرا پذیرفتند، پس چرا در برابر من می ایستید؟

۱- احزاب، آیه ۳۶

۲- قصص، آیه ۶۸

۳- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴۳.

در نظام جمهوری اسلامی ایران هم از آن جهت که مردم راه حق را شناختند و رهبری امام را بر طاغوت، و نظام اسلامی را بر نظام شاهنشاهی ترجیح دادند، ما این انتخاب نیکو را به رخ دنیا می کشیم تا مورد تهمت قرار نگیریم و نگویند که سیستم شما یک سیستم تحمیلی است.

اما اگر منتخب مردم به بیراهه رفت، مردم در مقابل او می ایستند و او را از مقامش خلع می کنند؛ چنان که امام خمینی (ره) بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، به رئیس جمهور معزول _ که به هواداری مردم افتخار می کرد _ فرمود: «اگر با روش غیراسلامی به کار خود ادامه دهی، من با تو مخالفت می کنم؛ گرچه همه مردم با تو باشند».

بنابراین انتخابات و همه پرسی ها زمانی مورد افتخار است که مسیر حق را طی کند؛ وگرنه رأی و انتخاب مردم تا به حقیقت متصل نشود و از طریق وحی و راه خدا نورانی نشود، ارزش الهی نخواهد داشت.

ما نمی خواهیم ارزش انتخابات را به کلی نادیده بگیریم، بلکه شعار ما این است که انتخابات همیشه راه حق را نمی پیماید و دلیل عقلی و صددرصد صحیحی ندارد. علاوه بر آن که انتخاب مردم در برابر انتخاب خدا ارزشی ندارد و فقط در جایی که کسی از سوی خدا برای این امر معین نشده باشد، بهترین راه، رأی گیری از مردم و دخالت دادن نظر آنان در انتخاب حاکم است.

ص:۴۱

تعداد یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(وَلِکُلٍّ وِجْهَهٌ هُوَ مُوَلِّیها فَاسْتَبِقُوا الْخَیْراتِ أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً إِنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ)(۱)

«و برای هر کس قبله ای است که به آن سوی رو می کند. [بنابراین درباره جهتِ قبله گفتگو نکنید و به جای آن] در نیکی ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت بجویید، [و بدانید] هر جا که باشید، خداوند همه شما را [در محشر] حاضر می کند؛ همانا خداوند بر هر کاری تواناست».

نکته ها:

۱. امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «الْمَفْقُودُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ ثَلَاثُمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّهُ أَهْلِ بَدْرٍ فَیُصْبِحُونَ بِمَکَّهَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً وَ هُمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ؛(۲) کسانی که بسترهای خود را برای یاری او ترک می کنند، سیصد و سیزده تن، به شمار اصحاب جنگ بدر هستند. آن ها خود را به مکه می رسانند و این همان قول خدای تعالی است که می فرماید: «هر کجا باشید خداوند همه شما را مجتمع گرداند» و آنان اصحاب قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند».

۲. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یار و یاور بسیاری دارد؛ اما در روایات، تعداد یاران ایشان، سیصد و سیزده نفر ذکر شده است که پنجاه نفر از آن ها خانم هستند. البته آنان فرماندهان و افسران سپاه امام هستند. امام باقر علیه السلام در ضمن روایتی فرمود: «به خدا قسم، سیصد و سیزده تن که پنجاه زن نیز در میان آن هاست، مانند قطعه های ابر در فصل پاییز، در غیر موسم حج در

۱- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۴ .

مکه معظمه جمع می شوند. چنان که خداوند می فرماید: (أَيْنَ ما تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ)؛ هر کجا باشید، خداوند تمام شما را گرد می آورد، خداوند بر هر چیز تواناست».(۱)

۳. علاوه بر سیصد و سیزده نفر، باید یاران دیگری نیز جمع شوند تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند. ابوبصیر گوید: شخصی از اهالی کوفه از امام صادق علیه السلام پرسید: «چند نفر به همراه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج می کنند؟» فرمود: «وَ مَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أُولِي قُوَّةٍ وَ مَا تَكُونُ أُولُو الْقُوَّةِ أَقَلَّ مِنْ عَشَرَةِ آلَافٍ؛ او به همراه اصحابی نیرومند خروج می کند و آن ها کمتر از ده هزار تن نیستند».(۲)

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۴.

عصر غیبت و امتحان های گوناگون

(وَ لَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِینَ) (۱)

«و قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات، آزمایش می کنیم وصابران [در این حوادث وبلاها] را بشارت ده».

نکته ها:

۱. یکی از سنّت های حتمی خداوند درباره انسان، آزمایش و امتحان است که حدود بیست مرتبه در قرآن از آن سخن به میان آمده است. ناگواری ها از ابزارهای آزمایش خدا هستند؛ لذا گاهی انسان با آن که گناه و تقصیری هم نکرده، به برخی از ناگواری ها مبتلا می شود؛ همان گونه که خوشی ها نیز وسیله دیگری برای آزمایش الهی است.

۲. امام صادق علیه السلام فرموده است: «پیش از ظهور قائم نشانه هایی از جانب خدای تعالی برای مؤمنان خواهد بود». راوی گوید: «عرض کردم: فدای شما شوم! آن ها کدام است؟» فرمود: «این قول خدای تعالی که (وَلَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِین)؛ یعنی شما مؤمنان را پیش از خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می آزمائیم به [خوف از] پادشاهان بنی فلان در آخر سلطنت آن ها و [گرسنگی به واسطه] گرانی قیمت ها و [کاستی در اموال به واسطه] کسادی داد و ستد و کمی سود و [کاستی در نفوس به واسطه] مرگ و میر فراوان و [کاستی در ثمرات به واسطه] کمی برداشت محصولات زراعتی و در آن هنگام صابران را به تعجیل خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف مژده بده».(۲)

۱- سوره بقره، آیه ۱۵۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۹.

۳. خداوند مصیبت ها را به این جهت استخدام کرده است که به وسیله آن، انسان را از دنیا قطع، و به خود وصل کند؛ دست انسان را از دست دنیا دربیاورد و در دست خود قرار بدهد. شما تا دستتان در دست دوستی قرار دارد، آیا می توانید با دوست دیگرتان دست بدهید؟ هرگز! مگر نمی گویید که با یک دست نمی شود دو هندوانه برداشت؟ پس با یک دست هم نمی شود با دو کس دست داد!

انسان تا دست خود را از دست دنیا بیرون نکشد، نمی تواند با آخرت دست بدهد؛ باید از بیعت ظالم خارج بشود تا بتواند با امام بیعت کند؛ باید از وادی کفر بیرون بیاید تا بتواند به وادی ایمان وارد شود. همان طور که تا وقتی آخرین ثانیه های شب پایان نیابد، وارد اولین ثانیه های روز نخواهیم شد. پس مصیبت ها این هنر را دارند که دست انسان را برای همیشه از دست دنیا خارج کنند.

خدا برای این که می خواهد انسان را نسبت به دنیا و دنیایی ها بی میل و رغبت کند، او را تحت فشار قرار می دهد و انواع مصیبت ها را بر او فرود می آورد.

۴. گاهی برای به هوش آمدن انسانی که بی هوش شده است، به او سیلی می زنند. مصیبت ها سیلی خداوند هستند که بر صورت بی هوشان و سرمستان وادی دنیا نواخته می شود. آن که مرده است، هیچ گاه سیلی نخواهد خورد. پس آن که به مصیبتی گرفتار نیست، باور کند که مرده است؛ البته در صورتی که آثار به هوش بودن را در خویش نمی بیند.

۵. یکی از تأثیرات مصیبت، آن است که انسان حالتی پیدا می کند که دنیا را در شأن و حیثیت خویش نمی بیند یا آن را برای خود، کم می بیند. اگر از بچه ای چیزی که داده اید پس بگیرید، قطعاً یک حالت زدگی در او ایجاد می شود و دیگر وقتی چیزی به او

می دهید، از شما قبول نمی کند؛ چون احساس می کند که هیچ اعتمادی به آن چیزهایی که به او می دهید، نیست.

خداوند متعال وقتی بخواهد مؤمنی را متوجه کند که به این دنیا هیچ اعتمادی نیست، با «بده بستان» با او برخورد می کند! انسان در ابتدا وقتی چیزی را به چنگ می آورد، آرام و قرار ندارد؛ اما کمی که خدا با او بده بستان کرد، متین و باوقار می شود، هم در گرفتن و

هم در پس دادن. دیگر نه وقتی که به او چیزی می دهند، فرحی از خود نشان می دهد و نه وقتی که از او چیزی می گیرند، جزع می کند.

۶. پرسش: مگر خدا نمی داند که هر کسی چه کاره است تا لازم باشد او را به وسیله ناگواری ها آزمایش کند؟

پاسخ: شکی نیست که میان آزمایش ما و آزمایش خدا فرق است. آزمایش ما برای شناخت است، اما آزمایش خدا برای علم و آگاهی به وضع و روحیه و عکس العمل ما نیست؛ زیرا او قبل از هر فکر و عملی، می داند که ما چگونه فکر می کنیم و چگونه عمل خواهیم کرد. بلکه هدف او از آزمایش، این است که از ما کاری سر زند و بدین وسیله، استحقاق پاداش و کیفر داشته باشیم؛ زیرا خداوند طبق علم خود و بدون آن که از شخصی عملی سر بزند، به خوبی و بدی او پاداش و کیفر نمی دهد.

معلم می داند که فلان دانش آموز اهل درس خواندن نیست؛ ولی نمی تواند قبل از امتحان، او را مردود قلمداد کند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «آزمایش های الهی برای علم پیدا کردن خداوند نیست؛ بلکه برای آن است که بستری ایجاد شود و از انسان عملی سرزند تا کیفر و پاداش بر مبنای عمل او باشد».(۱)

آزمایش الهی برای آن است که مدعیان راستین از مدعیان دروغین شناخته شوند. زیرا همه انسان ها به نوعی ادعا می کنند که آدم های خوبی هستند؛ اما به هنگام امتحان، حقیقت روشن می شود و هرکس می فهمد که چه مقدار در ادعایش راستگو بوده است.

۷. اهداف آزمایش عبارت اند از:

ـ شکوفا شدن استعدادهای نهفته در انسان: (وَلِيَبْتَلِيَ اللّهُ ما فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحِّصَ ما فِي قُلُوبِكُمْ).(۲)

ـ جداسازی افراد نیک از بد: (ما كانَ اللّهُ لِيَذَرَ الْمُومِنِينَ عَلى ما أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتّى يَمِيزَ

ص:۴۶

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۵۴.

الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ).(۱)

ـ جداسازی صفوف مجاهدان و صابران از غیر آن ها: (وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتّی نَعْلَمَ الْمُجاهِدِینَ مِنْكُمْ وَ الصّابِرِینَ).(۲)

ـ انجام کارهای بهتر: (إِنّا جَعَلْنا ما عَلَی الارْضِ زِینَةً لَها لِنَبْلُوَهُمْ أَیُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلا).(۳)

۸. منصور صیقل گوید: من و حارث بن مغیره با جماعتی از اصحابمان (شیعیان) خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودیم و از ظهور دولت حق سخن می گفتیم. آن حضرت سخن ما را می شنید، سپس فرمود: «شما در چه موضوعی وارد شده اید؟ هیهات! هیهات! به خدا قسم، آنچه انتظارش را می کشید، واقع نشود تا وقتی که غربال شوید. به خدا قسم، آنچه چشم به راهش هستید، واقع نشود تا وقتی که امتحان شوید. به خدا قسم، آنچه به سویش چشم می کشید، واقع نشود تا وقتی که جدا شوید».(۴)

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۷۹.

۲- سوره محمد، آیه ۳۱.

۳- سوره کهف، آیه ۷.

۴- الکافی، ج ۱، ص ۳۷۰.

صبر بر مشچلات عصر غیبت و راه چسب آن

(الَّذِینَ إِذا أَصابَتْهُمْ مُصِیبَهٌ قالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ)(۱)

«[صابران] کسانی هستند که هرگاه مصیبتی به آن ها رسد، می گویند: ما از آنِ خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم.»

نکته ها:

۱. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ضمن حدیثی فرمود: «إِذَا عَجَّلَ اللَّهُ خُرُوجَ قَائِمِنَا یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً... طُوبَی لِلصَّابِرِینَ فِی غَیْبَتِه؛(۲) هنگامی که خداوند در خروج قائم ما تعجیل فرماید [و او خروج کند] زمین را پر از عدل و داد می نماید، هم چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد... خوشا به حال کسانی که در زمان غیبتش صابر و شکیبا باشند».

۲. شعار صابران (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ) است. در حدیث می خوانیم: «هرگاه با مصیبتی مواجه شدید، (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ) بگویید».(۳) گفتن این عبارت و یاد خدا به هنگام ناگواری ها، آثار فراوانی دارد؛ از جمله:

ــ انسان را از کلام کفرآمیز و شکایت به خدا باز می دارد.

ــ موجب تسلیت و دلداری و تلقین افکار خوب به انسان است.

ــ مانع وسوسه های شیطانی است.

ــ اظهار عقاید حقّ است.

۱- سوره بقره، آیه ۱۵۶.

۲- کفایه الأثر، ص ۶۰.

۳- درّ المنثور، ج ۱، ص ۳۷۷.

ـ برای دیگران، مایه درس و الگوپذیری است.

۳. مردم در برابر مشکلات و مصائب چند دسته اند:

ـ گروهی جیغ و داد می کنند: (إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً).(۱)

ـ گروهی بردبار و صبور هستند: (وَ بَشِّرِ الصَّابِرِینَ).

ـ گروهی علاوه بر صبر، شکرگزارند: «اللهم لک الحمد، حمد الشاکرین لک علی مصابهم».(۲)

۴. جایگاه صبر:

ـ صبر از صفات انبیاست: (کُلٌّ مِنَ الصَّابِرِینَ).(۳)

ـ صبر کلید بهشت است: (أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّهَ وَ لَمَّا یَأْتِکُمْ ...)(۴)

ـ صبر در بلاها و آزمایش های الهی، محک و ملاک شناخت مجاهدان و صابران و موجب روشن شدن چهره آنان است: (وَ لَنَبْلُوَنَّکُمْ حَتَّی نَعْلَمَ الْمُجاهِدِینَ مِنْکُمْ وَ الصَّابِرِینَ).(۵)

ـ صبر نسبت به ایمان، به منزله سر برای بدن است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «الصبر من الایمان کالرأس من البدن».(۶)

ـ صبر، میزان درجات بهشتیان است: (سَلامٌ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ)(۷)، (أُوْلئِکَ یُجْزَوْنَ الْغُرْفَهَ بِما صَبَرُوا)(۸)، (وَ جَزاهُمْ بِما صَبَرُوا جَنَّهً وَ حَرِیرا).(۹)

۱- سوره معارج، آیه ۲۰.

۲- فقره آخر زیارت عاشورا.

۳- سوره انبیاء، آیه ۸۵.

۴- سوره بقره، آیه ۲۱۴.

۵- سوره محمد، آیه ۳۱.

۶- بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۰۳.

۷- سوره رعد، آیه ۲۴.

۸- سوره فرقان، آیه ۷۵.

۹- سوره انسان، آیه ۱۲.

ـ صبر دارای درجاتی است. در حدیثی می خوانیم که صبر بر مصیبت، ۳۰۰، صبر بر طاعت، ۶۰۰، و صبر بر معصیت، ۹۰۰ درجه دارد.(۱)

ـ در سراسر قرآن، اجر بی حساب فقط برای صابران مطرح شده است: (إِنَّما يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسابٍ).(۲)

ـ قرآن مجید در کنار صبر، شکر را نیز مطرح فرموده است؛ اشاره به این که مشکلات هم نعمت هستند: (لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ).(۳)

ـ ریشه صبر، ایمان به خداوند و معاد، و امید به دریافت پاداش است: (الَّذِينَ ... قالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ)

۵. راه هایی که قرآن برای صبر بر مشکلات به ما ارائه می دهد، از این قرار است:

ـ داشتن جهان بینی الهی

قرآن در مدح افراد باایمانی که در برابر سختی ها صبور هستند، می فرماید: این ها به خاطر داشتن جهان بینی الهی، در مواجهه با حوادث می گویند: ما برای خدا هستیم، استقلالی از خود نداریم، طلبی هم از او نداشته ایم، وجود ما و نعمت های ما همه و همه از اوست و ما امانتداری بیش نیستیم.

صابران، به جای خود باختگی و پناهندگی به دیگران، تنها به خدا پناه می برند؛ زیرا از دید آن ها، تمام جهان، کلاس درس و میدان آزمایش است و باید در آن رشد کنند. دنیا جای ماندن نیست، خوابگاه و عشرتکده نیست و شدائد و سختی های آن نیز نشانه بی مهری خداوند نیست. بلکه ناگواری ها برای آن است که زیر پای ما داغ شود و تندتر و سریع تر حرکت کنیم. بنابراین در تلخی ها نیز شیرینی است؛ زیرا شکوفا شدن استعدادها، کامیابی از پاداش های الهی را به دنبال دارد. این دید و جهان بینی، انسان را برای برخورد

۱- بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۹۲.

۲- سوره زمر، آیه ۱۰.

۳- سوره ابراهیم، آیه ۵.

صحیح با حوادث آماده می کند.

_ آگاهی از سنت های الهی

قرآن می فرماید: شما انسان های امروز، متفاوت از انسان های پیشین نیستید که بدون هیچ آزمایش و رنج و زحمتی به بهشت برسید؛ بلکه باید همچون امت ها و شخصیت های دیگر در جریان سخت ترین حوادث قرار گیرید و آزموده شوید: (ام حَسِبْتُم ان تَدخُلُوا الجَنَّهَ و لَمّا یَأتِکُم مَثَلُ الَّذینَ خَلَوا مِن قَبلِکُمْ مَسَّتْهُم البَاساءُ و الضَّراءُ و زُلزِلُوا حَتّی یَقُولَ الرَّسُولُ و الَّذینَ آمَنُوا مَعَهُ مَتی نَصرُ اللّهِ الا انَّ نَصرَ اللّهِ قَریبٌ)؛(۱)«آیا گمان می کنید که وارد بهشت می شوید بدون آن که با حوادث امت های پیشین برخورد کنید؟! مؤمنانِ قبل از شما مردمی بودند که انواع سختی ها به آن ها رسید تا جایی که اضطراب، همه آنان را فرا گرفت و پیامبر و مؤمنان گفتند: کجاست یاری خدا؟ آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است».

این آیه می گوید که در طول تاریخ، افراد باایمان و حق طلب دچار سخت ترین ناملایمات شده اند، اکنون نیز نوبت شماست! بنابراین، نه ناگواری ها تازگی دارد و نه تنها شما هستید که گرفتار این سختی ها و مشکلات شده اید؛ این یک سنت الهی است که باید طی شود.

قرآن مکرر می فرماید: (وَ اذکُر فِی الکِتابِ...)؛(۲)یعنی تاریخ پیامبران و امت های پیشین را یاد کنید تا فکر نکنید که ناگواری ها فقط برای شما بوده است. آنگاه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: (فَاصبِر کَما صَبَرَ اولُوا العَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ)(۳)؛ «تو نیز مانند سایر انبیا صبور باش».

آری! انسان اگر بداند که ناگواری ها، هم یک قانون و سنت است و هم عمومی و همگانی، آمادگی بیشتری برای مقابله با آن پیدا می کند. ما در ماه رمضان خیلی راحت

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۴.

۲- سوره مریم، آیات ۴۱ و ۵۱.

۳- سوره احقاف، آیه ۳۵.

روزه می گیریم، چون عموم مردم در آن ماه، روزه هستند؛ اما در غیر ماه رمضان، روزه گرفتن سخت و دشوار است!

_ آشنایی با صابران و چگونگی صبرشان

اطلاع از استقامت پیشینیان، یکی از رمزهای موفقیت در برخورد با حوادث است. قرآن در این زمینه بسیار سخن گفته و الگوها و مدل های صبر و استقامت را از افراد و امت های پیشین بیان کرده است.

قرآن می فرماید که پیامبران الهی علیهم السلام در برابر سرسخت ترین مخالفان خود می گفتند: (وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلی ما آذَیْتُمُونا)؛(۱)«ما در برابر آزار شما استقامت خواهیم کرد» و نیز ساحرانی که به دعوت فرعون برای مقابله و محکوم کردن حضرت موسی علیه السلام آمده بودند، همین که به حقانیت پیامبر خدا پی بردند، ایمان آوردند و در برابر تهدیدات فرعون گفتند: (فَاقْضِ ما انْتَ قاضٍ انَّما تَقضی هذِهِ الحَیاه الدُّنیا)؛(۲)«هر حکمی را که می توانی صادر کن، تو فقط در این زندگی دنیا می توانی حکم کنی»، ما راه خود را پیدا کرده ایم و از مسیر حق دست بر نمی داریم.

آری! علم به تاریخ گذشته، در صبر و بردباری انسان بسیار مؤثر است؛ همان گونه که علم به اسرار آینده در صبر و تحمل انسان اثر می گذارد. حضرت خضر علیه السلام به موسی علیه السلام گفت: چون تو از باطن حوادث و اسرارِ کار من خبر نداری، صبر و تحمل نخواهی کرد: (و کَیفَ تَصبِر عَلی ما لَم تُحِطْ بِه خُبراً).(۳)

_ توجه به حضور خدا

اگر انسان بداند و باور داشته باشد که خداوند بر تمام اعمال و رفتار و حتی افکار او آگاه است و در همه حال، حاضر و ناظر بر اوست، در برابر مشکلات صبر می کند و نه تنها سختی ها بر او آسان و شیرین می شود که خود به استقبال آن خواهد رفت.

۱- سوره ابراهیم، آیه ۱۲.

۲- سوره طه، آیه ۷۲.

۳- سوره کهف، آیه ۶۸.

خداوند به موسی و هارون علیهما السلام فرمود: نزد فرعون بروید و سخن حقّ خود را به گوش او برسانید و او را به یکتاپرستی دعوت کنید، و بدانید که من با شما هستم، کارتان را می بینم و گفتگوهایتان را می شنوم: (انَّنی مَعَکُما اسْمَعُ وَ اری).(۱)

و نیز خداوند برای عذاب قوم نوح و نجات افراد باایمان، به حضرت نوح دستور داد که با تأیید الهی کشتی بسازد: (واصْنَعِ الفُلکَ بِاعْیُنِنا).(۲) همین که آن حضرت به ساختن کشتی مشغول شد، تمسخر کفار نیز شروع شد. آن ها می گفتند: «گویا پیامبریِ شما نگرفت و اکنون دست به نجاری زده ای!»، ولی چیزی که موجب مقاومت او در برابر طعنه ها می شد، همان جمله خدای متعال بود که «تو پیش چشم ما هستی و کار تو زیر نظر ماست». چنین ایمان و بینشی روح استقامت را در انسان زنده می کند.

ـ توجه به پاداش الهی

از جمله مواردی که روح استقامت را در انسان زنده می کند، توجه به آثار مثبت و اجر و پاداش الهیِ صبر است؛ زیرا تحمل سختی ها، بزرگ ترین پاداش دنیوی و اخروی را برای انسان در بردارد. در قرآن نمونه های فراوانی از این امتیازها به چشم می خورد.

۱- سوره طه، آیه ۴۶.

۲- سوره هود، آیه ۳۷.

برکات صبر در عصر غیبت

(أُوْلَئِکَ عَلَیهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَهٌ وَ أُوْلَئِکَ هُمُ الْمُهْتَدُون)(۱)

«آنان هستند که برایشان از طرف پروردگارشان درودها و رحمت هایی است و

همان ها هدایت یافتگان اند.»

نکته ها:

۱. امام حسین علیه السلام فرمود: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِیّاً أَوَّلُهُمْ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیٌّ وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِی وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ یُحْیِی اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ یُظْهِرُ بِهِ دِینَ الْحَقِ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ لَهُ غَیْبَهٌ یَرْتَدُّ فِیهَا قَوْمٌ وَ یَثْبُتُ عَلَی الدِّینِ فِیهَا آخَرُونَ فَیُؤْذَوْنَ وَ یُقَالُ لَهُمْ مَتی هذَا الْوَعْدُ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ أَمَا إِنَّ الصَّابِرِینَ فِی غَیْبَتِهِ عَلَی الْأَذَی وَ التَّکْذِیبِ بِمَنْزِلَهِ الْمُجَاهِدِینَ بِالسَّیْفِ بَیْنَ یَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ؛(۲)

از ما [اهل بیت] دوازده مهدی است که اولین آنان، امیرالمؤمنین علیه السلام و آخرین آنها نهمین نفر از فرزندان من است. اوست قیام کننده به حق که خداوند به وسیله او زمین را پس از مرگش زنده می گرداند و دین حق را به دست او بر تمامی ادیان پیروز می نماید؛ اگرچه مشرکین نخواهند. برای او غیبتی است که جمعی در آن مرتد شوند و جمعی دیگر در دین ثابت قدم بمانند و آزار شوند و به ایشان گفته شود: «کجاست این وعده، اگر راستگو هستید؟». هر آینه در دوران غیبت او، بردبارانِ بر آزار و تکذیب مردم همانند جهادکنندگان با شمشیرند در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم».

۲. هدایت صابران، قطعی و مسلّم است. با آن که در قرآن، هدایت یافتن بسیاری از

۱- سوره بقره، آیه ۱۵۷.

۲- کفایه الأثر، ص۲۳۲.

انسان ها، تنها یک آرزو است: (لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ)، ولی در مورد صابران، هدایت آنان قطعی تلقی شده است: (أُولئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ).

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنِ انْتَظَرَ أَمْرَنَا وَ صَبَرَ عَلَى مَا يَرَى مِنَ الاذَى وَ الْخَوْفِ هُوَ غَداً فِي زُمْرَتِنَا؛(۱) هر که چشم به راه دولت ما باشد و بر آزار و ترسی که می بیند، شکیبایی ورزد، فردای قیامت در زمره ما محشور می گردد».

۴. آثار و برکات صبر در قرآن:

– امنیت از مکر و حیله دشمنان: (وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً).(۲)

– امداد غیبی الهی: (إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هذا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَهِ آلافٍ مِنَ الْمَلائِكَهِ مُسَوِّمِينَ).(۳)

– قطعی بودن پیروزی: (وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنى عَلى بَنِي إِسْرائِيلَ بِما صَبَرُوا).(۴)

– دریافت پاداش نیکوتر: (وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما كانُوا يَعْمَلُونَ).(۵)

– محبوب الهی شدن: (وَ اللّهُ يُحِبُّ الصّابِرِينَ).(۶)

ـ بهره مندی از همراهی خاصه الهی: (وَاصْبِرُوا إِنَّ اللّهَ مَعَ الصّابِرِينَ).(۷)

ـ پیشوایی بر مردم: (وَجَعَلْنا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا لَمّا صَبَرُوا وَ كانُوا بِآياتِنا

۱– الکافی، ج ۸، ص ۳۶.

۲– سوره آل عمران، آیه ۱۲۰.

۳– سوره آل عمران، آیه ۱۲۵.

۴– سوره اعراف، آیه ۱۳۷.

۵– سوره نحل، آیه ۹۶.

۶– سوره آل عمران، آیه ۱۴۶.

۷– سوره انفال، آیه ۴۶.

يُوقِنُونَ).(۱)

ــ ورود به بهشت: (وَ ما يُلَقّاها إِلا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ ما يُلَقّاها إِلا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ).(۲)

ــ رفاه دنيوی: (وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِيقَهِ لاسْقَيْناهُمْ ماءً غَدَقاً).(۳)

ــ آرامش: (إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنَا اللّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ).(۴)

۵. پرسش: آيا مشكلات جنبه مثبت نيز دارد؟

پاسخ: مشكلات، آثار و بركات ديگری نيز به همراه دارد؛ از جمله:

ــ انسان را به ياد ضعف خود می اندازد و غرورش را شكسته، او را متواضع می كند.

ــ ارتباط انسان با خداوند زيباتر می شود.

ــ انسان در مشكلات به فكر چاره می افتد و استعداد و ابتكارش شكوفا می شود.

ــ مشكلات، انسان را به ياد كسانی می اندازد كه دائماً در حوادث تلخ زندگی می كنند.

ــ انسان با صبر و شكيبايی بر مشكلات، به مقام برتر و بالاتر می رسد.

ــ در مشكلات، عواطف مردم تحريک شده، احساس هم دردی می كنند و به اين وسيله، پيوندهای عاطفی و اجتماعی محكم می شود.

ــ مردم با امداد و هم دردی و كمک رسانی، به پاداش های الهی می رسند.

ــ انسان در مشكلات، قوی و خودساخته می شود.

۱- سوره سجده، آيه ۲۴.

۲- سوره فصلت، آيه ۳۵.

۳- سوره جن، آيه ۱۶.

۴- سوره احقاف، آيه ۱۳.

حج و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

(وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَهَ لِلَّهِ ...)(۱)

«حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید.»

نکته ها:

۱. امامان معصوم علیهم السلام در تفسیر این آیه فرموده اند: «حج تمام، حجی است که در آن، کلام زشت، گناه و نزاع نباشد و از محرّمات پرهیز شود».(۲) همچنین فرموده اند که حجی تمام است که در آن، انسان توفیق یابد امام زمان خود را ملاقات کند. امام باقر علیه السلام در این زمینه فرمود: «تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ؛(۳) از موجبات تمامیت حج، دیدار امام است».

۲. امام باقر علیه السلام در حدیث دیگری فرمود: «إِنَّمَا أُمِرَ النَّاسُ أَنْ یَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَیَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ یَأْتُونَا فَیُخْبِرُونَا بِوَلَایَتِهِمْ وَ یَعْرِضُوا عَلَیْنَا نَصْرَهُمْ؛(۴) همانا مردم مأمور شده اند تا به سوی این سنگ ها بیایند و دور آن ها طواف کنند، و آن گاه به سوی ما آیند و ما را از ولایتشان خبر دهند و نصرت خود را بر ما عرضه نمایند».

ایشان با استناد به آیه (فَاجْعَلْ أَفْئِدَهً مِنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَیْهِم)(۵) فرمود: «حضرت ابراهیم علیه السلام از خدا نخواست که دل های مردم به کعبه تمایل پیدا کند، بلکه از خداوند

ص:۵۷

۱- سوره بقره، آیه ۱۹۶.

۲- نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۸۱.

۳- الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

۴- الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

۵- سوره ابراهیم، آیه ۳۷

درخواست کرد که مردم به ذریه او تمایل یابند».(۱) آری! توجه به امام، یکی از فلسفه های حج است.

۳. نصب امام در غدیر خم، در جریان حج بوده است. جابر بن عبدالله انصاری، ابوذر غفاری و... در ایام حج شرکت می نمودند و از هر فرصتی برای نقل حدیث غدیرخم استفاده می کردند.

۴. حج، بهترین فرصت برای توبه، یاد مرگ و معاد، از همه چیز بریدن، صحرای عرفات و مشعر را دیدن و در انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نشستن است.

۵. کعبه مرکز قیام است؛ یعنی می توان دور آن، مردم را برای قیام دعوت نمود. همان گونه که امام حسین علیه السلام قبل از حرکت به کربلا، چند ماه در مکه توقف کرد و هنگام اجتماع مردم برای اعمال حج، آنان را از حرکت خود آگاه ساخت. قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از آن جا آغاز خواهد شد و مایه خواهد گرفت.

۶. ارزش هر چیزی به پایه ها و ارکان آن است. امامان ما در زیارت جامعه «ارکان البلاد» معرفی شده اند. رکن کعبه، امام است؛ رکن مکه، امام است؛ رکن عالم وجود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اگر امام معصوم نباشد، زمین اهلش را در خود فرو می برد.(۲)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هرساله در زمان حج، در مکه حضور دارد و نقش خود را ایفا می فرماید. امام صادق فرمود: «لِلْقَائِمِ غَیْبَتَانِ یَشْهَدُ فِی إِحْدَاهُمَا الْمَوَاسِمَ یَرَی النَّاسَ وَ لَا یَرَوْنَهُ فِیهِ؛(۳) قائم دو غیبت خواهد داشت. در یکی از آن دو، شاهد موسم های حج خواهد بود، در حالی که مردم را می بیند، ولی مردم او را نمی بینند».

آری در عرفاتی که در آن، امام، حاضر نباشد، معرفتی نیست؛ در مشعری که در آن، امام، حاضر نباشد، شعوری نیست؛ اگر در منی امام حاضر نباشد، شیطان ها قد علم کرده و ایستاده اند و رمی آن ها ممکن نیست؛ اگر در کنار زمزم، امام، حاضر نباشد، آبی نخواهد

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۱۱

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:«لو بقیت الارض بغیر امام لساخت». کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳- الغیبه، نعمانی، ص۲۵.

بود، بلکه هرچه هست، سراب است.

همان طور که حیات هر زنده ای وابسته به آب است (مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْ ءٍ حَيٍ)،(۱)حیات معنوی هر انسان نیز به رهبران آسمانی وابسته است: (دَعاكُمْ لِما يُحْيِيكُمْ)(۲)

۷. علمای ما، بیش از هر جا، در مراسم حج به دنبال گمشده خود، یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می گشته اند. علی بن مهزیار اهوازی حدود بیست مرتبه به عشق دیدار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به حج رفت، تا آن که در مرتبه آخر به او مژده داده شد که در آن سال، خدمت حضرت مشرف خواهد شد.

۸. در روایت آمده است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به اذن خدا حرکتش را از مکه شروع می کند و در حالی که به خانه کعبه تکیه زده، می گوید: (بَقِيَّتُ اللّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُومِنِينَ) (۳) و مردم را به سوی خود دعوت می کند. اولین گروهی که با آن حضرت بیعت می کنند، ۳۱۳ نفر هستند. حضرت در مکه می ماند تا تعداد یارانش به ده هزار نفر برسد؛ سپس از آن جا به سمت مدینه حرکت می کند.(۴)

۹. مرحوم آیت الله العظمی حکیم، از مراجع تقلید، ماجرایی را در جلسه درس خود نقل کرده اند که من آن را از فرزند شهیدش، مرحوم سید محمدباقر حکیم، امام جمعه نجف و نیز یکی از علمای اصفهان نقل می کنم.

ایشان نقل کرده است که با شخصی رفیق بودیم و او انسان بسیار خوبی بود. با هم قرار گذاشتیم که هر کدام زودتر مردیم، به خواب دیگری بیاییم و از اوضاع آن طرف، خبر بدهیم. رفیقم از دنیا رفت و تا یک سال به خوابم نیامد.

بعد از یک سال که به خوابم آمد، به او گفتم: «چرا یک سال مرا بی خبر گذاشتی؟»، گفت: «لحظه مرگ به من گفتند یا یهودی بمیر یا نصرانی؛ زیرا تو امسال واجب الحج

۱- سوره انبیاء، آیه ۳۰.

۲- سوره انفال، آیه ۲۴.

۳- سوره هود، آیه ۸۶.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰.

بودی و نرفتی. من وحشت کردم که بعد از یک عمر عقیده به اسلام و امامان معصوم علیهم السلام، باید یهودی یا مسیحی بمیرم!

شروع به التماس کردم و به حضرت زهرا علیها السلام متوسل شدم. حضرت زهرا علیها السلام به فرزندش، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: امسال به نیابت از این محبّ ما به حج برو. لذا تا یک سال مرا نگه داشتند تا آن که زمان حج رسید و حج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نیابت از من تمام شد و حالا که آزاد شده ام به خواب شما آمدم».

۱۰. قرآن می فرماید: (لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ)؛(۱)«به این شهر قسم می خورم، در حالی که تو در آن هستی و حلول کردی»، یعنی به خاطر وجود تو به مکه قسم می خورم. هم چنان که منبری ارزش دارد که گوینده، بر آن، حرف حق بزند.

در روایت آمده است: «إِنَّ الْإِمَامَةَ أُسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَ فَرْعُهُ السَّامِي بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ».(۲) بر اساس این روایت، دو گونه اسلام داریم: اسلام ساکت و اسلام نامی. اسلام ساکت که غرب آن را ترویج کرده و جا انداخته، اسلام خشک است که تنها عبادت در آن وجود دارد. اسلام ساکت، اسلام خواب است! اما اسلام نامی، اسلامی است که باعث رشد و بالندگی شود. امامت و رهبریِ حق، باعث رشد اسلام می شود؛ همان گونه که در روایت آمده است که با وجود امام، حج کامل می شود.

۱۱. امام خمینی (ره) می فرمود: « این بیت معظم(کعبه) برای ناس بنا شده و برای قیام ناس و نهضت همگانی و برای منافع مردمی. و چه نفعی بالاتر و والاتر از آنکه دست جباران جهان و ستمگران عالم از سلطه بر کشورهای مظلوم کوتاه شود و مخازن عظیم کشورها برای مردم خود آن کشورها باشد. بیتی که برای قیام تأسیس شده است، آن هم قیام ناس و للناس، پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود».(۳) حج باید وسیله حرکت و محل برائت از طاغوت باشد. حج فقط دور زدن و خم و راست شدن

۱- سوره بلد، آیه ۱.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳- صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۴.

نیست. قرآن می فرماید: (وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمیقٍ)،(۱) یعنی همه، از

همه جا و به هر شکلی به حج بروید، برای آن که مشکلات را حل نمایید.

حج، بسیج جهانی برای خرد کردن شیطان است؛ بسیجی علیه تفرقه ها، تعددها و امتیازات؛ بسیجی علیه کفر، شرک و نفاق. حج به مردم می گوید: ابراهیم، اسماعیل را به خدا داد و عیدی گرفت، شما هم عزیزتان را بدهید و عیدی بگیرید. به جهانیان بگویید که باید در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه کردن دست مشرکان، سر از پا نشناخت و حتی از اسماعیل ذبیح الله علیه السلام گذشت، که حق، جاودانه است.

ابراهیم علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم به بشریت آموختند که بت ها هر چه هستند، باید شکسته شوند و کعبه ــ که ام القری است ــ و همه نقاط زمین ــ که از زیر کعبه بسط پیدا کرده ــ تا آخرین روز جهان باید از لوث بت ها تطهیر شوند.

و چه بتی بدتر از طاغوت های تاریخ، از زمان آدم صفی الله علیه السلام، ابراهیم خلیل الله علیه السلام و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تا آخرالزمان، و مگر ابرقدرت های امروز، بت های جهان نیستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابولهب ها را کوبید، شما هم باید ابرقدرت ها را بکوبید؛ اگر می خواهید پایتان را جای پای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بگذارید.

خیلی از مسائل حج ــ از منی و عرفات و رمی جمرات و... ــ مانند که نگفتیم و تنها دورنمایی از حج را بیان کردیم. آرزوی امام عزیز، آرزوی اسلام و قرآن و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که حاجی ها بیدار و متحد شوند و ابرقدرت ها را درهم بکوبند.

۱- سوره حج، آیه ۲۷.

رجعت در عصر ظهور

(أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيارِهِمْ وَ هُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْياهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَشْكُرُونَ)(۱)

«آيا نديدى كسانى را كه از ترس مرگ از خانه هاى خود فرار كردند، در حالى كه هزاران نفر بودند؛ پس خداوند به آن ها گفت: بميريد [و آن ها مردند]، سپس آنان را زنده كرد [تا درس عبرتى براى آيندگان باشند]. همانا خداوند نسبت به مردم احسان مى كند، ولى بيشتر مردم سپاس نمى گذارند.»

نكته ها:

۱. در شأن نزول اين آيه آمده است كه در يكى از شهرهاى شام كه حدود هفتاد هزار خانوار، جمعيت داشت، بيمارى طاعون پيدا شد كه با سرعتى عجيب، مردم را يكى پس از ديگرى از بين مى برد. در اين ميان، عده اى از مردم(۲) كه توانايى و امكان كوچ كردن داشتند، به اميد اين كه از مرگ نجات پيدا كنند، از شهر خارج شدند؛ اما پروردگار، آن ها را در بيابان به همان بيمارى دچار، و نابود ساخت.

از برخى روايات استفاده مى شود كه شيوع آن بيمارى در آن شهر، مجازات الهى بود؛ زيرا وقتى رهبر و پيشواى آنان از آن ها خواست كه خود را براى مبارزه و جهاد آماده كنند و از شهر خارج شوند، آن ها به بهانه اين كه مرض طاعون در منطقه جنگى شايع است، از رفتن به ميدان جنگ خوددارى كردند و خداوند نيز آن ها را به همان چيزى كه

۱- سوره بقره، آيه ۲۴۳.

۲- به گفته صاحب تفسير التبيان فى تفسير القرآن، تعداد آن عده، بيش از ده هزار نفر بوده است؛ زيرا عرب به بيش از ده هزار «الوف» و به كم تر از آن «آلاف» مى گويد. رك: التبيان فى تفسير القرآن، ج ۲، ص۲۸۲.

بهانه فرار از جنگ قرار داده بودند، مبتلا ساخت.

در برخی تفاسیر و روایات آمده است: وقتی حِزقیل نبی، یکی از پیامبران بنی اسرائیل، از آن شهر عبور کرد، از خداوند درخواست کرد که ساکنین آن جا را زنده کند. خداوند دعای او را اجابت کرد و آن ها را مجدداً زنده نمود و به زندگی باز گرداند.(۱)

۲. شیعه، به رجعت و زنده شدن گروهی از افراد، قبل از قیامت، اعتقاد دارد و این اعتقاد، علاوه بر صدها حدیث، به آیاتی نظیر این آیه، مستند است. این امر، از نظر عقلی هم محال نیست و امکان وقوع دارد. اصل رجعت، در روایات، متواتر است؛ چنان که اقرار به رجعت اولیای خدا در متن زیارت نامه های امامان علیهم السلام نیز آمده است: «مصدق لرجعتکم».

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَیْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ یُومِنْ بِکَرَّتِنَا؛(۲) از ما نیست کسی که به رجعت ما باور نداشته باشد».

۴. در روایات، روز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، روز رجعت و روز قیامت از مصادیق «ایام الله» عنوان شده اند. امام صادق علیه السلام فرمود: «أَیَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ: یَوْمُ یَقُومُ الْقَائِمُ وَ یَوْمُ الْکَرَّهِ وَ یَوْمُ الْقِیَامَه».(۳)

۵. نمونه هایی از رجعت در قرآن آمده است. یکی از معجزات عیسی علیه السلام این بود که مرده ها را زنده می کرد؛ پس در همین دنیا برخی از مرده ها زنده شده اند. به گزارش قرآن، عُزَیر علیه السلام پیغمبری بود که وقتی از قریه ای می گذشت، گفت: «خدایا! اهل این قریه مخروبه که نابود شده اند، چگونه در قیامت زنده می شوند؟» خدا نیز همان جا جان او را گرفت و پس از صد سال، زنده اش کرد.(۴)

۶. در زیارت جامعه می خوانیم: «مُقِرٌّ بِرَجْعَتِکُمْ»؛ یعنی ای امام زمان! ای

اهل بیت! من قبول دارم که شما رجعتی خواهید داشت. در دعای عهد هم از خدا

۱- الکافی، ج ۸، ص ۱۹۸.
۲- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۵۸.
۳- مختصر البصائر، ص ۸۹.
۴- سوره بقره، آیه ۲۵۹.

درخواست می کنیم که اگر قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از دنیا رفتیم، ما را در زمان ظهور، زنده کند و به دنیا بازگرداند.

۷. رجعت برای همه مردگان نیست؛ بلکه افراد خاصی با شرائط خاصی دو مرتبه زنده می شوند. درباره این که چه کسانی در رجعت باز خواهند گشت، احادیث فراوانی آمده است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیهما السلام وَ إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ بَلْ هِيَ خَاصَّةٌ، لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضاً أَوْ مَحَضَ الشِّرْكَ مَحْضاً؛(۱) نخستین کسی که قبرش می شکافد و زنده شده، به دنیا بازمی گردد، حسین بن علی علیهما السلام است و این رجعت، عمومی نیست [که تمام مردگان زنده شده، سر از قبر برآورند]، بلکه افراد خاصی به دنیا برمی گردند و آن ها یا مؤمن خالص هستند یا مشرک محض».

۸. و نیز در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَ عَلِيّاً سَيَرْجِعَانِ؛(۲) پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام به دنیا رجعت می کنند». هم چنین امام صادق علیه السلام فرمود: «با قائم آل محمد علیهم السلام، بیست و هفت مرد از مکه معظمه بیرون می آیند. پانزده تن ایشان از قوم موسی علیه السلام هستند، آنان که به حق و درستی راهنمایی می کردند و به وسیله آن، عدالت و دادگری می نمودند. هفت تن از آنان نیز اصحاب کهف هستند و باقی آن ها، یوشع بن نون، سلمان، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر می باشند که ایشان یاوران و فرمانده‌هان آن حضرت خواهند بود».(۳)

۹. از امام صادق علیه السلام نقل است که فرموده اند: «برای افرادی که [به قهر الهی] هلاک شدند، دیگر رجعت به دنیا ممکن نیست؛ ولی برای کفاری که هلاک نشدند [و به مرگ طبیعی از دنیا رفته اند] این رجعت امکان پذیر است».(۴)

ص:۶۴

۱- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۰۷.

۲- مختصر البصائر، ص ۱۰۷.

۳- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص۳۲.

۴- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴.

امتحان برای انتخاب یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(فَلَمَّا فَصَلَ طالُوتُ بِالْجُنُودِ قالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِیكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَیْسَ مِنِّی وَ مَنْ لَمْ یَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّی إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِیَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِیلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جاوَزَهُ هُوَ وَ الَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ قالُوا لا طاقَةَ لَنَا الْیَوْمَ بِجالُوتَ وَ جُنُودِهِ قالَ الَّذِینَ یَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِیلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِیرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِینَ)(۱)

«پس هنگامی که طالوت، سپاهیان را با خود بیرون برد، به آن ها گفت: خداوند شما را به یک نهر آب آزمایش می کند، پس هرکه از آن بنوشد از من نیست و هرکس از آن نخورد _ مگر آن که با دست، مشتی برگیرد [و بیاشامد] _ از من است. پس [همین که به نهر آب رسیدند] جز اندکی، همه از آن نوشیدند. سپس هنگامی که او و یاوران باایمانش از آن نهر گذشتند [و دشمن را دیدند] گفتند: امروز ما توانایی مقابله با جالوت و سپاهیان او را نداریم. اما آن ها که اعتقاد داشتند خدا را ملاقات خواهند کرد [و به روز قیامت ایمان داشتند] گفتند: چه بسا گروهی اندک که به اذن خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند و خداوند با صابران [و استقامت کنندگان] است.»

نکته ها:

۱. امام باقر علیه السلام می فرماید: «افرادی که تا آخر کار به طالوت وفادار ماندند، سی صد و سیزده نفر بودند».(۲)

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند اصحاب موسی علیه السلام را به وسیله نهر آبی امتحان کرد، چنان که خدا فرمود: (إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِیكُمْ بِنَهَرٍ)، اصحاب قائم هم چنین امتحان خواهند شد».(۳)

۱- سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۲- نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱.

۳- الغیبه، طوسی، ص ۴۷۲.

۳. یک مـدیر بایـد نیروهای کارآمد را از نیروهای ناکارآمد جدا نماید تا بتواند نیروهای غیرمفید را از مجموعه طرد کند؛ زیرا حضور آن ها باعث سست شدن سایر نیروها می شود. (فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّی)

۴. برای منصوب کردن افراد به مقام و مرتبه ای، گزینش و آزمایش لازم است؛

چنان که خداوند برای انتصاب حضرت ابراهیم علیه السلام به امامت، او را آزمود.(۱)

۵. یکی از راه های آزمایش، ممنوعیت های موسـمی است. راحت طلبی و عدم تحمل فشارها و سـختی های موسمی و موقتی، با سلحشوری سازگاری ندارد. (إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ)

۶. قبل از برخورد و مقابله با دشمن، باید تمرین مقاومت کرد. (مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ)

۷. انقلابی بودن مهم نیست، انقلابی مانـدن مهم است. در این ماجرا، مدعی بسیار بود، ولی آنان که در آزمایش موفق شدند، اندک بودند. (إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ)

۸. ایمـان، درجـاتی دارد. با این که گروهی همراه با طالوت بودنـد و به او ایمان داشـتند و از نوشـیدن آب هم گذشـتند (آمَنُوا مَعَهُ)، ولی همه آن مؤمنان رزمنده نبودند. تنها مؤمنانی رزمنده بودند که به لقاء الله ایمان داشتند. (يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا اللَّهِ)

۹. نیروهای کیفی هرچند اندک باشند، برنیروهای کمّی برتری دارند. (كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً)

۱۰. ملاک عزل و نصب ها، بایـد اهلیت و صـلاحیت افراد باشـد. کلیـد خوش بختی جامعه، بر سـر کار بودن افراد لایق و رفتار عادلانه آن ها، و منشأ نابسامانی ها، ریاست نااهلان است.

۱۱. رعایت اصل شایسـته سالاری لازم است، حتی در مورد زیردسـتان؛ و خداوند کسانی را که شایسـته هسـتند، سرپرستی می کند: (هُوَ يَتَوَلَّى الصّالِحِينَ.)(۲)

۱۲. مردی از خراسان به امام صادق علیه السلام پیشنهاد قیام کرد و گفت: «شما صدهزار نیروی

۱- سوره انسان، آیه ۲ و سوره ملک، آیه ۳.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۹۶.

مسلح دارید». امام برای آزمایش میزان فداکاری آن مرد به او فرمود: «به آن تنوری که پر از آتش است، وارد شو». او ترسید و عذرخواهی کرد. در این هنگام، هارون مکّی، یکی از یاران امام، وارد شد و سلام کرد. امام به او فرمود: «کفش هایت را کنار بگذار و به تنور آتش وارد شو». او بدون هیچ پرسشی وارد تنور شد. امام نیز شروع به گفتگو کرد و از احوال خراسانی ها پرسید.

بعد از مدتی، امام رو به مرد خراسانی کرد و گفت: «برو داخل تنور را نگاه کن». او نیز چنین کرد و دید هارون مکّی صحیح و سالم در تنور نشسته است. امام به او فرمود: «از این شیعیان تنوری که هر چه ما گفتیم تسلیم باشند و نق نزنند، چند نفر داریم؟» وی گفت: «شیعه تنوری هیچ!».(۱) آری میان ادعا و عمل، فاصله، بسیار است.

۱- بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۱۲۳.

توسل به عروه الوثقای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(لا إِکْراهَ فِی الـدِّینِ قَدْ تَبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَیِّ فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ یُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْـتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی لَا انْفِصامَ لَها وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ)(۱)

«در [پـذیرش] دین، اکراهی نیست. همانا راه رشـد از گمراهی روشن شـده است؛ پس هرکه به طاغوت کافر شود و به خداوند ایمان آورد، قطعاً به دستگیره محکمی دست یافته که گسستنی برای آن نیست. و خداوند شنوای داناست.»

نکته ها:

۱. مطـابق روایـات، یکی از مصـادیق تمسک به «عروه الوثقی» و ریسـمان محکم الهی، اتصال با اولیای خـدا و اهل بیت علیهم السـلام اسـت. رسـول اکرم فرمـود: «ای مردم! کسـی کـه دوست دارد به عروه الـوثقی ــ که هرگز قطـع نمی گردد ــ تمسـک جوید، به ولایت علی علیه السلام تمسک کند؛ زیرا ولایت او، ولایت من، و اطاعت از او، اطاعت از من است.

ای مردم! هرکس دوست دارد حجت پس از من را بشـناسد، علی علیه السـلام را بشـناسد. ای مردم! کسی که ولایت خدا او را شاد می کنـد، بایـد به ولایت علی علیه السـلام اقتـدا کند؛ زیرا او خزانه علم من است. ای مردم! کسـی که دوست دارد خدا را ملاقات کند و از او راضی باشد، ائمه علیهم السلام را دوست داشته باشد».

جابر برخاست و پرسـید: «ائمه چه تعداد هسـتند؟» فرمود: «ای جابر! خداوند تو را رحمت کند، [گویا] از همه اسـلام پرسـیدی. تعـداد آنان به تعداد ماه هاست، که نزد خدا دوازده عدد است و آن را در کتاب خود، در روزی که آسـمان و زمین را آفرید، آورده است.

۱- سوره بقره، آیه ۲۵۶.

و تعدادشان، به تعداد چشمه هایی است که برای موسی بن عمران علیه السلام جوشید، در آن زمان که عصایش را بر زمین زد و دوازده چشمه از آن جوشید. و تعدادشان به تعداد نقبای بنی اسرائیل است که خداوند فرموده: (وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِیثاقَ بَنِی إِسْرائِیلَ وَ بَعَثْنا مِنْهُمُ اثْنَیْ عَشَرَ نَقِیباً)؛(۱) «و هنگامی که خدا از بنی اسرائیل عهد گرفت و دوازده بزرگ از میان آن ها برانگیختیم». ای جابر! تعداد ائمه علیهم السلام دوازده نفر است؛ اول ایشان علی علیه السلام و آخرینشان قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است».(۲)

۲. دینی که برهان و منطق دارد، نیازی به اکراه و اجبار ندارد. (لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ)

۳. دین، مایه رشد انسان است. (قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ)

۴. محکم بودن ریسمان الهی، کافی نیست؛ محکم گرفتن هم شرط است. (فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ ...)

۵. تکیه به طاغوت ها و هر آنچه غیرخدایی است، گسستنی و از بین رفتنی است. تنها رشته ای که گسسته نمی شود، ایمان به خداست. (لَا انْفِصامَ لَها)

۶. ایمان به خدا و رابطه با اولیای خدا ابدی است (لَا انْفِصامَ لَها)؛ ولی طاغوت ها در قیامت از پیروان خود تبری خواهند جست.

۷. در زیارت جامعه می خوانیم: «مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ؛(۳) هر کس به شما متوسل شود، متوسل به خدا شده است». مثل آن است که می گوییم هر کس به بچه من احترام کند، گویی به من احترام کرده است.

هر کس متوسل به شما شود، متوسل به خدا شده است و آن گاه (وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلى صِراطٍ مُسْتَقِيم)؛(۴) «هر کس به خدا متوسل شود، به راه مستقیم هدایت شده است». ما که در نماز می گوییم: (اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ)؛ «خدایا ما را به راه

۱- سوره مائده، آیه ۱۲.

۲- إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۹۳.

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳.

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۰۱.

مستقیم ببر»، امام سجاد علیه السلام می فرماید: «راه مستقیم، راه اهل بیت علیهم السلام است».(۱) راه توسل به خدا، توسل به اهل بیت علیهم السلام است.

۸. آیا توسّل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او شرک است؟! با اندکی دقت در اطراف خود، متوجه می شویم که گردش امور هستی، بر اساس اسباب و وسایل، و به تعبیری دیگر، «توسل» است. آب و مواد غذایی از طریق ریشه، تنه و شاخه درخت به برگ آن می رسد و ریشه درخت از طریق برگ، نور و هوا را دریافت می کند. باران که می بارد، به واسطه ابر است و ابر به وسیله گرم شدن آب دریا در اثر نور خورشید ایجاد می شود.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «ابی اللّه ان یجری الاشیاء الّا بالاسباب»؛(۲) «خداوند نمی خواهد که کارها بدون سبب و علت، جریان پیدا کند». خداوند برای هر کاری، واسطه و علتی قرار داده است. هر چند شفا و درمان از خداست: (و اذا مرضت فهو یشفین)،(۳) اما همین شفا را خداوند در عسل قرار داده است: (فیه شفاء للنّاس).(۴) هر چند خداوند کارها را تدبیر می کند: (یُدبّر الامر)،(۵) اما فرشتگان واسطه تدبیر او هستند: (فالمدبّرات امراً).(۶)

قرآن در مورد توسل می فرماید: (وابتغوا الیه الوسیله)؛(۷)«وسیله ای برای نزدیکی به خدا جستجو نمایید». حال، آن وسیله کدام است؟ خداوند در این آیه، نوع وسیله را برای ما مشخص نکرده و آن را به صورت مطلق فرموده است. لذا وسیله، شامل هر چیزی که ما را به خدا نزدیک کند، می شود.

۱- تفسیر کنز الدقائق، ج ۱، ص ۷۰.

۲- بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۰.

۳- سوره شعراء، آیه ۸۰.

۴- سوره نحل، آیه ۶۹.

۵- سوره یونس، آیه ۳.

۶- سوره نازعات، آیه ۵.

۷- سوره مائده، آیه ۳۵.

حضـرت آدم علیه السلام پس از آن که از بهشت اخراج گردید، سالیانی را به گریه، زاری، توبه و انابه گذراند. سپس کلماتی را از طرف پروردگـارش دریـافت کرد و به آن کلمـات متوسل شـد. قرآن در این باره می فرمایـد: (فتلقّی آدم من ربّه کلمات فتاب علیه).(۱) فخر رازی و بسیاری از مفسـران اهل سـنت گفته اند که مراد از کلماتی که حضـرت آدم علیه السلام به آن ها متوسل شد، نام پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و اهل بیتش علیهم السـلام بوده است. در روایات آمده است که آن کلمات، چنین بود: «الهی یـا حمیـد بحقّ محمـد، یـا عـالی بحقّ علی، یـا فـاطر بحقّ فاطمه، یا محسن بحقّ الحسن، یا قـدیم الاحسان بحقّ الحسین و منک الاحسان».

وهابیون می گویند: اگر نام کسـی را در کنار نام خدا ببرید، شـرک است؛ در حالی که اگر سخن آن ها درست باشد، خداوند ــ نعوذ بالله ــ خود، مشرک است! زیرا در آیه ۷۴ سوره توبه می فرماید: (أَغْناهم اللَّهُ و رسولُهُ مِن فضلِهِ)؛ «خداوند و پیامبرش، آن ها را بی نیاز کردند». در این آیه، نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کنار نام خدا آمده است.

همچنین خداوند می فرماید: (اللّه یتوفّی الانفس)؛(۲)«خداوند جان ها را می گیرد»، ولی در جای دیگری می فرماید: (یتوفّاکم ملک الموت)؛(۳) «ملک الموت جان شما را می گیرد».

بنـابراین اعتقـاد به وجود واسـطه، نه تنهـا شـرک نیست، بلکه اسـاس هسـتی بر مبنـای آن است. کسـی که می گویـد توسـل به امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهما السلام شرک است، خودش برای عبور کشتی هایش، متوسل به پرچم آمریکا می شود. آری! کسی که از توسل به زهرا علیها السلام جدا شد، باید متوسل به پرچم آمریکا بشود!

علاـوه بر آیـات قرآن و اسـتدلال هـای فوق که توسـل را جـایز می دانـد، یـک دلیل تجربی هم بر جواز توسل داریم و آن، بر آورده شـدن حوائـج است. میلیون هـا انسان مؤمن و معتقـد، با توسل به اهل بیت علیهم السـلام حاجات خود را از خداونـد می خواهند و خداوند حاجت های

۱- سوره بقره، آیه ۳۷.

۲- سوره زمر، آیه ۴۲.

۳- سوره سجده، آیه ۱۱.

آن هـا را برآورده کرده و مشـکلاتشان را برطرف می سـازد. اگر انجـام ایـن گـونه کارهـا شـرک است، پس چرا حـاجت ها برآورده شده و این گونه دعاها مستجاب می شود؟ چرا آن ها ما را کمک می کنند؟ آیا خداوند متعال و آن بزرگواران، ما را به شرک سوق می دهند؟!

وهابی ها می گویند: هر ذکری جز «یا الله» شـرک است، گرچه «یا محمد» باشد و اصولاً هر گونه استمدادی از غیر خدا شرک است. بایـد پرسـید: اگر اسـتمداد به اولیـای خـدا شـرک است، پس حکم سـخن فرزنـدان حضـرت یعقـوب علیه السـلام که به پدرشان گفتند: (یا ابانا استَغفِر لنا ذنوبَنا)؛(۱)«پدر جان! از خداوند بخواه ما را ببخشد» چیست؟ اگر بگویند که حضرت یعقوب علیه السـلام در زمـان اسـتمداد آن هـا زنـده بـود، می گوییم: اهـل بیت علیهم السـلام نیز زنـده هسـتند؛ زیرا قرآن می فرمایـد: (ولاتحسبنّ الّذین قُتلوا فی سبیل اللّه امواتاً بل احیاء عند ربّهم یرزقون)؛(۲) «گمان نکنید کسانی که در راه خدا کشته شده اند، مرده اند، بلکه زنده اند و در پیشگاه پروردگار خود، روزی می خورند».

۹. آقـای کوپـائی، نماینـده آیت الله بروجردی، می گویـد: «در سـفری به نجف اشـرف سـخت مریض شـدم. در آن جا پس از توسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نذر کردم که اگر سالم شدم، دو باب حمام در سامرا بسازم. اتفاقاً خوب شدم و دوستان را از این امر آگاه کردم و نامه ای به حضرت آیت الله بروجردی نوشتم. ایشان هم کمک کرد.

بعد بنا گذاشـتم حسینیه ای بسازم. معمار را از اصفهان بردیم. روزی معمار که در طبقه سوم کار می کرد، از بالا سقوط کرد و حال آن که روی زمین مقدار زیادی آهن بود و همه گفتیم از بین خواهد رفت. اما دیدیم که از جا بلند شد و کاملاً سالم بود. علت را پرسیدیم. گفت: «موقعی که پرتاب شدم، گفتم یا صاحب الزمان اغثنی».

بعـد از این مـاجرا شبی امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف را در خواب دیـدم که داخل حسـینیه شـده و به من فرمودنـد: «لیست اشخاصـی که برای ساخت این جا کمک کرده انـد را بیاور». من همین کار را کردم؛ در حالی که دیـدم همه آن هایی که کمک کرده اند، اطراف حضرت حاضرند.

۱- سوره یوسف، آیه ۹۷.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

حضرت همه را دعا فرمود و اولین دعا را به حضرت آیت الله بروجردی کردند».(۱)

۱- عنایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ص ۱۲۲.

معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مصداق بارز حچمت

(يُؤْتِى الْحِكْمَةَ مَنْ يَشاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْراً كَثِيراً وَ ما يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبابِ)(۱)

«[خداوند] حکمت و بینش را به هرکس بخواهد [و شایسته ببیند] می دهد و به هر کس حکمت داده شود، همانا خیری فراوان به او داده شده است و جز خردمندان [از این نکته] متذکر نمی گردند.»

نکته ها:

۱. حکمت را به معنی معرفت و شناختِ اسرار و آگاهی از حقایق و رسیدن به حق دانسته اند که خداوند آن را به بعضی از افراد، به خاطر پاکی و تقوا و تلاششان، عطا می کند تا آنان وسوسه های شیطانی را از الهامات الهی باز شناخته و چاه را از راه و شعار را از شعور تشخیص دهند و این، خیر کثیر است.

۲. امام صادق علیه السلام راجع به این قول خدای عز و جل: (وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْراً كَثِيراً) فرمود: «مراد از حکمت، اطاعت خدا و معرفت امام است».(۲)

۳. همه دنیا متاع قلیل است،(۳) ولی حکمت، خیر کثیر است؛ پس اگر همه امکانات مادی در راه دست یابی به حکمت و بینش صحیح استفاده شود، ارزش دارد. (فَقَدْ أُوتِيَ خَيْراً كَثِيراً)

۴. حکمت، هدیه ای کلیدی و مادر همه خیرات است. هرکه آن را به دست آورد،

۱- سوره بقره، آیه ۲۶۹.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۱۸۵.

۳- (مَتاعُ الدُّنْيا قَلِيلٌ) سوره نساء، آیه ۷۷.

چیزهای بسیاری خواهد داشت. (وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَهَ فَقَدْ أَوتِیَ خَيْراً كَثِيراً)

۵. هر کسی به ارزش حکمت پی نمی برد: (ما يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبابِ) دنیاگرایان بر مال و آمار و محاسبات مادی تکیه می کنند و سود و زیان را بر اساس مادیات می سنجند، ولی دوراندیشان عاقل و راه شناسان اندیشمند، از بُعد دیگری محاسبه می کنند.

ص:۷۵

سوره آل عمران

اشاره

ص:۷۷

ظهور و شرایط امدادهای غیبی

(بَلی إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ یَأْتُوکُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هذا یُمْدِدْکُمْ رَبُّکُمْ بِخَمْسَهِ آلافٍ مِنَ الْمَلائِکَهِ مُسَوِّمِینَ) (۱)

«البته اگر صبر و مقاومت کنید و پرهیزگاری نمایید، [گرچه] دشمنان با خشم و خروش بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته مخصوص مدد می رساند.»

نکته ها:

۱. حضرت باقر علیه السلام فرمود: «ملائکه ای که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را در روز بدر نصرت نمودند، در زمین هستند و هنوز بالا نرفته اند، و به آسمان نرونـد تا این که صاحب این امر (ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نصرت کنند و آن ها پنج هزار نفرند».

۲. در حدیث می خوانیم: «سه لشکر برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می آیند؛ لشکری از فرشتگان، لشکری از مؤمنان و ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان».(۲)

۳. استقامت و تقوا، عامل نزول فرشتگان و امدادهای غیبی است. (إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا ... یُمْدِدْکُمْ رَبُّکُمْ)

۴. امدادهای الهی، اختصاص به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ندارد. (إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا ... یُمْدِدْکُمْ رَبُّکُمْ)

۵. هرچه هجوم دشمن بر تقواپیشگان شدید باشد، خداوند نیز برامدادهای خود خواهد افزود. (یَأْتُوکُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ ... بِخَمْسَهِ آلافٍ)

۶. یکی از امدادهای غیبی، ملائکه هستند. چند آیه وجود دارد که می گوید در جنگ

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۲۵.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۱۹۸.

بدر فرشته ها به کمک مسلمانان آمدند. در جایی می فرماید: (بِثَلَاثَهِ آلَافٍ مِنْ الْمَلَائِکَهِ)؛(۱)یعنی سه هزار فرشته، و در جایی دیگر فرمود: اگر تقوی و صبرتان بیشتر باشد، پنج هزار فرشته می فرستم: (بِخَمْسَهِ آلَافٍ)(۲) معلوم می شود که مددهای غیبی مرحله ای است.

کسی نگوید حال که چنین است در امور شخصی هم خدا از طریق امدادهای غیبی به من کمک می کند. مثلاً بدون درس خواندن در کنکور قبول می شوم یا کشاورزی درخواست کند که بدون زحمت و فقط با امدادهای غیبی، محصول خوبی به دست آورد. بنا نیست که خداوند عالم، دنیا و نظام موجود در آن را به هم بریزد.

در قرآن کریم، قدرت خدا همراه با حکمت او مطرح شده است. خدا قدرت دارد که بدون دردِ زایمان به مادر بچه بدهد، ولی حکمت خدا می گوید که بچه از راه درد زایمان و کشاورز از راه کشاورزی به هدفش برسد که نابرده رنج گنج میسر نمی شود!

حکمت خدا این است که انسان با دست و پا زدن و تلاش به جایی برسد. امدادهای غیبی پس از آن که انسان تلاش خود را انجام دهد، محقق خواهد شد.

۷. گرچه خداوند هرکس را بخواهد یاری می کند، ولی شرط یاری و آن است که مردم در مقام یاری دین او به پاخیزند. قرآن کریم می فرماید: (إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ یَنْصُرْکُمْ) برخی از شرایط نصرت و امداد الهی در قرآن عبارت اند از:

ـ صبر و استقامت: (فَصَبَرُوا عَلی ما کُذِّبُوا وَ أُوذُوا حَتّی أَتاهُمْ نَصْرُنا)؛(۳) «بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند، شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید».

ـ یاری دین: (إِنْ تَنْصُرُوا اللّهَ یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ أَقْدامَکُم)؛(۴) «اگر خدا را یاری کنید، یاریتان می کند و گام هایتان را استوار می سازد».

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۲۴.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۲۵.

۳- سوره انعام، آیه ۳۴.

۴- سوره محمد، آیه ۷.

ـ مبارزه با دشمن: (قاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللّهُ بِأَيْديكَمْ وَ يُخْزِهِمْ وَ يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِم)؛(۱) «با آنان بجنگید تا خدا آنان را به دست شما عذاب و رسوا کند و شما را بر ایشان پیروزی بخشد».

ـ تقوا: (وَ مَنْ يَتَّقِ اللّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لا يَحْتَسِب)؛(۲) «و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می دهد و از جایی که حسابش را نمی کند، به او روزی می رساند».

ـ مجاهدت: (وَ الَّذينَ جاهَدُوا فينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا وَ إِنَّ اللّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنينَ)؛(۳) «و کسانی که در راه ما کوشیده اند، به یقین راه های خود را بر آنان می نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است».

ـ ایمان: (إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْناهُمْ هُدىً وَ رَبَطْنا عَلى قُلُوبِهِمْ)؛(۴)«آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم و دل هایشان را استوار کردیم».

۱- سوره توبه، آیه ۱۴.

۲- سوره طلاق، آیات ۲ و۳.

۳- سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

۴- سوره کهف، آیات ۱۳ و ۱۴.

رابطه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ)(۱)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! [در برابر مشکلات و هوس ها] استقامت کنید و [در برابر دشمنان نیز] پایدار باشید [و دیگران را به صبر دعوت کنید] و از مرزها مراقبت کنید و از خداوند پروا داشته باشید، شاید که رستگار شوید.»

نکته ها:

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه چنین فرمود: «اصبروا علی الفرائض و صابروا علی المصائب و رابطوا علی الائمّه؛(۲) در برابر واجبات صبر کنید، در برابر مشکلات صبر کنید و از پیشوایان خود دفاع کنید».

۲. هم چنین امام باقر علیه السلام در مورد این آیه فرمود: «اصْبِرُوا عَلَی أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صابِرُوا عَدُوَّکُمْ وَ رابِطُوا إِمَامَکُمُ الْمُنْتَظَرَ؛(۳) بر انجام واجبات الهی صبر کنید و در برابر دشمنان پایداری کنید و مراقب و مرتبط با امامتان _ که به انتظارش هستید _ باشید».

۳. این آیه، در چند مرحله به صبر در برابر انواع حوادث و مصائب توصیه می کند و به مؤمنان سفارش می نماید که در برابر ناگواری های شخصی و هوس ها صبر کنند (اصبروا)، در برابر فشارهای کفار، مقاومت بیشتری کنند (صابروا) و در حفظ مرزهای جغرافیایی از هجوم دشمن، و نیز حفظ مرزهای اعتقادی و فکری از طریق مباحث علمی و نیز حفظ مرز دل ها از هجوم وسوسه ها بکوشند. (رابِطُوا)

ص:۸۱

۱- سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۸۱.

۳- الغیبه، نعمانی، ص۱۹۹.

۴. تا در مشکلات فردی صابر نباشیم، نمی توانیم در برابر دشمنان دین، مقاومت کنیم. (اصْبِرُوا... صابِرُوا...)

۵. نباید از دیگران عقب بمانیم؛ اگر کفار در کفر خود مقاومت می کنند، کشته می دهند و مال خرج می کنند، ما نیز باید در راه خدا با جان و مال پایداری کنیم. (صابِرُوا)

۶. اسلام، دین ارتباط است؛ ارتباط با خدا، پیامبران علیهم السلام، ائمه علیهم السلام و مردم. (رابطوا)

۷. صبر و مصابره و مرابطه باید جهت دار باشد و در مسیر تقوا و رضای الهی قرار گیرد؛ و گرنه کفار هم این امور را دارند. (صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ)

۸. رابطه ما با امام باید رابطه علمی، عاطفی، عملی و رفتاری باشد. یعنی باید با مغز و فکر، امام را بشناسیم؛ با دل و عشق و عاطفه، مرید، مخلص، عاشق و مطیعش باشیم و در عمل هم گوش به حرف او بدهیم.

۹. اگر بخواهیم با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رابطه داشته باشیم، باید بعد از شناخت، با ایشان رابطه عاطفی هم برقرار کنیم. قرآن می فرماید: (إِذا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها)؛(۱) «اگر کسی به شما سلام کرد، شما جواب گرم تر بدهید». پس وقتی می گویید: «السلام علیک یا مهدی، السلام علیک یا صاحب الزمان»، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سلام شما را می شنود و جواب گرم تری به شما می دهد.

اصلاً همین که ما می توانیم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سلام می کنیم، پیداست که او ما را لایق دانسته که با او حرف بزنیم. زیارت «آل یاسین» زیارتی است که در آن به وسیله سلام با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباط معنوی پیدا می کنیم و بسیار زیارت خوبی است.

۱۰_ رابطه با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که به ما ارزش می دهد. اسکناس، یک تکه کاغذ است؛ چیزی که به آن ارزش می دهد، نخی است که در وسط آن است. این نخ، ارتباط با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رابطه ما با خداست. نگذارید این نخ پاره شود!

۱۱_ صدقه که می دهیم فقط به نیت سلامتی خودمان نباشد. برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و همه یارانش نیز صدقه بدهیم. وقتی پول توی صندوق می اندازیم، چرا فقط برای یک

۱- سوره نساء، آیه ۸۶.

نفر نیت کنیم؟!

۱۲ــ فاصله ما با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زیاد است. روایت داریم که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر هفته کارهای ما را می بیند و چون ما هر هفته گناه می کنیم، قهراً ایشان از ما ناراحت می شود. تنها چیزی که می توانیم خودمان را با آن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وصل کنیم، این است که بگوییم: «مهدی جان! ما برای جدت امام حسین علیه السلام گریه کردیم». این ارتباط با عزاداری سیدالشهدا علیه السلام خیلی ارزش دارد.

۱۳ــ روزی در حرم امام رضا علیه السلام مشغول زیارت بودم که شخصی از من سؤال کرد: «چند سال است طلبه ای؟» گفتم: «سال های زیادی است». او گفت: «حضرت علی علیه السلام هنگامی که یارانش را می دید، لذت می برد و خوشحال می شد؛ آیا اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تو را ببیند، خوشحال می شود؟» سرافکنده گفتم: «همین مقدار که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از من عصبانی نشود، برای من کافی است!»

۱۴ــ ائمه علیهم السلام در قیامت از افرادی شفاعت می کنند که در این دنیا رابطه شان با ائمه علیهم السلام خوب باشد. هرکس اتصالش به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیش تر است، آن جا هم بیشتر مشمول شفاعت خواهد بود و اگر کسی این جا رابطه اش قطع شود، مشمول شفاعت نخواهد شد.

ص:۸۳

سوره نساء

اشاره

ص:۸۵

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امانت الهی

(إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها وَ إِذا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا یَعِظُکُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ کانَ سَمِیعاً بَصِیراً(۱))

«همانا خداوند فرمانتان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید و هرگاه میان مردم داوری کردید، به عدل حکم کنید. چه نیک است آنچه که خداوند شما را بدان پند می دهد. بی گمان خداوند شنوای بیناست.»

نکته ها:

۱. در فرهنگ قرآن، «امانت» مفهوم وسیعی دارد و تمام شئون زندگی سیاسی، اجتماعی و اخلاقی را شامل می شود.

۲. امانتداری و رفتار عادلانه و دور از تبعیض، از نشانه های مهم ایمان است؛ چنان که خیانت در امانت، از علائم نفاق محسوب می شود. در حدیث است: «به رکوع و سجود طولانی افراد نگاه نکنید؛ بلکه به راستگویی و امانتداری آنان بنگرید».(۲)

۳. نافرمانی و ادا نکردن حقوق و وظایف خود در ارتباط با امانت، خیانت است؛ همان گونه که پیشی گرفتن ناصالحان بر صالحان در مسئولیت های اجتماعی، خیانت به خدا، رسول و مسلمانان است.

۴. از امام رضا علیه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال شد. ایشان فرمود: «هُمُ الائِمَّهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ یُودِّیَ الامَامُ الامَانَهَ إِلَی مَنْ بَعْدَهُ وَ لا یَخُصَّ بِهَا غَیْرَهُ وَ لا یَزْوِیَهَا عَنْهُ؛(۳) ایشان،

۱- سوره نساء، آیه ۵۸.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۲۷۶.

ائمه از آل محمد علیهم السلام هستند. هر امامی باید امانت امامت را به امام بعد از خود بسپارد، به دیگری ندهد و از امام هم دریغ نکند».

۵. امام باقر علیه السلام فرمود: «خداوند، چهارده نور از نور عظمت خود را چهارده هزار سال قبل از آفرینش آدم علیه السلام آفرید که آن ها ارواح ما هستند». عرض شد: «آن چهارده نور چه کسانی هستند؟» فرمود: «محمد و علی و فاطمه، حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین علیهم السلام که نهمینِ آن ها قائم ایشان است». سپس یکایک امامان را نام برد و آنگاه فرمود: «به خدا قسم، ما اوصیا و جانشینان بعد از پیامبریم. ما هستیم آن مقامی که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عنایت کرد. ما درخت نبوت، زادگاه رحمت، معدن حکمت، چراغ های دانش، پایگاه رسالت، محل رفت و آمد ملائکه، صاحب اسرار خدا و امانت او در میان بندگانش هستیم».(۱)

۶. در روایات متعددی، منظور از امانت، رهبری جامعه معرفی شده است که اهل آن، اهل بیت علیهم السلام هستند. بازگرداندن رهبری امت به اهل بیت علیهم السلام ، مصداق بارز عمل به این آیه است. آری! کلید خوش بختی جامعه، بر سر کار بودن افراد لایق و رفتار عادلانه است و منشأ نابسامانی های اجتماعی، ریاست نااهلان و قضاوت های ظالمانه. حضرت علی علیه السلام فرموده است: «من تقدّم علی قوم و هو یری فیهم من هو افضل، فقد خان اللّه و رسوله و المؤمنین؛(۲) هر کس خود را در جامعه بر دیگران مقدّم بدارد و پیشوا شود، در حالی که بداند افراد لایق تر از او وجود دارند، قطعاً به خدا و پیامبر و مؤمنان خیانت کرده است».

۷. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «من می روم و دو امانت در کنار شما می گذارم: قرآن و اهل بیتم». سپس فرمودند: «این دو هیچ وقت از هم جدا نمی شوند».(۳) یعنی اهل بیت علیهم السلام معصوم اند؛ زیرا حتی با انجام یک خلاف، انسان از قرآن جدا می شود.

۸. در زیارت جامعه کبیره خطاب به اهل بیت علیهم السلام می خوانیم: «انتم الامانه المحفوظه؛ شما

۱- بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۴.

۲- الحیاه، ج ۲، ص ۵۸۵.

۳- الکافی، ج ۲، ص ۴۱۴.

آن امانت حفظ شده هستید».

۹. تشکیل حکومت لازم است؛ زیرا لازمه سپردن مسئولیت ها به اهلش و قضاوت عادلانه، برقراری نظام و حکومت الهی است. (تُؤَدُّوا الْأَماناتِ ... تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ)

ص:۸۸

اطاعت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(یـا أَیُّهَـا الَّذِینَ آمَنُـوا أَطِیعُـوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ فَـإِنْ تَنـازَعْتُمْ فِی شَـیْ ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ ذلِکَ خَیْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِیلًا)(۱)

«ای کسـانی که ایمـان آورده ایـد! خـدا را اطاعت کنیـد و از رسول و اولوالامر خود (جانشـینان پیامبر) اطاعت کنیـد. پس اگر درباره چیزی نزاع کردیـد، آن را به حکم خـدا و پیامبر ارجاع دهیـد، اگر به خـدا و قیامت ایمان داریـد. این [رجوع به قرآن و سنت برای حل اختلاف] بهتر و پایانش نیکوتراست.»

نکته ها:

۱. در آیه، اطـاعت از اولوالامر آمـده، ولی به هنگام نزاع، مراجعه به آنان مطرح نشـده است؛ بلکه تنها مرجع حلّ نزاع، خـدا و رسول معرفی شده اند. این نشانه آن است که اگر در شـناخت اولوالامر و مصداق آن نیز نزاع شد، باید به خدا و رسول مراجعه شود. اگر همه فرقه ها، قرآن و سـنت را مرجع می دانستند، اختلاف ها حل، و وحدت و یکپارچگی حاکم می شد. (فَرُدُّوهُ إِلَی اللَّهِ وَ الرَّسُولِ)

۲. قرآن درباره مفسدان، مسـرفان، گمراهان، جاهلان، جباران و ... دستور (لا تُطِعْ) و (لا تَتَّبِعْ) می دهد. بنابراین موارد (أَطِیعُوا) بایـد کسـانی باشـند که از اطاعتشـان نهی نشـده باشـد و اطاعتشـان در تضـاد با اوامر خـدا و رسول نباشـد؛ یعنی اولو الامر باید همچون پیامبر معصوم باشند تا اطاعت از آنان، مانند اطاعت از پیامبر، لازم و بی چون و چرا باشد.

عصمت یعنی آن که انسان نه تنها گناه نکند، بلکه در فکر گناه هم نباشد. ما در برخی

۱- سوره نساء، آیه ۵۹.

گناهـان حـالت عصـمت داریم؛ زیرا تـاکنون مرتکب آن نشـده ایم و فکر آن را هم نکرده ایم؛ نظیر عریـان شـدن در کـوچه و بـازار، خودکشـی یـا کشـتن دیگران. همـان گونه که مـا به خـاطر آگاهی و علمی که به زشتی و پستی و بـدعاقبتی بسـیاری از گناهـان داریم، هرگز به فکر انجـام آن هـا نیستیم، امام هم به خاطر علم و یقینی که به ناپسـندی همه گناهان دارد، هرگز گرد آن نمی رود.

لزوم عصـمت امام از خطا و نسـیان نیز به جهت آن است که ما معمولاً در رفتار و منش خود دچار خطا و اشتباه می شویم؛ پس به یک امام معصوم نیاز داریم تا به او مراجعه کرده و حقیقت را بازشناسـیم و او ما را از اشـتباه حفظ کنـد. لذا او نباید خطاکار باشد.

۳. جابر بن یزیـد جعفی گویـد: از جابر بن عبـدالله انصاری شـنیدم که می گفت: وقتی خـدای تعالی بر پیامبرش این آیه را فرو فرسـتاد: (یـا أَیُّهَـا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ)، عرض کردم: «یـا رسول الله! خـدا و رسولش را شناخته ایم، اما اولوالامری که خداوند طاعت آن ها را مقرون طاعت خود کرده، چه کسانی هستند؟»

فرمود: «ای جابر! آن ها جانشـینان من و ائمه مسلمین پس از من هستند. اول ایشان، علی بن ابی طالب است و بعد از او حسن و حسـین و علی بن الحسـین و محمـد بن علی که در تورات به «باقر» معروف است و تو ای جابر، او را خواهی دیـد. پس آن گاه که او را دیدار کردی سلام مرا به او برسان.

و پس از او، جعفر بـن محمـد و موسـی بـن جعفر و علی بـن موسـی و محمـد بـن علی و علی بـن محمـد و حسن بن علی، ائمه مسـلمین خواهنـد بود و پس از حسن بن علی، فرزنـدش _ که هم نام و هم کنیه من است _ حجت خدا در زمین و بقیت او در بین عبادش، امام مسـلمین خواهـد بود. او کسـی است که خـدای تعالی مشـرق و مغرب زمین را به دست او بگشایـد. او کسـی است که از شـیعیان و اولیائش غایب شود، غیبتی که بر عقیده به امامت او باقی نماند، مگر کسـی که خداوند قلبش را به ایمان امتحان کرده باشد».(۱)

۴. در حدیثی دیگر، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از ذکر اسامی ائمه معصومین علیهم السلام برای جابر، به

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳.

وی فرمود: «ای جابر! آنان جانشینان و اوصیا و اولاد و عترت من هستند؛ کسی که ایشان را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده، و کسی که از آنان سرپیچی کند، مرا سرپیچی کرده، و کسی که ایشان را یا یکی از آنان را انکار کند، مرا انکار کرده است».(۱)

۵. پیامبر اعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره لزوم اطاعت از قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِی اسْمُهُ اسْمِی وَ کُنْیَتُهُ کُنْیَتِی وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِی وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِی یُقِیمُ النَّاسَ عَلَی مِلَّتِی وَ شَرِیعَتِی وَ یَدْعُوهُمْ إِلَی کِتَابِ رَبِّی عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِی وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِی وَ مَنْ أَنْکَرَهُ فِی غَیْبَتِهِ فَقَدْ أَنْکَرَنِی وَ مَنْ کَذَّبَهُ فَقَدْ کَذَّبَنِی وَ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ صَدَّقَنِی إِلَی اللَّهِ أَشْکُو الْمُکَذِّبِینَ لِی فِی أَمْرِهِ وَ الْجَاحِدِینَ لِقَوْلِی فِی شَأْنِهِ وَ الْمُضِلِّینَ لِأُمَّتِی عَنْ طَرِیقَتِه؛(۲) قائم از فرزندان من است. نامش نام من و کنیه اش کنیه من است. شمائل او، شمائل من و روش او، روش من است. مردم را بر آئین و دینم بدارد و آن ها را به کتاب پروردگارم فراخواند. کسی که او را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده، و کسی که او را نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده است. کسی که او را در دوران غیبتش انکار نماید، مرا انکار نموده، کسی که او را تکذیب کند، مرا تکذیب کرده، و کسی که او را تصدیق نماید، مرا تصدیق نموده است. از کسانی که گفتار مرا درباره او انکار و تکذیب می کنند و از کسانی از امتم که مردم را از طریقه او گمراه می سازند، به خداوند شکایت می برم».

۶. آثار اطاعت از امام:

وفا کردن به تعهدات از سوی امام و امت، آثاری دارد که حضرت علی علیه السلام در

نهج البلاغه آن را چنین توصیف می فرماید:(۳)

_ شکل گرفتن علاقه ها و تشکل نیروها (نظاماً لُالفتهم)

_ نفوذ ناپذیری و مصونیت مکتب در مقابل هرگونه خطر تحریف و بدعت و التقاط (و عزّاً لدینهم)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۱.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

ـ تضعیف باطل و استحکام پایگاه حق (و عزّ الحق بینهم)

ـ روشن شدن راه های دین (و قامت مناهجُ الدین)

ـ مستقرّ شدن استوانه های عدالت (و اعتدلت معالم العدل)

ـ قرار گرفتن امور در مجاری خود (و جرت علی اذلالها السُنن)

ـ بسته شدن راه نفوذ دشمن و بهانه گیری بدخواهان (و طُمِع فی بقاء الدوله و یئستْ مَطامع الاعداء)

۷. اسلام مکتبی است که عقاید و سیاستش به هم آمیخته است. اطاعت از رسول و اولو الامر ـ که امری سیاسی است ـ با ایمان به خدا و قیامت ـ که امری اعتقادی است ـ آمیخته است. (أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ)

۸. این آیه به وظیفه مردم در برابر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می کند. با وجود سه مرجع «خدا»، «پیامبر» و «اولوالامر»، مردم هرگز در بن بست قرار نمی گیرند. ذکر این سه مرجع برای اطاعت، با توحید قرآنی منافات ندارد؛ چون اطاعت از پیامبر و اولوالامر در طول اطاعت از خداوند است، نه در عرض آن. در حقیقت، اطاعت از آن دو، شعاعی از اطاعت خداست و به فرمان خداوند، اطاعت از آن ها نیز لازم است.

۹. پرسش: با وجود لزوم اطاعت از امام، حالا که امام زمان غایب است، چه باید کنیم؟

پاسخ: در زمان غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ما به حال خود رها نشده ایم؛ بلکه ملتزم به پیروی از فقها و اسلام شناسان عادل و باتقوا ـ که نواب عام آن حضرت اند ـ هستیم. بنابراین بر ما لازم است که در حوادث و مشکلات، گوش به فرمان حکم خدا که از طریق فقیه جامع الشرایط و عادل به ما ابلاغ می شود، باشیم.

خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نامه دادند که در زمان غیبت من به مجتهد عادل رجوع کنید و فرمودند: «در حوادث جامعه و پیش آمدها، به علما و دانشمندانی که علوم ما را نقل می کنند مراجعه کنید که من آن ها را به عنوان حجت در میان شما قرار دادم و خودم

حجت خدا هستم».(۱)

البته این مجتهد خصوصیاتی دارد که امام حسن عسکری علیه السلام درباره آن فرموده است: «هر فقیهی که مراقب نفسش، حافظ دینش، مخالف هوای نفسش و مطیع امر مولایش می باشد، بر عوام است که از او تقلید کنند. و این شرایط، تنها شامل برخی از فقهای شیعی می شود، نه تمامشان».(۲)

پس وظیفه ما اطاعت از مجتهد عادل است. اگرچه مجتهد، امام معصوم نیست، ولی از نظر عقل و اسلام، هر مسلمانی یا باید خودش فقیه باشد یا در گرفتن برنامه های عبادی اش از فقیه کمک بگیرد. اگر فقیه راه را درست رفت و اشتباهی نکرد، دو اجر دارد و اگر هم اشتباه رفت، چون عادل بوده و خطای عمومی انجام نداده است، باز هم به خاطر زحماتش اجر دارد.

مجتهد عادل، عصمت ندارد؛ ولی کلام او حجیت دارد. همان گونه که پزشکان عصمت ندارند، ولی نسخه آنان برای بیمار حجت است. حتی مراجع تقلید وقتی که بیمار می شوند یا نیاز به عمل جراحی دارند، تسلیم پزشکان می شوند.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲- تفسیر الامام العسکری علیه السلام ، ص ۲۹۹.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، رفیق مهربان

(وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً) (۱)

«و هر کس که از خدا و پیامبر اطاعت کند، پس آنان [در قیامت] با کسانی همدم خواهند بود که خداوند بر آنان نعمت داده است، مانند پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان، و اینان چه همدم های خوبی هستند.»

نکته ها:

۱. در سوره حمد، گروه (أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ) مصداق ره پویان صراط مستقیم ذکر شده و این، بار دوم است که در کنار آیه صراط مستقیم، گروه (أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ) مطرح شده است. گویا غیر از انبیا، شهدا، صدیقان و صالحان، دیگران به بیراهه می روند و راه مسقیم، منحصراً راه این چهار گروه است.

۲. رفیق خوب، انبیا، شهدا، صدیقان و صالحان اند. رفقای دنیایی را هم باید با همین خصلت ها گزینش کرد. (حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً)

۳. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر این آیه فرمود: «مِنَ النَّبِیِّینَ یعنی مُحَمَّد و مِنَ الصِّدِّیقِینَ یعنی عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِب و مِنَ الشُّهَداءِ یعنی حَمْزَه وَ مِنَ الصَّالِحِینَ یعنی الْحَسَن وَ الْحُسَیْنُ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً یعنی الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ».(۲)

۴. امام رضا علیه السلام در حدیثی مفصل در بیان ویژگی های امام فرمود: «الْإِمَامُ الْأَنِیسُ

ص:۹۴

۱- سوره نساء، آیه ۶۹.

۲- شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۷.

الرَّفِيق؛(۱) امام، همدم و رفیق واقعی است».

۵. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ما را دوست دارند و فرمودند: «همانا ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم؛ چراکه در غیر این صورت، سختی ها و گرفتاری ها بر شما فرو می آید و دشمنان، شما را ریشه کن کرده و از بین می برند».(۲) حالا ـ که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ما را فراموش نمی کنند، ما هم نباید ایشان را فراموش کنیم.

۶. پرسش: چگونه اراده خود را تقویت کنیم؟

پاسخ: یکی از کارهایی که باعث تقویت اراده می شود، آن است که با افرادی که اراده قوی دارند، رفیق شویم و بهترین رفیق، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۷. پرسش: با چه کسی رفیق شویم؟

پاسخ: با کسی رفیق شوید که به شما انرژی و آینده نگری بدهد. در حدیث است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «حواریون به عیسی علیه السلام گفتند: یا روح الله! با که بنشینیم؟ فرمود: با کسی که دیدارش شما را به یاد خدا اندازد و سخنش دانشتان را زیاد کند و کردارش شما را به آخرت تشویق کند».(۳)

۸. مرحوم حضرت آیت الله گلپایگانی تعریف می فرمودند: «وقتی که حضرت آیت الله حائری برای تأسیس حوزه به قم آمده بودند، وضع طلبه ها خوب نبود. طلبه سیدی که مشکل مالی داشت، برای گرفتن مبلغی پول به یکی از اعضای دفتر ایشان مراجعه کرد. آن شخص می گوید: شب در مدرسه فیضیه با آقای حاج میرزا مهدی بروجردی در حجره بودیم که به خواب رفتم. خواب دیدم که شخصی محترم به حجره آمد و گفت: «حضرت رسول عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند: به شیخ عبدالکریم حائری بگویید مضطرب نباش که بر اثر گریه های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وجوهات شرعیه متوجه قم شد».

از خواب بیدار شدم و برای سفارش آن طلبه سید به خدمت آیت الله حائری رفتم.

ص:۹۵

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰.
۲- إحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.
۳- الکافی، ج ۱، ص ۳۹.

ایشـان گفتنـد: «به مقسّم بگوییـد شـهریه را بپردازد. خواب شـما صادقانه بود و وجوهی برای ما رسـیده است». آن شـخص می گفت: ایشان از خواب من مطلع بود، در حالی که من آن را برای کسی تعریف نکرده بودم».(۱)

۹. پدر شـیخ صدوق بچه دار نمی شد. نامه ای به محضـر مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشت تا حضرت در حقش دعا کند و نامه را به وسـیله حسـین بن روح به آن حضـرت رساند. امام علیه السـلام در حقش دعا کرد و در جواب نامه اش نوشت: «قـد دعونا الله لک بـذلک، و سترزق ولدین ذکرین خیرین».(۲) پس از آن، به برکت دعـای آن حضـرت عجل الله تعـالی فرجه الشـریف صـاحب دو فرزنـد عـالم و فقیه شـد. یکی از آن هـا شـیخ صـدوق معروف به ابن بـابویه است که قبرش نزدیک حرم حضرت عبدالعظیم می باشد.

۱۰. یکی از علمای نجف می گوید: «شبی در تاریکی شخصـی را دیدم که داشت به طرف حرم امیر المؤمنین علیه السـلام می رفت. به دنبالش رفتم. دیدم درهای حرم به رویش باز شد و او وارد شد و در مقابل ضریح ایستاد. سؤالاتی کرد و جواب شنید و بعد به طرف مسجد کوفه روانه شد و در مقابل محراب باز سؤالاتی کرد و جواب شنید و از مسجد بیرون آمد.

جلو رفتم و دیدم مقدس اردبیلی است. سلام کردم و قضیه را جویا شدم. از من تعهد گرفت که تا زنده است آن ماجرا را فاش نکنم. بعد فرمود: وقتی بعضی از مسائل بر من مشتبه می شود، به نزد قبر حضرت امیر علیه السلام می آیم و از ایشان جواب می گیرم. امشب آقا مرا به فرزنـدش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف حواله فرمود که در محراب مسـجد کوفه بود، رفتم و جوابم را گرفتم».(۳)

۱۲. در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است که ایشان عامل تألیف دل هاست. «أین مؤلف شمل الصلاح و الرضا».(۴)

۱۳. اطاعت از رسول، پرتوی از اطاعت خدا و در طول آن است؛ پس با توحید منافاتی ندارد. (مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ)

ص:۹۶

۱- عنایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ص ۱۰۳.

۲- رجال نجاشی، ص ۲۶۱.

۳- عنایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ص ۵۸

۴- إقبال الاعمال، ص ۲۹۷.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرت مسیح علیه السلام

(وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ إِلَّا لَیُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ یَوْمَ الْقِیامَهِ یَکُونُ عَلَیْهِمْ شَهِیداً)(۱)

«و هیچ کس از اهل کتاب نیست، مگر آن که پیش از مرگش، به او (مسیح) ایمان می آورد و او روز قیامت، بر آنان گواه خواهد بود.»

نکته ها:

۱. طبق روایات شیعه و سنّی، عیسی علیه السلام در آخرالزمان از آسمان فرود می آید و پشت سر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز می خواند و پس از زندگی طولانی، از دنیا می رود. در هنگام فرود عیسی علیه السلام، مسیحیان به او ایمان صحیح می آورند، نه آن که او را پسر خدا بدانند. امام باقر علیه السلام فرمود: «عیسی علیه السلام قبل از روز قیامت فرو خواهد آمد و به دنیا احدی از

ملت های یهودی و دیگران نمی ماند، مگر آن که به او ایمان می آورد و او پشت سر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز خواهد خواند».(۲)

۲. فردی یهودی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و معجزات حضرت موسی علیه السلام را به رخ ایشان کشید. آن حضرت فرمود: «نارواست که انسان از خود ستایش کند، ولی برای اطلاع تو می گویم که حضرت آدم علیه السلام برای توبه خود، حضرت نوح علیه السلام برای نجات از غرق شدن، حضرت ابراهیم علیه السلام برای نجات از آتش و حضرت موسی علیه السلام برای نجات از ترس، خدا را به حق من و آل من سوگند دادند.

ای یهودی! اگر موسی علیه السلام مرا می دید، به من ایمان می آورد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل من است که حضرت عیسی علیه السلام برای یاری او از آسمان فرو خواهد آمد و پشت سر او نماز

۱- سوره نساء، آیه ۱۵۹.

۲- إلزام الناصب، ج ۱، ص ۵۷.

خواهد خواند».

۳. محمد بن مسلم گوید: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و می خواستم از قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسش کنم که ایشان پیش از آن که من سؤال کنم، فرمود: «ای محمد بن مسلم! در قائم آل محمد شباهتی با پنج تن از انبیا وجود دارد؛ یونس بن متی علیهما السلام و یوسف بن یعقوب علیهما السلام و موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

اما شباهت او با یونس بن متی علیه السلام آن است که وقتی پس از غیبت خود در کبر سن باز می گردد، جوان است. شباهت او با یوسف بن یعقوب علیهما السلام آن است که از خاص و عام غایب می شود و او از برادرانش نیز مخفی گشت و امر او بر پدرش هم پوشیده بود، با وجود آن که مسافت بین او و پدرش و خاندان و شیعیانش کم بود.

اما شباهت او با موسی علیه السلام دوام خوف، طول غیبت، خفای ولادت و رنج شیعیانش پس از وی است که آزار و اذیت و خواری می بینند تا آن که خدای تعالی اذن ظهور دهد و او را بر دشمنانش نصرت و تأیید فرماید. اما شباهت او با عیسی علیه السلام اختلافی است که درباره وی شکل می گیرد تا به غایتی که گروهی گویند متولد نشده، و گروهی گویند فوت کرده، و گروهی گویند کشته شده و به صلیب آویخته شده است.

اما شباهت او با جدش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم خروج او با شمشیر است و این که او جبارین و طواغیت و دشمنان خدا و رسول را خواهد کشت و این که با شمشیر و رعب، یاری می شود و هیچ پرچمی از او باز نگردد».(۱)

۴. در لوح حضرت فاطمه علیها السلام آمده است: «... و از او (امام هادی علیه السلام) به وجود آورم دعوت کننده به راه من و خزانه دار دانش من [امام] حسن علیه السلام را. سپس این امر را کامل کنم با فرزندش (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) که رحمت برای جهانیان است. او کمال موسی علیه السلام و بها و نورانیت عیسی علیه السلام و صبر ایوب علیه السلام را دارد».(۲)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۶۶.

سوره مائده

اشاره

ص:۹۹

(إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْراةَ فِيها هُدىً وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هادُوا وَ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتابِ اللَّهِ وَ كانُوا عَلَيْهِ شُهَداءَ فَلا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اخْشَوْنِ وَ لا تَشْتَرُوا بِآياتِي ثَمَناً قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولئِكَ هُمُ الْكافِرُونَ)(۱)

«همانـا ما تورات را نازل کردیم [که] در آن، هـدایت و نور است. پیامبران الهی که تسـلیم فرمان خـدا بودنـد، بر طبق آن برای یهود حکم می کردند و [هم چنین] مربیان الهی و دانشمندان بر طبق این کتاب آسمانی که حفاظت آن به آنان سپرده شده بود و بر آن گواه بودنـد، داوری می کردنـد. پس [ای علمـا!] از مردم نترسـید [و احکـام خـدا را بیـان کنیـد] و از [مخـالفت با] من بترسـید و آیات مرا به بهای انـدک نفروشـید. و کسانی که طبق آنچه خداونـد نازل کرده حکم نکنند، پس آنان همان کافران اند.»

نکته ها:

۱. «ربّانی» از «ربّان» به معنای تربیت کننده است. به گفته بعضـی، «ربّانی» کسی است که با «ربّ العالمین» پیوند خورده، با علم و عمل، خدایی شده و تربیت مردم را بر عهده دارد.

۲. از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «أنَا ربّانیّ هذه الامّه؛(۲)ربّانی این امت، من هستم».

۳. «حِبْر» به معنای اثر نیک است. چون عالمان در جامعه منشأ اثر نیک هستند، به

۱- سوره مائده، آیه ۴۴.

۲- مفردات ألفاظ القرآن، ص۳۳۷.

آنان حِبْر و احبار گفته می شود.

۴. علمـای هر امت، مسـئول اجرای احکـام الهی در میان مردم هسـتند: (یَحْکُمُ بِهَا... وَ الْأَحْبارُ) قرآن کریم می گویـد: ما کتاب آسـمانی تورات را فرسـتادیم و در این کتاب آسـمانی، نور و هدایت است. انبیای الهی طبق همین کتاب آسمانی حکومت می کننـد. پس از آن هـا چـه کسـی بایـد حکـومت کنـد؟ در ادامـه می فرمایـد: (الرَّبَّانِیُّونَ) آیـا پس از آن هـا کسـی دیگر چنین جایگـاهی دارد؟ می فرمایـد: (الْأَحْبـارُ)، یعنی عالمان دین نیز بر مبنای کتاب آسـمانی، حق حکومت دارنـد و این همان ولایت فقیه است.

ملاحظه می کنید که ولایت فقیه در ادیان قبل از اسـلام هم مطرح بوده است. پس فکر نکنیم که این مسأله امری است که فقط امام خمینی(ره) آورده است. آری، ولایت فقیه، ریشه در تمام ادیان دارد.

۵. نقش ولایت فقیه همان نقش امامت و در ادامه خط انبیاست. توضـیح آن که اسـلام قوانینی درباره مسائل اقتصادی، جزایی، نظـامی و قضـایی دارد که نه اجـازه می دهـد آن احکام تعطیل شود و نه اختیار اجرای آن را به دست افراد جاهل به احکام می سپـارد؛ بلکه اجرای آن را تنهـا به دست فقهـای عادل و اسـلام شـناسان باتقوا سپرده تا در تمام حوادث، طبق قانون خـدا حکم کنند. خداوند اطاعت از آن فقها را همچون اطاعت از امام معصوم و رسول گرامی واجب دانسته است.

آیـا مسـلمانان نیـاز به حکومت و نظـام ندارنـد؟ آیا جامعه و کشور اسـلامی نبایـد حفظ شود؟ آیا حفظ مرزها لازم نیست؟ آیا قوانین در کشور اسـلامی نبایـد اجرا شود؟ آیا حقّ مظلوم نبایـد از ظالم گرفته شود و ظالم به مجازات برسد؟ آیا صدای اسـلام نباید به همه دنیا برسد؟ آیا تلاش انبیا و امامان تنها برای زمان خود آنان بود یا برای همه زمان ها و مکان ها؟

اگر جواب مثبت است و اسـلام نیـاز به نظـام، حکومت، جامعه و قانون دارد و حفظ حقوق و مرزها هنوز هم مطرح است، باید در زمان غیبت نیز حکومت اسـلامی برپا باشد. زیرا بدون یک تشـکیلات حساب شده و دقیق، به خصوص در زمان ما که تمام مخالفان اسلام دارای تشکیلاتی بس بزرگ و دقیق هستند، هرگز نمی توانیم از قانون و مکتب و

مرز و جان و مال و آبروی خود دفاع کنیم.

و اگر حکومت لازم است، حاکم هم لازم است؛ زیرا حکومت بدون حاکم محال است. اکنون که اسلام برای اجرای قوانین خود، هم نیاز به حکومت دارد و هم حاکم، باید ببینیم حاکم چه شرایطی باید داشته باشد. آیا لازم است حکم خدا را عمیقاً بداند یا نه؟ آیا عدالت داشته باشد یا نه؟ آیا آشنا و آگاه به مسائل و حوادث باشد یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است و به حاکمِ اسلام شناس باتقوا و سیاستمدار نیاز است، این همان است که ما آن را ولایت فقیه می نامیم.

۶. کسانی که ولایت فقیه را قبول ندارند باید یکی از نظریه های زیر را بپذیرند:

_ اسلام تنها نماز و روزه و یک سری عبادات فردی و اخلاقیات است و در مسائل مهم اجتماعی، حقوقی، قضایی، سیاسی و اقتصادی دخالتی ندارد.

_ اسلام تنها برای زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بوده، و بعد از آن، دیگر جای قوانین مهم اجتماعی تنها در لابه لای کتاب هاست.

_ اسلام دارای قوانین حکومتی و اجتماعی است، اما شرایطی برای مجریان آن قرار نداده و هرکس، گرچه جاهل و فاسق باشد، می تواند زمام امور را به دست بگیرد.

حال سؤال این است که آیا جامعه اسلامی در زمان غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیاز به حاکم و حکومت ندارد؟! امام رضا علیه السلام می فرماید: «هیچ ملت و امتی بدون رهبر نیست. قوام جامعه وابسته به وجود رهبر است تا به فرمان او هم بیت المال جمع و تقسیم شود، هم با دشمنان خدا نبرد شود و هم مردم را تشکل داده و از تفرقه و تشتت حفظ کند. اگر جامعه چنین رهبری نداشته باشد، از هم می پاشد و قوانین خدا و دستورات رسول الله و احکام الهی تغییر می کند».(۱)

مشاهده می فرمائید که مسأله رهبری و حکومت در بیان امام رضا علیه السلام به عنوان مهم ترین مسأله زندگی مطرح شده و ناگفته پیداست که گرفتن مالیات به نفع محرومان و تقسیم عادلانه آن و نبرد با مخالفان و تشکل افراد جامعه، چیزی نیست که تنها مربوط به زمان

ص:۱۰۲

۱- بحار الأنوار، ج ۶، ص ۶۰.

حضور امامان معصوم علیهم السلام باشد و امت اسلامی در زمان غیبت به حال خود رها شده باشند و حکومت و حاکمی برای مسائل فوق لازم نباشد.

بر اساس روایات نیز اسلام بار حکومت را به دوش فقیه عادل گذارده است. به گوشه ای از این دسته روایات اشاره می کنیم:

ـ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فقها را خلیفه خود معرفی کرده و فرموده است: «اللّهم ارحم خلفائی؛ خداوندا! جانشینان مرا مورد لطف و رحمت قرار ده!» از آن حضرت سؤال شد: «جانشینان شما چه کسانی هستند؟» فرمود: «الفقهاء»(۱)و در جای دیگر فرمود: «العلماء ورثه الانبیاء؛(۲) علما، وارثان انبیا هستند».

ـ حضرت علی علیه السلام فرمود: «خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر غارتگری ستمگران و گرسنگی محرومان خاموش نمانند».(۳) شکی نیست که حمایت از مظلومان و محکومیت ظالمان، نیاز به قدرت و تشکیلات دارد؛ از این رو در جای دیگر فرموده است: «العلماء حکّام علی الناس؛(۴) علما، حاکمان مردم هستند».

ـ امام حسین علیه السلام می فرماید: «مجرای امور و احکام باید به دست علمای خداشناس و باتقوا باشد، کسانی که در حرام و حلال خدا خیانت نمی کنند و امانت را حفظ می نمایند».(۵)

ـ از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا شیعیان اجازه دارند برای رفع نزاع های خود به نظام طاغوتی مراجعه کنند؟ امام فرمودند: «مراجعه به آن ها ممنوع است و حتی اگر شخصی حقّ خود را از طریق دستگاه طاغوتی به دست آورد، تصرف در آن حرام است.(۶) بلکه در

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۳.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۳.

۴- غررالحکم، ص ۳۶.

۵- تحف العقول، ص ۲۴۲.

۶- شاید به خاطر آن که مراجعه به دستگاه طاغوتی به منزله پذیرفتن آن نظام و تقویت آن است.

این موارد، وظیفه شما آن است که به افرادی مراجعه کنید که شناخت عمیق نسبت به علوم و روایات ما دارند. من آن ها را به عنوان قاضی و داور برای شما تعیین می کنم و بدانید که اگر او حکمی داد و شما آن را قبول نکردید، در واقع حکم خدا را کوچک شمرده اید و هر که آن فقها را رد کند، گویا ما را رد کرده و ردّ ما ردّ خدا و به منزله شرک به خدای بزرگ است».(۱)

_ امام کاظم علیه السلام فرمود: «الفقهاء حصون الاسلام؛(۲) فقها قلعه اسلام هستند».

_ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با خط مبارک خود، پیامی برای یکی از نواب خود نوشتند که در آن سفارش شده بود: «امّا الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانّهم حجّتی علیکم و انا حجّه اللّه؛(۳) در حوادث جامعه و پیش آمدها به علما و دانشمندانی که علوم ما را نقل می کنند، مراجعه کنید که من آن ها را به عنوان حجت در میان شما قرار دادم و خود، حجت خدا هستم».

از این گونه احادیث متوجه می شویم که موضوع ولایت فقیه چیز تازه ای نیست که جمهوری اسلامی آن را مطرح کرده باشد، بلکه از آغاز بوده است؛ منتهی طاغوت ها و پادشاهان نگذاشتند که فرصتی برای عمل به این گونه احادیث پیدا شود. گنجی بود مخفی که امام خمینی(ره) آن را آشکار ساخت.

راه دور نرویم، مهم ترین رمز پیروزی ملت ایران در انقلاب خود، توجه به ولایت فقیه بود. فقیه جامع الشرایطی همچون امام(ره) دستور می داد و مردم با جان و دل می پذیرفتند. دستور داد شیرهای نفت را ببندید، سربازها از سربازخانه ها فرار کنند، کمبودها را از سهم امام جبران کنید، به تحصن خود ادامه دهید، اگر درب مساجد را بستند، وسط خیابان ها اقامه عزاداری نمایید و... . آیا این دستوراتِ به موقع امام در زمان طاغوت و پیروی مردم مسلمان، دلیل سقوط رژیم پهلوی نشد؟!

۱- الکافی، ج ۱، ص ۶۸.
۲- الکافی، ج ۱، ص ۳۸.
۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

ایران کشور پهناوری بود که در طول تاریخ، هر وقت دشمنان به آن حمله کردند، گوشه ای از آن را جدا کردند؛ اما تنها زمانی نتوانستند حتی یک وجب از خاک آن را جدا کنند که کشور در دست ولیّ فقیه بود، با این که تمامی قدرت های استکباری جهان و عمّال آن ها، هماهنگ و متحد شده، و مصمم بر شکست ایران و تجزیه آن بودند. برای همین است که جهان خواران و مزدوران داخلی آن ها با ولایت فقیه مخالف اند و با انواع توطئه ها و تهمت ها در صدد تضعیف آن هستند.

ما از مخالفان ولایت فقیه می پرسیم: شما که دست امت را از دست فقیه عادل درمی آورید، می خواهید در دست چه کسی بگذارید؟ در این چند سال که مردم ولایت فقیه را پذیرفتند، چه ضرری کردند و از چه چیزی بازماندند؟ مگر تقلید تنها در مسائل عبادی است؟ مگر در مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، احتمال حرام و حلال داده نمی شود و مگر نباید در هر موضوعی که احتمال حرام و حلال می دهیم، تقلید کنیم؟

آیا سپردن رهبری امت مسلمان به غیراسلام شناس، همچون سپردن دانشکده پزشکی به غیر پزشک نیست؟! آیا سپردن امت به دست افراد غیرعادل و گناه کار، خیانت به مقام انسان نیست؟ آیا نمی توانیم به دنیا اعلام کنیم که تنها کسانی لیاقت رهبری ما را دارند که از علم و تقوای خاصی برخوردار باشند؟ آیا زمان آن نرسیده که از پذیرش رهبری های غیرصادقانه و سیاست بازان و فرصت طلبان حرفه ای، شانه خالی کنیم و خود را در دامن اسلام انداخته و تنها رهبری را بپذیریم که با معیارهای وحی تطبیق کند؟

ص:۱۰۵

ویژگی های یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

(یـا أَیُّهَا الَّذِیـنَ آمَنُوا مَنْ یَرْتَـدَّ مِنْکُمْ عَنْ دِینِهِ فَسَـوْفَ یَأْتِی اللَّهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَ یُحِبُّونَهُ أَذِلَّهٍ عَلَی الْمُـؤْمِنِینَ أَعِزَّهٍ عَلَی الْکـافِرِینَ یُجاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ لا یَخافُونَ لَوْمَهَ لائِمٍ ذلِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِیمٌ)(۱)

«ای کسانی که ایمان آورده ایـد! هر کس از شـما که از دین خود برگردد [به خـدا ضـرری نمی زنـد، چون] خداوند در آینده قومی را خواهـد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خـدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان، نرم و فروتن، و در برابر کافران، سرسـخت و قاطع انـد، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت هیچ ملامت کننده ای نمی هراسـند. این فضل خداسـت که به هر که بخواهد [و شایسته ببیند] می دهد و خداوند وسعت بخش و بسیار داناست.»

نکته ها:

۱. امام صادق علیه السـلام می فرمود: «همانا یاران صاحب این امر، برای او نگهـداری شده اند؛ اگر همه مردم نیز از بین بروند، خداونـد یارانش را به او می رسانـد، و آنان همان کسانی هسـتند که خدای عزوجل فرموده: اگر اینان بدان کافر شوند، پس به تحقیق، مـا گروهی را که بـدان کـافر نیسـتند بر آن موکّل کرده ایم.(۲) و آنـان همان کسانی هستند که خداونـد درباره آنان فرموده است: خداونـد به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست می دارد و آنان نیز او را دوست می دارند، در برابر مؤمنان، فروتن، و در برابر کافران با عزت و درشتخو و سختگیر هستند».(۳)

ص:۱۰۶

۱- سوره مائده، آیه ۵۴.

۲- سوره انعام، آیه ۸۹.

۳- الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۶.

۲. امـام صادق علیه السـلام در برخی از اوصاف یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف فرمود: «آنان مردانی هسـتند که دل هایشان مانند پاره های آهن است، شکی در ایمان به خدا در آن راه نیافته و در طریق ایمان، از سنگ محکم تر هستند. اگر آن ها را وادارند که کوه ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان برمی دارند.

لشـکر آن ها قصد هیچ شهری نمی کند، جز این که آن را خراب می نماید. اسب های آن ها زین های زرین دارند و خود آن هـا برای تبرک، بـدن خود را به زین اسب امـام می ساینـد. آن ها در جنگ ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می کنند و هر کاری داشته باشد برایش انجام می دهند.

مردانی در میان آن ها هستند که شب ها نمی خوابند؛ زمزمه آن ها در حال عبادت،

همچون زمزمه زنبور عسـل است. تمام شب را به عبادت مشـغول انـد و روزها سواره به دشـمن حمله می کننـد. آن ها در وقت شب، راهب، و هنگام روز، شیرند.

فرمـانبرداری آن هـا از امـام، بیش از فرمـانبرداری کنیز از آقـایش است. آن هـا ماننـد چراغ هـای درخشـنده انـد و دل هایشان همچون قنـدیل های چراغ است. آن ها ادعای شـهادت دارنـد و تمنا می کننـد که در راه خداوند کشـته شوند. شـعار آنان این است: «ای خون خواهـان حسـین!» از هر جـا می گذرنـد، رعب آن ها پیشاپیش آنان به انـدازه یک ماه راه، در دل ها جای می گیرد و بدین گونه به پیش می روند. خداوند هم پیشرو به سوی حق و حقیقت را پیروز می گرداند».(۱)

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ سُرَّ أَنْ یَکُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْیَنْتَظِرْ وَ لْیَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ کَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَکَهُ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا؛ هر کس که بودن در شـمار یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف شادمانش می سازد، بایـد در انتظار باشـد و با حال انتظار به پرهیزگاری و خلق نیکو رفتار کنـد. پس اگر اجلش برسد و امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از درگذشت او قیام کند، بهره او همچون بهره کسی است که آن

۱- بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۰۸.

حضرت را دریافته باشد. پس بکوشید و منتظر باشید».(۱)

۶. امام سجاد علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبَرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا؛(۲)هنگامی که قائم ما قیام کند، خدای عزوجل از شیعه ما آفت را برطرف سازد و دل هایشان را همچون پاره های آهن کند و نیروی هر مرد از آنان را به اندازه نیروی چهل مرد قرار دهد و ایشان در آن زمان، فرمانروایان و بزرگان روی زمین خواهند بود».

۷. ترسوها یار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیستند. اگر چیزی را بخواهید بدوزید، به نخ محکم نیاز دارید نه نخ های وا رفته! کسانی که دو لیتر برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گریه می کنند، ولی حاضر نیستند که برایش یک سیلی بخورند، یار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیستند. بیایید آن گونه باشیم که وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به ما نگاه می کند، لذت ببرد.

۸. کسی که منتظر مصلح است، خود باید صالح باشد. مجرم نمی تواند منتظر مصلح باشد.

۹. امام سجاد علیه السلام فرمود: «کسانی که منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند، برای دین خدا علنی و مخفیانه تلاش، و برای دینشان تبلیغ می کنند»(۳). این همان معنای انتظار است. امام باقر علیه السلام خطاب به شیعیان فرمود: «لِيُعِنْ قَوِيُّكُمْ ضَعِيفَكُمْ وَ لْيَعْطِفْ غَنِيُّكُمْ عَلَى فَقِيرِكُم وَ لْيَنْصَحِ الرَّجُلُ أَخَاهُ كَنُصْحِهِ لِنَفْسِهِ وَ اكْتُمُوا أَسْرَارَنَا؛(۴) قوی ها، ضعیف ها را کمک کنند، غنی به فقیر محبت کند، همان گونه که برای خودتان خیرخواهی می کنید، برای مردم خیرخواهی کنید و اسرار ما را حفظ کنید». ایشان بعد از جملاتی، در آخر می فرماید: اگر این چنین بودید و یکی از شما قبل از قیام قائم آل محمد علیهم السلام از دنیا رفت، «کَانَ شَهِیداً»، یعنی شهید از دنیا رفته است.

ص:۱۰۸

۱- الغيبه، نعماني، ص ۲۰۰.

۲- الخصال، ج ۲، ص ۵۴۱.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۴- بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۳۵.

۱۰. یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف علاوه بر تعهد، تخصص هم دارند. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: «آیا در هنگام ظهور، مؤمنی غیر از آن سی صد و سیزده نفر نیست؟» ایشان فرمود: «بَلَی، وَ لَکِنْ هَذِهِ الْعِدَّةُ الَّتِی یُخْرِجُ اللَّهُ فِیهَا الْقَائِمَ، هُمُ النُّجَبَاءُ وَ الْقُضَاةُ وَ الْحُکَّامُ وَ الْفُقَهَاءُ فِی الدِّینِ؛(۱) بله، ولی این عده ای که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف با آن ها قیام می کند، از نجیبان و قاضیان و حاکمان و فقیهان دین هستند».

۱۱. مدیریت و حکومت، نیاز به لیاقت و صلاحیت های خاصی دارد. قرآن می فرماید: (انّ الارض یرثها عبادیَ الصّالحون)(۲) وارثان زمین دو ویژگی دارند: یکی، بنده خدا بودن و داشتن تقوای الهی (عبادی) و دیگری برخورداری از صلاحیت که همان لیاقت، تخصص و مدیریت لازم است.

ص:۱۰۹

۱- دلائل الإمامه، ص ۵۶۲.

۲- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

سوره اعراف

اشاره

ص:۱۱۱

فضیلت و معنای انتظار

(قالَ قَدْ وَقَعَ عَلَیْکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ رِجْسٌ وَ غَضَبٌ أَتُجادِلُونَنِی فِی أَسْماءٍ سَمَّیْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُکُمْ ما نَزَّلَ اللَّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِینَ)(۱)

«[حضرت هود علیه السلام با دیدن سرسختی قوم عاد] گفت: پلیدی و خشم و عقوبت از سوی پروردگارتان بر شما حتمی شد. آیا با من درباره نام هایی جدل می کنید که شما و نیاکانتان بر آن [بت ها] نهاده اید؟ خداوند نسبت به حقانیت معبودهای شما برهانی نازل نکرده است. پس منتظر باشید، من هم با شما از منتظرانم.»

نکته ها:

۱. امام رضا علیه السلام فرمود: «چقدر صبر کردن و انتظار فرج کشیدن نیکوست! آیا نشنیده اید که عبد صالح فرمود: (انْتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِین)؛ پس منتظر باشید، من هم با شما از منتظرانم».(۲)

۲. پیامبر خدا عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «افْضَلُ الْعِبادَهِ انْتِظارُ الْفَرَجِ؛(۳) انتظار فرج و گشایش، برترین عبادت است».

۳. هر کس در زندگی خود، انتظار و امیدی دارد و البته زندگی به این امیدهاست. اگر چراغ امید خاموش بشود، دیگر کسی دنبال کاری نمی رود. منتهی باید دید که چه انتظاری ارزش دارد؟ همه افراد امید دارند، اما روشن فکر کسی است که در انتظار صلح جهانی باشد و برای همه مردم فکر کند.

ص:۱۱۲

۱- سوره اعراف، آیه ۷۱.

۲- نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۴.

۳- نهج الفصاحه، کلمه ۴۰۹.

اگر خواستید ببینید فردی چقدر ارزش دارد، ببینید آرزویش چیست؟ آرزوی یک بچه آدامس است! اما هرچه روح بزرگ تر شود، امیدهای او هم بزرگ تر می شود. بزرگ ترین افراد کسانی هستند که در انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند. چون انتظار حضرت، یعنی امید جهانی؛ خیر جهانی؛ عدالت جهانی؛ امنیت جهانی!

هرچه آرزو کوچک تر باشد، نشان می دهد که شخص کوچک تر است و هرچه آرزو بزرگ تر باشد، شخص بزرگ تر است. انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یعنی انتظار همه خوبی ها و محو همه بدی ها.

۴. باید دانست که انتظار، یک عمل است؛ زیرا در روایات ما آمده است: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ» و نمی گوید: «افضل الحالات». پس انتظار، عمل است؛ نه حالت و سکوت و سکون. انسانی که منتظر مسافرش است یا کشاورزی که منتظر رسیدن میوه هاست، آسوده خاطر نمی نشیند. ما که منتظر آقا هستیم، باید رفتارمان با رفتار آقا یک سنخیتی داشته باشد؛ پس منتظر یعنی انسان تلاشگر.

۵. انتظار یعنی اعتراض به وضع موجود و امید به باز شدن درهای رحمت و معرفت. انتظار یعنی من منتظرم جهان پر از عدل شود. در دعای افتتاح که منسوب به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، می خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْکُوا الیک؛ خدایا! ما به تو شکایت می کنیم». یعنی نظام های طاغوتی موجود در روی زمین را قبول نداریم، پس چه حکومتی را قبول داریم؟ پاسخ آن در ادامه دعا آمده است: «إِنَّا نَرْغَبُ إِلَیْکَ فِی دَوْلَهٍ کَرِیمَهٍ».

۶. در زمانی که استاد شهید مطهری (ره) در تهران بودند و برای تدریس به قم تشریف می آوردند، مدتی در قم میزبان ایشان بودم. در همان زمان و در مسیر راه، سؤالات زیادی از ایشان می پرسیدم که یکی از آن ها درباره انتظار ظهور بود. ایشان درباره حقیقت انتظار، مثلی را از مرحوم حجت الاسلام راشد ـ که قبلاً در رادیو سخنرانی می کرد و مرد دانشمندی بود ـ نقل نمودند و گفتند: «وقتی شب می شود، همه ما در انتظار خورشید هستیم؛ اما معنی انتظار خورشید، این نیست که در تاریکی بنشینیم. هم منتظر خورشید هستیم، هم بلند می شویم و کاری انجام می دهیم و چراغی روشن کنیم».

۷. کسی که منتظر مصلح است، باید صالح باشد. انسان بی تفاوت و بی غیرت و بی پول

و بی قـدرت که نمی تواند بگوید: یا حجت بن الحسن، تشریف بیاور! کسانی که در انقلاب و نظام اسـلامی نقشـی نداشـته و ندارند، اول از خدا بخواهند که به آن ها نقشـی بدهد و بعد دعای ندبه بخوانند! وقتی می گوییم: مهدی بیا، حضـرت بیاید چه کنـد؟ لابـد می گویید او خواهد آمد تا از حق مردم دفاع کند. خیلی خب! وقتی هشت سال جنگ تحمیلی بود، شـما چقدر از حق دفاع کردیـد؟ در این حوض چقـدر شـنا کرده اید که حالا اقیانوس اطلس می خواهید؟! کسانی که در انقلاب هیچ نقشـی نداشتند، اصلاً رویشان می شود که بگویند: مهدی بیا؟!

۸. علامت اخلاص، انتظار فرج است. از امام جواد علیه السـلام درباره چرایی لقب «منتظَر» برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف سؤال شـد. ایشان فرمود: «زیرا ایام غیبتش طولانی، و مدتش زیاد شود و مخلصان در انتظار قیامش باشـند و شـکاکان انکارش کنند و منکران، یادش را استهزاء کنند».(۱)

۹. ابوبصـیر روایت کرده است که امام صادق علیه السـلام فرمود: «آیا شـما را از چیزی آگاه نکنم که خداونـد بـدون آن، هیچ عملی را از بندگان نمی پذیرد؟ گواهی دادن بر این که هیچ معبودی جز خدا نیست و این که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنـده [و فرسـتاده] اوست، و اقرار به هر آنچه خداوند امر فرموده و ولایت ما و بیزاری از دشـمنان ما و پرهیزگاری و کوشـش و خویشتن داری و انتظار حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف».(۲)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۳۷۸.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۰.

زمینه سازی برای ظهور

(وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لکِنْ کَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ)(۱)

«و اگر مردم شهرها و آبادی ها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، قطعاً [درهای] برکات آسمان و زمین را برآنان می گشودیم، ولی آنان [آیات ما را] تکذیب کردند، پس ما هم به خاطر عملکردشان آنان را [به قهر خود] گرفتیم.»

نکته ها:

۱. «برکات» جمع «برکت» و به معنای «موهبت های ثابت و پایدار» است. در معنای برکت، «کثرت»، «خیر» و «افزایش» وجود دارد. برکات، شامل برکت های مادی و معنوی می شود؛ مثل برکت در عمر، دارایی، علم، کتاب و...

۲. از مصادیق بارز این آیه، دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که به گفته روایات، در آن زمان، برکات از آسمان و زمین به مردم می رسد. امام صادق علیه السلام فرمود: «چون حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، به عدالت حکم فرماید و در دوران او ستم برداشته شود و

راه ها امن گردد و زمین برکت های خود را بیرون آورد و هر حقی به اهلش رسد».(۲) و امام حسن علیه السلام فرمود: «در دولت او درّندگان آزادانه زندگی می کنند و زمین گیاهان خود را بیرون می دهد و آسمان برکات خود را فرو می فرستد و گنج ها و معادن زمین برای او آشکار می شود».(۳)

ص:۱۱۵

۱- سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵.

۳- الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۱.

۱. ایمان به تنهایی کافی نیست، بلکه تقوا نیز لازم است. (آمَنُوا وَ اتَّقَوْا)

۲. سرمایه گذاری روی فرهنگ و معنویت جامعه، بازده اقتصادی هم دارد. (آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ)

۳. بستن و گشایش، در اختیار خداست: (لَفَتَحْنا)؛ اما بازتابی از عمل کرد ماست.

۴. عامل محرومیت ها و مشکلات، عمل کرد خود ماست. (بِما كانُوا يَكْسِبُونَ)

۵. برای این که اسلام در دنیا فراگیر شود، شرایط باید مهیا شود. به عبارت دیگر عوامل پیروزی در چند چیز است:

ـ رهبر توانا و لایق: (زادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ)(۱)

ـ پیروان مؤمن: (قالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا اللَّهِ)(۲)

ـ توکل: (كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ)(۳)

ـ صبر و استقامت: (رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَيْنا صَبْراً وَ ثَبِّتْ أَقْدامَنا)(۴)

ـ اخلاص و انگیزه الهی: (وَ انْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ)(۵)

ـ وحدت: (وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ)(۶)

ـ امداد الهی: (لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّهُ فِي مَواطِنَ كَثِيرَةٍ)(۷)

ـ دوری از غرور: (وَ ما رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ)(۸)

۶. آمادگی جهانی هنوز مشاهده نمی شود؛ لذا باید تلاش کرد و زمینه های لازم را

ص:۱۱۶

۱- سوره بقره، آیه ۲۴۷.

۲- سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۳- سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۴- سوره بقره، آیه ۲۵۰.

۵- سوره بقره، آیه ۲۵۰.

۶- سوره انفال، آیه ۴۶.

۷- سوره توبه، آیه ۲۵.

۸- سوره انفال، آیه ۱۷.

برای آن فراهم ساخت. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی ظهور می کند که آمادگی از هر جهت در مردم وجود داشته باشد و مردم به معارف و اندیشه های قرآن و اسلام، آگاه باشند و برای حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمادگی پیدا کنند.

کسانی که منتظر مصلح هستند، باید خودشان هم آدم صالحی باشند. نمی شود آدم منتظر مصلح باشد، ولی خودش صالح نباشد. نمی شود صبر کنیم تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید و همه چیز را درست کند. ما شب ها منتظر خورشید هستیم، اما خودمان هم چراغ روشن می کنیم. پس باید هم منتظر امام باشیم و هم خودمان تلاش کنیم.

۷. برخی می گویند که در برخی احادیث آمده که اگر کسی قبل از قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، قیامش باطل است. این عده باید بدانند که این روایت ها در مواردی است که کسی قیام می کند تا مردم را به سوی خودش دعوت کند و این فرد اساساً طاغوت است. اما اگر کسی قیام نماید تا زمینه را برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم کند، قیام او به هیچ وجه باطل نیست.

اگر قرار باشد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همه چیز را درست کند، پس این همه آیات دفاع از مظلوم، در دهان ظلم کوبیدن، نهی از منکر، اجرای حدود اسلامی و... برای چیست؟ مگر می شود دستورات قرآن بیش از هزار سال و تا زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تعطیل شود؟

در روایات ما آمده که هر حدیثی از طرف ما به شما رسید، آن را به قرآن عرضه کنید و در صورت مخالفت با قرآن، آن را کنار بگذارید. نظیر این حدیث جعلی که «از حاکم جامعه ولو ظالم باشد، اطاعت کنید»؛ در حالی که قرآن می گوید: (لا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِماً أَوْ کَفُورا)؛(۱) اگر کسی گناه می کند، از او اطاعت نکن.

احادیثی که می گوید قبل از قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی تکان نخورد، یا جعلی هستند یا مقصود آن ها درست فهمیده نشده است. در تاریخ است که زید، پسر امام سجاد علیه السلام قیام کرد و امامان ما از او حمایت کردند. حتی گاهی امامان در شرایطی که صلاح نبود خودشان قیام کنند، به کسانی که می توانستند اقدام کنند، جواز قیام می دادند و آن ها را به لحاظ مالی

۱- سوره انسان، آیه ۲۴.

نیز حمایت می کردند.

۸. برای پیروزی، هم بایـد تلاش کرد، هم دعا. رزمنـده ها اگر فقط به پای دعا بنشـینند، پیروز نمی شونـد. دعای آدم بی کار، مسـتجاب نیست. اسـلحه منهای معنویت، مفید نیست. معنویت هم بدون اسـلحه موفقیت ندارد. امام حسـین علیه السلام در شب عـاشورا، هم شمشـیرش را تیز می کرد و هم نماز شب می خوانـد. هم اشک و هم شمشـیر؛ هم دعا و هم تلاش. مردم ایران نیز در انقلاب هر دو را داشـتند. در زمان دفاع هشت ساله نیز در یک طرف، همه مسـجدهای ما دعا می کردنـد و در طرف دیگر، رزمنده ها در جبهه مشغول جهاد و تلاش بودند.

۹. دانسـتن این که امـام در چه زمـانی ظهور می کنـد یا این که اکنون در کجا زنـدگی می کنـد، ارزش چنـدانی نـدارد. آنچه ارزشـمند است، آن است که بـدانیم وظیفه مـا در حال حاضـر چیست و امام از ما چه انتظاری دارد و سـپس به آن جامعه عمل بپوشانیم. لذا شناخت وظیفه، لازم ترین مطلب در زمان غیبت امام است، که ما به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

ـ شـناخت امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف و اهـداف او. «اللهم عرّفنی حجتـک فان لم تعرفنی حجّتک ضـللت عن دینی»(۱)

ـ معرفی و شـناساندن امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف و انقلاـب جهانی او به دیگران و ایجاد زمینه های لازم برای ظهور.

ـ تلاش در جهت جلب رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با انجام اعمال صالح و ارتباط معنوی با ایشان.

ـ انتظار فرج و دعا برای ظهور آن حضرت.

ـ صدقه دادن و دعا کردن برای سلامتی امام.

ـ خواندن دعاهای فرج، ندبه، عهد و سلام کامل.

ـ پرداخت حقوق مالی (خمس) متعلق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۱- مفاتیح الجنان، تعقیبات نماز.

ـ عمل به تکلیف و واجبات و دوری از گناه و محرّمات.

۱۰. هر وقت مردم بتوانند امام و رهبری بر حق و معصوم را بپذیرند، آن وقت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور خواهند کرد.

۱۱. برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمادگی فکری و اخلاقی لازم است. مسلماً تاجری که کلاهبرداری می کند، منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست. کسانی که کم کاری، کم فروشی، بدکاری و خیانت می کنند، منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیستند. ما اگر واقعاً منتظر هستیم، باید حواسمان را جمع کنیم.

۱۲. دعای ندبه یعنی دعای اعتراض به طاغوت های جهان؛ یعنی دعای انتظار و امید به آمدن حکومت حق. اگر جمع می شویم و دعای ندبه می خوانیم و در فکر حکومت حق هستیم، باید در فکر تلاش برای زمینه سازی آن حکومت هم باشیم.

ص:۱۱۹

زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(یَسْئَلُونَکَ عَنِ السَّاعَهِ أَیَّانَ مُرْساها قُلْ إِنَّما عِلْمُها عِنْدَ رَبِّی لا یُجَلِّیها لِوَقْتِها إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا تَأْتِیکُمْ إِلَّا بَغْتَهً یَسْئَلُونَکَ کَأَنَّکَ حَفِیٌّ عَنْها قُلْ إِنَّما عِلْمُها عِنْدَ اللَّهِ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یَعْلَمُونَ)(۱)

«از تو درباره قیامت می پرسند که چه وقت به پا می شود؟ بگو: علم آن تنها نزد پروردگار من است. جز او کسی نمی تواند زمان آن را آشکار سازد. [فرا رسیدن قیامت] در آسمان ها و زمین سنگین است، جز به صورت ناگهانی پیش نمی آید. از تو چنان می پرسند که گویا از [زمان] آن آگاهی کامل داری! بگو: علم آن تنها نزد خداوند است، ولی بیشتر مردم نمی دانند.»

نکته ها:

۱. جز خداوند، کسی از زمان برپایی قیامت آگاه نیست: (إِنَّما عِلْمُها عِنْدَ رَبِّی) آری؛ ندانستن زمان برپایی قیامت، برای آماده باش انسان بهتر است.

۲. امام رضا علیه السلام نقل فرموده است که وقتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره ظهور و خروج حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدند، ایشان فرمودند: «مثلهُ مثل الساعه؛(۲) قیام او مثل برپایی قیامت، ناگهانی است». سپس این آیه را تلاوت فرمودند: (لا یُجَلِّیها لِوَقْتِها إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا تَأْتِیکُمْ إِلَّا بَغْتَهً).

۳. عبد الرحمن بن کثیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مهزم وارد شد و عرض کرد: «قربانت شوم! به من خبر دهید که این امری که در انتظارش هستیم، چه زمان

۱- سوره اعراف، آیه ۱۸۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۳.

واقع می شود؟» حضرت فرمود: «ای مهزم! تعیین کنندگانِ وقت دروغ گفتند و

شتاب کنندگان هلاک شدند و تسلیم شوندگان نجات یافتند».(۱)

۴. دانستن این که امام در چه زمانی ظهور می کند یا این که اکنون در کجا زندگی می کند، ارزش چندانی ندارد. آنچه ارزشمند است آن است که بدانیم وظیفه ما در حال حاضر چیست و امام از ما چه انتظاری دارد و سپس به آن جامعه عمل بپوشیم. لذا شناخت وظیفه، لازم ترین مطلب در زمان غیبت امام است.

۱- الکافی ، ج ۱، ص ۳۶۸.

سوره انفال

اشاره

ص:۱۲۳

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، منصور به رعب

(إِذْ یُوحِی رَبُّکَ إِلَی الْمَلائِکَهِ أَنِّی مَعَکُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِینَ آمَنُوا سَأُلْقِی فِی قُلُوبِ الَّذِینَ کَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْناقِ وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ کُلَّ بَنانٍ)(۱)

«[به یادآور] زمانی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم. پس شما افراد باایمان را تقویت کنید. من نیز به زودی در دل های کافران، رعب و ترس خواهم افکند. پس فرازگردن ها را بزنید و همه سرانگشتانشان را قلم کنید [و قطع کنید تا نتوانند سلاح بردارند].»

نکته ها:

یکی از امدادهای غیبی، ایجاد رعب در دل دشمنان است.

۱. ابوحمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است: «هر گاه قائم آل محمد علیهم السلام خروج کند، خداوند او را با ملائکه مُسوِّمین و مُردِفین و مُنزِلین و کرّوبین یاری خواهد فرمود. جبرئیل پیش روی او، میکائیل در سمت راست او و اسرافیل در سمت چپ او قرار دارند و رعب و هیبت او به فاصله یک ماه راه، پیشاپیش و پشت سر و از راست و چپ او حرکت می کند (یعنی شعاع هیبتش تا بعد یک ماه راه را زیر پوشش می گیرد) و فرشتگان مقرّب در برابر او خواهند بود».(۲)

۲. گاهی امداد غیبی به این است که در دل دشمنان ترس بیفتد. شاه، امام خمینی(ره) را زندان کرده بود، اما باز هم از ایشان می ترسید. شاید معنای «المؤمن کالجبل» این باشد که حتی اگر دشمنان بر سر مؤمن پا بگذارند، باز هم از او می ترسند. درست مثل ایران که

۱- سوره انفال، آیه ۱۲.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۴.

اکنون همانند یک استخوان در گلوی ابرقدرت هاست و باعث اذیت آن ها شده، به گونه ای که همه از ایران حساب می برند.

۳. خداوند، ارشاد و حمایت مؤمنان را گاهی از طریق فرشتگان انجام می دهد. (إِذْ یُوحِی رَبُّکَ إِلَی الْمَلائِکَهِ)

۴. خداوند بر اهل ایمان، آرامش و سکینه نازل می کند و بر کافران، دلهره و وحشت مستولی می سازد. (فَثَبِّتُوا الَّذِینَ آمَنُوا سَأُلْقِی فِی قُلُوبِ الَّذِینَ کَفَرُوا الرُّعْبَ)

۵. گرایش ها و انگیزه های انسان، در سرنوشت او و نیز در دریافت رحمت یا عذاب الهی، تأثیر بسزایی دارد. (فَثَبِّتُوا الَّذِینَ آمَنُوا ... فِی قُلُوبِ الَّذِینَ کَفَرُوا الرُّعْب)

ص:۱۲۵

سوره توبه

اشاره

ص:۱۲۷

دشمنان اسلام و مهدویت و شگردهای آن ها

(یُرِیدُونَ أَنْ یُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ یَأْبَی اللَّهُ إِلَّا أَنْ یُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ)(۱)

«می خواهند نور خدا را با دهان هایشان خاموش سازند، ولی خداوند جز این نمی خواهد که نور خود را به کمال برساند؛ هرچند کفار ناراحت باشند.»

نکته ها:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «خداوند به اهل زمین نگاه کرد و من را انتخاب کرد، سپس بار دیگر نگاه کرد و علی بن ابی طالب علیهما السلام را انتخاب فرمود. او بعد از من، نور زمین است». آن گاه حضرت، این آیه را تلاوت کردند.(۲)

و نیز فرمود: «ای مردم! این نور از حضرت حق به من و علی عطا شده و پس از علی در نسل علی قرار داده شده است تا آن که در صلب خاتم الاوصیا، قائم آل محمد، الحجه بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مودع و محتوم گردید».(۳)

۲. محمد بن فضیل گوید: از حضرت کاظم علیه السلام راجع به این سخن خدای عزوجل: (یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ) پرسیدم. آن حضرت فرمود: «می خواهند ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را با فوت دهانشان خاموش کنند». پرسش کردم از این فرموده خداوند که (وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ)؛ فرمود: «خدا تمام کننده امامت است. به دلیل قول خدای عزوجل (فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنا)، پس نور، همان امام است». عرض کردم معنی این فرموده خداوند (لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ) چیست؟ فرمود: «یعنی دین خود را

۱- سوره توبه، آیه ۳۲.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۲۰.

۳- الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۱.

در زمان قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر همه دین ها غلبه دهد. خدا می فرماید: (وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ)، یعنی ولایت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را کامل خواهد کرد».(۱)

۳. توطئه دشمنان، دائمی و بی وقفه است. (یُرِیدُونَ) (فعل مضارع، نشانه استمرار و تداوم است)

۴. احکام اسلام و دین خدا، نور است و نور، سرچشمه حیات. (نُورَ اللَّهِ)

۵. هرچند هر دسته از گروه های کفار، برای هدف خاصی تلاش می کنند، اما هدف همه آن ها خاموش ساختنِ فروغ دین است. (لِيُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ)

۶. تلاش های کافران در مبارزه با دین، مثل فوت کردن به خورشید است. (لِيُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ)

۷. یکی از فعالیت های دشمنان دین، تبلیغات سوء است. (بِأَفْواهِهِمْ)

۸. اگر ندای اسلام از زبان پیامبر، نور است؛ تداوم آن در شکل امامت، اتمام نور است: (يُتِمَّ نُورَهُ) چنان که در آیه اکمال دین، مسأله امامت به عنوان اتمام نعمت معرفی شده است: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتى).(۲)

۹. خداوند به طرفداران حق، وعده پیروزی داده است. (أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ)

۱۰. خداوند، فروغ دین را نه تنها حفظ می کند، بلکه گسترش می دهد. (يُتِمَّ نُورَهُ)

۱۱. کفار بدانند که با اراده حتمی خداوند برای پیروزی دین حق طرف اند و هرگونه تلاش علیه مکتب اسلام، محکوم به شکست است. (يُتِمَّ نُورَهُ)

۱۲. اسلام مکتبی جاودانه بوده، (يُتِمَّ نُورَهُ) و مخالف آن، کافر است. (وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ)

۱۳. دشمن برای خاموش کردن نور خداوند از راه های مختلفی استفاده می کند؛ از جمله:

۱- الکافی، ج ۱، ص ۴۳۲

۲- سوره مائده، آیه ۳.

ـ تهمت ارتجاع و کهنه گرایی به اسلام می زنند. (أَساطِيرُ الْأَوَّلِينَ)(۱)

ـ می گویند قرآن، خیال و پندار است. (أَضْغاثُ أَحْلامٍ)(۲)

ـ سخنان پیامبر را دروغ و افترا می نامند. (أَمْ يَقُولُونَ افْتَراهُ)(۳)

- آیات وحی را سطحی و بی ارزش قلمداد می کنند. (لَوْ نَشاءُ لَقُلْنا مِثْلَ هذا)(۴)

ـ برای خداوند رقیب تراشی می کنند. (وَ جَعَلُوا لِلَّهِ أَنْداداً)(۵)

ـ مردم را از شنیدن آیات الهی باز می دارند. (لا تَسْمَعُوا لِهذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوْا فِيهِ)(۶)

ـ به راه و مکتب مؤمنان طعنه می زنند و آنان را تحقیر می کنند. (وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ)(۷)

ـ دین خدا را مسخره می کنند. (اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُواً وَ لَعِباً)(۸)

ـ سعی در تخریب مساجد و پایگاه های مکتب دارند. (سَعى فِي خَرابِها)(۹)

ـ سعی در تحریف دین می نمایند. (يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ)(۱۰)

- گاهی در دین بدعت گذاری می کنند. (وَ رَهْبانِيَّةً ابْتَدَعُوها)(۱۱)

ـ گاهی حقایق دین را کتمان می کنند. (يَكْتُمُونَ ما أَنْزَلْنا مِنَ الْبَيِّناتِ)(۱۲)

۱- سوره انعام، آیه ۲۵.

۲- سوره انبیاء، آیه ۵ .

۳- سوره احقاف، آیه ۸ .

۴- سوره انفال، آیه ۳۱.

۵- سوره ابراهیم، آیه ۳۰.

۶- سوره فصلت، آیه ۲۶.

۷- سوره توبه، آیه ۱۲.

۸- سوره مائده، آیه ۵۷.

۹- سوره بقره، آیه ۱۱۴.

۱۰- سوره نساء، آیه ۴۶.

۱۱- سوره حدید، آیه ۲۷.

۱۲- سوره بقره، آیه ۱۵۹.

ـ دین خداوند را تجزیه می کنند. (أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ)(۱)

ـ حق و باطل را در هم می آمیزند. (وَ لا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْباطِلِ)(۲)

ـ در دین خدا غلوّ می کنند. (لا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ)(۳)

ـ با مسلمانان به جنگ و ستیز برمی خیزند. (لا يَزالُونَ يُقاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُم) (۴)

۱۴. خطر دشمن، همیشگی است. اسلام در طول تاریخ از بی خردی بعضی مسلمان ها خیلی ضربه خورده است. به اسم مستشار، مستشرق، توریست، جهانگرد، متخصص و ده ها اسم زیبای دیگر به کشورهای اسلامی، نفوذ کرده و اسرار و اموال ما را به غارت برده اند؛ در حالی که ما در خواب غفلت بوده ایم. چرا باید آثار فرهنگی ما و کتاب های خطی دانشمندان مسلمان و ایرانی در کتابخانه های بیگانگان و غربی ها باشد؟!

۱- سوره بقره، آیه ۸۵.

۲- سوره بقره، آیه ۴۲.

۳- سوره مائده، آیه ۷۷.

۴- سوره بقره، آیه ۲۱۷.

حتمیت حکومت اسلام بر جهان

(هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُون)(1)

«او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان ناراحت باشند.»

نکته ها:

۱. این آیه به همین صورت، در دو سوره دیگر نیز آمده است؛ سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹. گرچه اسلام از نظر منطق و استدلال همیشه پیروز بوده است، اما این آیه، غلبه ظاهری و وعده حاکمیت اسلام بر جهان را بیان می کند. چنان که در آیات دیگری نیز «ظَهَرَ» به معنای «استیلا یافتن» آمده است؛ به عنوان نمونه: (إِنْ یَظْهَرُوا عَلَیْکُمْ یَرْجُمُوکُمْ)؛(2)«اگر بر شما غالب شوند، سنگسارتان می کنند» و نیز: (إِنْ یَظْهَرُوا عَلَیْکُمْ لا یَرْقُبُوا فِیکُمْ إِلًّا وَلا ذِمَّهً)؛(3) «اگر بر شما غالب شوند، هیچ عهد و پیمانی را مراعات نمی کنند».

از یک سو، این آیه تاکنون تحقق نیافته و از سویی دیگر، خداوند وعده حاکمیت کلی اسلام را داده است و وعده او دروغ نیست؛ در نتیجه، همان گونه که در روایات بسیاری آمده است، این آیه به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد.

۲. مسأله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام جهانی او، در روایات بسیاری از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده و در اغلب کتب حدیثی عامه آمده است و از مسلمات اعتقادی

۱- سوره توبه، آیه ۳۳.

۲- سوره کهف، آیه ۲۰.

۳- سوره توبه، آیه ۸.

مسلمانان محسوب می شود.

۳. امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، جایی بر روی زمین باقی نمی ماند، مگر این که در آن جا صدای اشهد ان لااله الاالله و اشهد ان محمداً رسول الله بلند می شود».(۱)

و فرمود: «هرگاه قائم ظهور کند، عدل را در میان مردم برقرار می سازد و در زمان او جور و ستم بر طرف می شود، راه ها امن می گردد، زمین برکات خود را بیرون می دهد و او هر حق را به صاحبش بر می گرداند. در زمان ظهور او، تمام مردم روی زمین، دین اسلام را خواهند پذیرفت و آیه شریفه (وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ إِلَیْهِ یُرْجَعُونَ)(۲) مصداق پیدا خواهد کرد.

قائم در میان مردم مانند داود علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم حکم می کند. در آن زمان، گنج های زمین ظاهر می گردد، زینت هایش آشکار می شود، همه مردم ثروتمند خواهند شد و دیگر جایی برای مصرف صدقات باقی نخواهد ماند».(۳)

۱. محور و پایه دین اسلام، حق است: (دِینِ الْحَقِّ) اگرچه ادیان آسمانی همه حق اند، ولی به خاطر پیدایش تحریف در آن ها، حقانیتشان مخدوش شده است.

۲. حق بر باطل پیروز است. (لِیُظْهِرَهُ)

۳. اراده و حرکت خود را با اراده الهی هماهنگ سازیم، وگرنه محو و نابود خواهیم شد. (لِیُظْهِرَهُ... وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ)

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲- سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۳- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵.

شهادت طلبی منتظران

(قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ)(1)

«[ای پیامبر! به منافقان] بگو: آیا برای ما جز یکی از دو نیکی (فتح یا شهادت) را انتظار دارید؟ ولی ما منتظریم که عذاب خداوند یا از سوی خودش یا به دست ما به شما برسد. پس شما منتظر باشید، ما نیز با شما در انتظار می مانیم».

نکته ها:

۱. امام باقر علیه السلام در تفسیر (إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ) فرمودند: «مراد، مرگ در راه خدا یا درک ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است».(2)

۲. باید دیدگاه «إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ» را برای دوست و دشمن، تبیین و تبلیغ کرد. (قُلْ)

۳. ارزش ها و ملاک های ارزش گذاری، در بینش مؤمنان و منافقان متفاوت است. در دید اهل ایمان، عمل به وظیفه مهم است، رفتن یا ماندن مهم نیست، مهم در خط بودن است؛ لذا در نظر آنان، فتح و شهادت، هر دو پیروزی است.

۴. منافقان چه در جنگ و درگیری با نظام اسلامی کشته شوند و چه به مرگ طبیعی بمیرند، اهل دوزخ اند. پس یا به دست مؤمنان یا از سوی خدا گرفتار عذاب می شوند. (مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينا)

۵. مؤمن، به هدف و نتیجه کار، یقین دارد. (فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ)

۶. در روایات متعددی، از نابودی یهودیان متجاوز، قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و به دست انقلابیون مؤمن خبر داده شده است که شمشیرهای خود را بر دوش نهاده، تا مرز شهادت پیش می روند و زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شوند.(3)

۱- سوره توبه، آیه ۵۲.

۲- الکافی، ج ۸، ص۲۸۶.

۳- نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۳۸.

سوره هود

اشاره

ص:۱۳۵

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و لقب بقیه الله

(بَقِيَّه اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ ما أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ)(۱)

«[مال و سرمایه ی حلالی که] خداونـد [برای شـما] باقی گذارده، [از مال و ثروتی که در اثر کم فروشـی به دست می آورید] برایتان بهتر است، اگر ایمان داشته باشید؛ و من نگهبان شما [بر حفظ ایمانتان و پذیرش این راه] نیستم.»

نکته ها:

۱. (بَقِيَّه اللَّهِ) در این آیه، به معنـای درآمـد و سودی است که از یک سـرمایه حلال و خداپسـندانه برای انسان باقی می مانـد و صـد در صـد حلال است. اما در روایات، به هر وجود مبارکی که به اراده خداونـد برای بشـریت باقی می مانـد، «بقیهالله» گفته می شود؛ از جمله، سربازان مؤمنی که پیروزمندانه از جبهه جنگ برمی گردند؛ زیرا به اراده الهی باقی مانده اند.

به امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز «بقیه الله» می گوینـد؛ چون آن وجود شـریف، به خواست خداوند برای هدایت مردم ذخیره شده است. البته به سایر معصومین علیهم السلام نیز لقب «بقیهالله» داده شده است.(۲)

۲. امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم ما چون ظاهر شود، تکیه به خانه کعبه زند و سیصد و سیزده مرد گرد او فراهم شوند و اول سخنش این آیه باشـد: (بقيه اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) سـپس گویـد من بقیهالله و حجت خدا و خلیفه او بر شـما هسـتم و هیچ مؤمنی نباشد، مگر آن که به این لفظ او را سلام دهد: السلام علیک یا بقیه اللّٰه فی ارضه».(۳)

ص:۱۳۶

۱- سوره هود، آیه ۸۶.

۲- کنز الدقائق، ج ۶، ص ۲۲۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱.

سوره یوسف

اشاره

ص:۱۳۷

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرت یوسف علیه السلام

(وَ جاءَ إِخْوَهُ یُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَیْهِ فَعَرَفَهُمْ وَ هُمْ لَهُ مُنْکِرُونَ)(۱)

«[سرزمین کنعان را قحطی فراگرفت] و برادران یوسف [در پی مواد غذایی به مصر] آمدند و بر او وارد شدند. آن گاه [یوسف] آنان را شناخت، ولی آن ها او را نشناختند.»

نکته ها:

۱. محمد بن مسلم گوید: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و می خواستم از قائم آل محمد پرسش کنم، اما امام پیش از آن که من سؤال کنم، فرمود: «یا محمد بن مسلم إِنَّ فِی الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ شَبَهاً مِنْ خَمْسَهٍ مِنَ الرُّسُل... وَ أَمَّا شَبَهُهُ مِنْ یُوسُفَ بْنِ یَعْقُوبَ فَالْغَیْبَهُ مِنْ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ اخْتِفَاؤُهُ مِنْ إِخْوَتِهِ وَ إِشْکَالُ أَمْرِهِ عَلَی أَبِیهِ یَعْقُوبَ مَعَ قُرْبِ الْمَسَافَهِ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ أَبِیهِ وَ أَهْلِهِ وَ شِیعَتِه؛(۲) ای محمد بن مسلم! در قائم آل محمد علیهم السلام شباهتی با پنج تن از انبیا وجود دارد... اما شباهت او با یوسف بن یعقوب علیهما السلام آن است که از خاص و عام غایب می شود و او از برادرانش مخفی بود و امر او بر پدرش هم پوشیده بود با وجود آن که مسافت بین او و پدرش و خاندان و شیعیانش کم بود».

۲. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ما را می شناسد، ولی ما او را نمی شناسیم. وقتی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کنند بعضی از مردم می گویند: من ایشان را قبلاً دیده بودم! «فَعَرَفَهُمْ وَ هُمْ لَهُ مُنْکِرُون»، یعنی یوسف علیه السلام برادرها را شناخت، اما برادرها او را نشناختند. امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی، شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با حضرت یوسف علیه السلام را چنین توضیح می دهد که برادرانش با او

۱- سوره یوسف، آیه ۵۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷.

معامله می کردند و سخن می گفتند، اما او را نمی شناختند.(۱)

۳. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به فرموده امام باقر علیه السلام در زیبایی و سخاوت نیز شبیه به یوسف علیه السلام است.(۲)

۱- دلائل الإمامه، ص۵۳۲.

۲- اثبات الوصیه، ص ۲۶۷.

سوره رعد

اشاره

ص:۱۴۱

ضرورت وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ)(۱)

«و کسانی که کفر ورزیدند می گویند: چرا از طرف پروردگارش نشانه ای [آشکار و به دلخواه ما] بر او نازل نشده است؟ [ای پیامبر!] تو فقط بیم دهنده ای و برای هر قومی راهنمایی است.»

نکته ها:

۱. از ابن عباس نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست مبارکشان را بر روی سینه گذاشتند و فرمودند: «انا المنذر» و آن گاه به علی بن ابی طالب علیه السلام اشاره کردند و فرمودند: «انت الهادی، بک یهتدی المهتدون بعدی».(۲)

۲. با آن که دیگر پیامبری مبعوث نمی شود، اما خداوند حجت خود را بر همه مردم تمام می کند و هرگز زمین از حجت خالی نمی ماند. (وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ)

۳. طبق این آیه، در عصر حاضر نیز ما باید امام یا هادی زنده داشته باشیم.(۳) امام صادق علیه السلام فرمود: «منذر، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و هادی، امیرالمؤمنین و ائمه بعد از وی هستند و این است معنی (وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ)، یعنی در هر زمانی امامی هدایتگر و روشنگر خواهد بود».(۴)

۴. به همان دلایلی که به پیامبر نیاز داریم، به امام هم نیاز داریم و ما پیش از این در

۱- سوره رعد، آیه ۷.

۲- مفاتیح الغیب، ج ۱۹، ص ۱۴و احقاق الحق، ج ۳، ص ۸۷ .

۳- در تفاسیر مجمع البیان و کنز الدقائق، ۲۶ حدیث آمده که مراد از «هاد» را ائمه معصومین علیهم السلام بیان کرده اند.

۴- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۵۹.

کتاب ـ نبوت ـ، در این زمینه دلائلی را بیان کرده ایم که اینک آن ها را مرور می کنیم:

ـ آیا می توان قبول کرد که هدف از آفرینش انسان، رشد و کمال و قرار گرفتن در مسیر خدا باشد، ولی در این میان، هادی و راهنمایی در کار نباشد؟!

ـ آیا می توان قبول کرد که انسان، عاشق رسیدن به مقام والای انسانی باشد، ولی در خارج چنین الگویی وجود نداشته باشد؟! مگر نه این است که برای هر نیاز و احساس درونی، یک واقعیت خارجی و بیرونی وجود دارد که آن احساس را اشباع می کند؟ اگر ما در درون، احساس تشنگی می کنیم و نیاز به آب داریم، برای رفع آن نیاز، آبی در خارج از بدن وجود دارد. حال چگونه قبول کنیم که علاقه به کمال و رسیدن به قله سعادت در انسان وجود دارد، اما چیزی که پاسخ گوی این نیاز باشد، در خارج از ذهن پیدا

نمی شود؟!

ـ چگونه می توان پذیرفت که میزبانی از مردم دعوت کند، ولی نشانی منزلش را ندهد یا راهنمایی نفرستد؟! به خصوص در مواردی که بدون راهنما، راه یابی ممکن نباشد و در مسیر، مواردی وجود داشته باشد که ممکن باشد مهمان را به بیراهه و انحراف از منزل میزبان بکشاند. در این جا بر میزبان لازم است تا راهنمایی با نام و نشانی روشن برای مهمان بفرستد تا هم راه را به او بنماید و هم با برخورد با موارد انحرافی، او را به مقصد برساند.

ـ چگونه قبول کنیم که انسان در راه های ساده و محسوس زندگی، نیاز به راهنما دارد، اما در پیمودن راه های سعادت و معنویت و رسیدن به رشد واقعی ـ که پیچیده تر هستند و علم انسان درباره آن ها کم تر و وسوسه های شیطانی در آن بیشتر است ـ نیاز به راهنما نداشته باشد؟!

ـ مگر نه آن ا ست که حیواناتی که زندگی دسته جمعی دارند، همچون زنبور عسل، برای خود ملکه ای را به طور غریزی می پذیرند؟ در تاریخ سیاست ها و جنگ ها کدام موفقیتی را سراغ دارید که نقش رهبر و فرمانده در آن نادیده گرفته شده باشد؟ جامعه

بـدون امام یعنی هرج و مرج؛ و کـدام عقل و وجدان، آن را می پذیرد؟! حضـرت علی علیه السـلام می فرماید: «لابدّ للناس من امیر برّ کان او فاجرٍ؛(۱) وجود رهبر برای مردم ضروری است، خواه نیکوکار باشد یا بدکار».

۵. علاوه بر موارد فوق ــ که میان نیاز به پیامبر و امام، مشترک است ــ در خصوص نیاز به امام، دلایل دیگری نیز وجود دارد:

ــ برای پیاده شـدن دسـتورات الهی و حفظ احکام، قدرت و حکومت لازم است و قدرت و حکومت به امام و رهبری لایق نیاز دارد. مخصوصاً در صورتی که دسترسی به پیامبر امکان نداشـته باشد و خاتمیت حضـرت محمد صـلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفته باشیم.

ــ مگر می شود که خدا برای مردم پیامبری بفرستد و آن پیامبر، با خون دل، احکام و قوانینی بیاورد و بعد همه را رها کرده، از دنیـا برود؟! آیـا این کـار حکیمـانه است؟ آیـا رهـا کردن امت با آن حرص و سوزی که از پیامبر سـراغ داریم، سازگار است؟ کسانی که می گوینـد پیامبر مکتب و امتی را بنیان گـذاری کرد و رفت، حکمت خدا و سوز پیامبر را چگونه توجیه می کنند؟ کدام مقام مسئول، این گونه بی تفاوت مردم را رها می کند که پیامبر چنین کند؟!

ــ اساسـاً دین و مکتب، یـا هماهنگ با خواسـته های درونی و حوادث خارجی و به اصـطلاح رشـدآور و رشددهنـده و به روز است یا فقط قوانینی مقطعی و خشک است که با مرور زمان به دست فراموشی سپرده می شود و به اصطلاح، ایستاست.

اگر در کنار مکتب، امامی با شـرایط ویژه باشـد، مکتب از نوع اول خواهـد بود، وگرنه از نوع دوم خواهـد شد و به همین دلیل امام رضا علیه السـلام می فرماید: «انّ الامامه زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عزّ المؤمنین... انّ الامامه اسُّ الاسلام النامی؛(۲) امامت و رهبری

ص:۱۴۴

۱- نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج ۱، ص ۲۱۶.

حق، زمام دین و مایه نظام بخشیدن به مسلمانان و صلاح امور دنیوی و عزت مؤمنین است... امامت، اساس اسلام رشدیافته است». یعنی چیزی که بتواند همه احتیاجات فردی و اجتماعی و مادی و معنوی انسان ها را تأمین کند، تنها امامت است.

امام رضا علیه السلام با تعبیر «الاسلام النامی» به ما می فهماند که اسلام بدون امام، نمو و رشدی ندارد و در معرض کهنگی و زوال است. جامعه انسانی هر آن در معرض حوادثی است که اگر حکم و دستور خدا از طریق وحی یا رهبری حق به انسان ها نرسد، مردم آرامش خود را از دست می دهند و هر کدام راهی را می پیمایند و هرج و مرج به وجود می آید. لذا در کنار مکتب، وجود امام و رهبر ضروری است.

ـ همان گونه که شنا در استخر، نیاز به مربی و ناجی دارد، گذر از دریا نیز نیاز به کشتی و ناخدا دارد؛ چنان که امام فرمود: «الدنیا بحر عمیق؛(۱) دنیا دریای عمیق و پر تلاطم است» که به کشتی و کشتی بان نیاز دارد. این با کدام منطق و حکمت سازگار است که خداوند، شناوران ناتوان و ناآشنا را در دریای پرخطر به حال خود رها کند؟!

ـ همان گونه که خداوند در کشور تن فرمانروایی به نام عقل قرار داده تا به وسیله آن، چشم و گوش و تمام اعضا از انحراف و خطا حفظ شوند، لازم است برای جامعه نیز امام و فرمانروایی قرار دهد تا مردم دچار تحیر و انحراف و هرج و مرج نشوند و به مقصد برسند.

۶. پرسش: با وجود قرآن و کتاب آسمانی، دیگر چه نیازی به امام است؟

پاسخ: قرآن، کتاب قانون است و قانون به مفسّر و مجری نیاز دارد. در نظام امروز جهان نیز در کنار قوه مقننه، قوه مجریه و قضائیه وجود دارد؛ زیرا قانون به مجری و ضمانت اجرا نیاز دارد. این نیاز در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دست ایشان و پس از ایشان، توسط امامان علیهم السلام برطرف می شد.

۱- کافی، ج ۱، ص ۱۵.

علاوه بر این، جزئیات همه چیز، مثلاً تعداد رکعات نماز یا تعداد شوط های طواف در قرآن ذکر نشده و بسیاری از مطالب جزئی و مقطعی در قرآن نیامده است؛ بلکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام این موارد را برای مردم بیان می کردند. خود قرآن می فرماید: (ما آتاکم الرّسول فخُذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا)؛(۱) «آنچه را پیامبر بیان می کند، بگیرید و آنچه را نهی می کند، رها کنید».

این آیه دلالت دارد که پیروی از سنت نبوی واجب است؛ زیرا پیروی از آن، در حقیقت، پیروی از خداست: (مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللّٰه).(۲) امامت و ولایت نیز پذیرش سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

۷. آفرینش به خاطر اولیای خداست. به خاطر گل است که همه علف ها و آب می خورند. وجود اولیای خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث امنیت است. در احادیث متعددی آمده است که اگر حجت خدا نباشد، زمین به هم می ریزد. حق هم همین است. مثال زدم که اگر بچه درس نخواند، مدیر اصلاً درِ آزمایشگاه و کتابخانه را باز نمی کند.

۸. امام رضا علیه السلام فرمود: «لا إِلَهَ إِلَّا اللّٰه (توحید) دژ خداست». بعد مدتی صبر کرد و بعد از مدتی فرمود: «وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا».(۳) امام رضا علیه السلام می فرماید من از شروط توحید هستم، چون توحید بدون امام ارزش ندارد. شرط توحید، وجود یک رهبر لایق است و آن هم یک رهبر زنده. امام نمی گوید: «الامام من شروطها»، می گوید «وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»، یعنی من که امام زنده ام، شرط توحید هستم. توحید همیشگی است، پس در هر زمان باید یک امام معصوم وجود داشته باشد. الآن هم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شرط توحید هستند.

۱- سوره حشر، آیه ۷.

۲- سوره نساء، آیه ۸۰.

۳- ثواب الأعمال، ص ۶.

۹. درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می خوانیم: «أَیْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاء».(۱) هستی به وجود او زنده است؛ مثل ناخدایی که اگر نباشد، کشتی غرق می شود.

۱۰. اگر معتقد به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نباشیم، در واقع می گوییم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

ـ نعوذ بالله ـ دروغ گفته است. چون در حدیث ثقلین فرموده که قرآن و

اهل بیت علیهم السلام هیچ وقت از هم جدا نمی شوند. اکنون قرآن هست، پس اهل بیت علیهم السلام کجایند؟!

اگر بگوییم از دنیا رفته اند، یعنی این دو از هم جدا شده اند؛ در حالی که پیغمبر خدا می گوید این دو هیچ وقت از هم جدا نمی شوند. یعنی تا هر زمان که قرآن هست، باید یک نفر از اهل بیت هم باشد و او در زمان ما، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶.

سوره نحل

اشاره

ص:۱۴۹

عدم شتابزدگی در طلب ظهور

(أَتی أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا يُشْرِكُونَ)(۱)

«فرمان [قهر] خدا آمد، پس در آن شتاب نکنید. او منزه و برتر از هر چیزی است که برای او شریک می سازند.»

نکته ها:

۱. گرچه مورد آیه، عجله کفار برای نزول قهر خداوند است، اما جمله (أَتی أَمْرُ اللَّه) اختصاصی به فرمان قهر الهی ندارد؛ بلکه شامل همه فرمان های خداوند، همچون فرمان جهاد، فرمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و فرمان برپایی روز قیامت می شود و در همه این موارد، نباید عجله کرد.

۲. امام صادق علیه السلام در معنای این فرمایش خدای تعالی فرمود: «آن امر ما است که خدای عزوجل دستور فرموده است که در آن شتاب نشود تا [این که در وقت آن، خداوند] او را با سه [لشکر] که عبارت اند از فرشتگان، مؤمنان و «هراس انگیزی» پشتیبانی فرماید، و [شرایط و احوال] خروج او همانند خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است».(۲)

۳. فرمان های الهی، قطعی و وقوع قهر او، حتمی است. (أَتی) فعل ماضی است؛ گویا می فرماید عذاب آمده است.

۴. خداوند به وعده های خود عمل می کند. (أَتی أَمْرُ اللَّهِ)

۵. در کار خدا عجله نکنید که کار او حکیمانه است و در وقت مناسب، آن را انجام می دهد. (فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ)

ص:۱۵۰

۱- سوره نحل، آیه ۱.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۴۳.

۶. عبدالرحمن بن کثیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مهزم وارد شد و عرض کرد: «قربانت شوم! به من خبر دهیـد که این امری که در انتظارش هستیم، چه زمانی واقع می شود؟» فرمود: «ای مهزم! وقت گذاران دروغ گفتند و عجله کنندگان هلاک شدند و تسلیم شوندگان نجات یافتند».(۱)

ص:۱۵۱

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

سوره اسرا

اشاره

ص:۱۵۳

تلاوت سوره اسرا و افتخار یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. در روایات به تلاوت این سوره در شب های جمعه سفارش شده و از جمله فوائد آن، درک محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که سوره اسرا (بنی اسرائیل) را هر شب جمعه تلاوت کند، جان نسپارد تا آن گاه که قائم

آل محمد علیهم السلام را دریابد و از یاران او باشد».(۱)

۲. امام باقر علیه السلام در فضیلت نصرت کنندگان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «طُوبَی لِمَنْ أَدْرَکَهُ وَ کَانَ مِنْ أَنْصَارِه؛(۲)خوشا به حال آن کس که او را در می یابد و از یاوران اوست».

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَوْ أَدْرَکْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَیَّامَ حَیَاتِی؛(۳) اگر او (قائم آل محمد علیهم السلام) را درک می کردم، تمام عمر در خدمتش می بودم».

۴. خدایا تو را به آبروی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به حق علمش، اشکش، اخلاصش و پدران معصومش علیهم السلام قسم می دهیم که دل آن حضرت را برای همیشه از ما خشنود کن و ما را از بازوهای آن امام قرار بده.

۱- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۰۷.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۵.

۳- الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۵.

(وَقَضَیْنا إِلی بَنِی إِسْرائِیلَ فِی الْکِتابِ لَتُفْسِدُنَّ فِی الْأَرْضِ مَرَّتَیْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا کَبِیراً* فَإِذا جاءَ وَعْدُ أُولاهُما بَعَثْنا عَلَیْکُمْ عِباداً لَنا أُولِی بَأْسٍ شَدِیدٍ فَجاسُوا خِلالَ الدِّیارِ وَ کانَ وَعْداً مَفْعُولًا* ثُمَّ رَدَدْنا لَکُمُ الْکَرَّهَ عَلَیْهِمْ وَ أَمْدَدْناکُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنِینَ وَ جَعَلْناکُمْ أَکْثَرَ نَفِیرا* إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِکُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَها فَإِذا جاءَ وَعْدُ الْآخِرَهِ لِیَسُوؤُا وُجُوهَکُمْ وَ لِیَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ کَما دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّهٍ وَ لِیُتَبِّرُوا ما عَلَوْا تَتْبِیراً)(۱)

«ما در کتاب (تورات) به بنی اسرائیل اعلام کردیم که قطعاً شما دوبار در زمین فساد می کنید و برتری جوییِ بزرگی خواهید کرد* پس همین که وعده نخستین فتنه فرا رسد، گروهی از بندگان توانمند و جنگجوی خویش را [برای سرکوبی شما] بر می انگیزیم. پس درون خانه ها را جستجو کنند [تا فتنه گران را بیابند و کیفر دهند] و آن، وعده ای قطعی است* سپس جنگ را به سود شما و علیه آنان برگردانیم و شما را با اموال و فرزندان کمک کنیم و نفرات شما را بیشتر قرار دهیم* اگر نیکی کنید به خودتان نیکی کرده اید و اگر بدی کنید [باز هم] به خود بد کرده اید. پس همین که وعده [فسادگری] دوم فرا رسید [جنگجویان نیرومند و مؤمن را برای قلع و قمع شما می فرستیم] تا سیمای [نظامی و عزت دنیوی] شما را زشت نمایند و [برای گرفتن قدرت] به مسجدالاقصی وارد شوند؛ همان گونه که بار اول وارد شدند و تا آنچه را زیر سلطه درآورده اند، به سختی ویران کنند.»

نکته ها:

۱. آنچه در حوادث تاریخی اهمیت داشته و موجب سازندگی می شود، عبرت ها و

۱- سوره اسرا، آیات ۴ الی ۷.

درس های آن است؛ نه جزئیات حوادث. ماجرای تار و مار شدن مستکبران یهود به دست بندگان مؤمن خدا از این جهت بیان شده که بگوید: استکبار و کفر، بی پاسخ نیست و چون همین هدف کلی و تربیتی مقصود بوده است، آیه به ذکر جزئیات درگیری و نفرات و چگونگی سلاحشان نپرداخته است.

۲. سوابق قوم یهود، در تورات هم ثبت شده است. (فِی الْكِتابِ)

۳. فساد، شامل انواع فسادهای جانی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و سیاسی می شود. (لَتُفْسِدُنَّ) به صورت مطلق آمده است.

۴. قرآن، برای آن گروهی که فسادگران بنی اسرائیل را سرکوب می کنند، مصداقی بیان نکرده است. در برخی تفاسیر، آن را به بخت النصر، طالوت، پادشاه روم، هیتلر و... تطبیق داده اند؛ ولی هیچ کدام از آنان، با کلمه مقدس (بَعَثْنا) _ که در قرآن تنها برای قیامت و بعثت انبیا آمده _ و (عِباداً لَنا) _ که قرآن برای افرادی همچون پیامبران به کار می برد _ سازگار نیستند. بنابراین شاید نظر آیه به آینده ای باشد که هنوز نیامده است.

۵. گرچه بعضی تفاسیر، استکبار و فساد یهود و قلع و قمع شدن آنان در دو نوبت را به افرادی در گذشته های دور یا نزدیک نسبت داده اند و مسجدالاقصی نیز در طول عمر چند هزار ساله خود، بارها شاهد حوادث و خاطرات تلخ بوده است، ولی با توجه به آیات و روایات، باید منتظر تجاوز و استکبار اسرائیل در آینده و ریشه کن شدن آنان از سوی بندگان صالح خدا باشیم. چنان که از ظاهر آیه ۵ و ۶ اسرا بر می آید که هنوز چنین فساد گسترده ای در زمین از طرف بنی اسرائیل، و قلع و قمع مهمی توسط مردان خدا انجام نشده است.

۶. روایات متعددی در تفسیر این آیات آمده است. برخی از روایات، نابودی یهودیان متجاوز را قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و توسط انقلابیون مؤمنی دانسته اند که شمشیرهای خود را بر دوش نهاده، تا مرز شهادت پیش می روند و زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شوند. کما این که امام صادق علیه السلام درباره آیه (عِباداً لَنا أُولِی بَأْسٍ شَدِیدٍ فَجاسُوا خِلالَ الدِّیارِ) چنین فرمودهاند و امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر این آیه فرمود: «هو القائم و

أصحابه».(۱)

۷. از سنت های الهی، نابودی مستکبران طغیان گر است. (بَعَثْنا عَلَيْكُم)

۸. تحقق وعده های الهی، به معنای کنار بودن انسان از وظیفه جهاد نیست. (بَعَثْنا عَلَيْكُمْ عِباداً)

۹. فراز و نشیب های تاریخ و نابودی یهود به دنبال بلندپروازی آنان، بر پایه قانون و سنت الهی می باشد. (إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ...)

۱۰. مساجد، پیوسته پایگاه قدرت ادیان و سمبل قدرت بوده اند و آزاد کردن این اماکن مقدس از سلطه کفار، از وظایف مؤمنان است. برای سرکوب یهودیان متجاوز، مردان خدا وارد بیت المقدس می شوند؛ چنان که مسلمانان با فتح مکه وارد مسجدالحرام شدند. (لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ)

۱۱. یهودی ها ابتدا قوم خوبی بودند، لذا خدا راجع به آن ها فرمود: (فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعالَمينَ)(۲) اما بعد فرمود: (وَ باؤُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ)(۳) چرا خدا یک بار می گوید: زنده باد و یک بار می گوید: مرگ بر شما؟! چون افکار و رفتار آن ها به شدت تغییر کرد و

خصلت های آنان را عوض کرد. از جمله آن که:

ــ رفاه طلب شدند. (لن نصبر علی طعام واحد)(۴)

ــ غرق در گناه و نافرمانی شدند؛ به گونه ای که دیگر قابلیت پاکیزگی را ندارند. (لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم)(۵)

ــ در روی زمین فساد کردند. (یسعون فی الارض فسادا)(۶)

۱- نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۳۸.

۲- سوره بقره، آیه ۴۷.

۳- سوره بقره، آیه ۶۱.

۴- سوره بقره، آیه ۶۱.

۵- سوره مائده، آیه ۴۱.

۶- سوره مائده، آیه ۴۱.

ـ حتی به خداوند تهمت زندند و گفتند دست خدا بسته است. (ید اللّه مغلوله)(۱)

ـ کتاب الهی را تحریف کردند. (یحرّفون الکلم عن مواضعه)(۲)

ـ هر کجا وحی طبق میل آن ها نبود، تکبّر ورزیدند. (افکلمّا جاءکم رسول بما لا تهوی انفسکم استکبرتم)(۳)

ـ نسبت به اهل ایمان، بیشترین کینه را داشته و دارند. (اشدّ الناس عداوه للذین آمنوا الیهود)(۴)

ـ بعضی از انبیا را به قتل رساندند و برخی را تکذیب کردند. (لقد اخذنا میثاق بنی اسرائیل و ارسلنا الیهم رسلنا ... فریقاً کذّبوا و فریقاً یقتلون)(۵)

ـ غضب شده خداوند شدند. (فباؤوا بغضب علی غضب)(۶)

ـ گروهی از آنان مورد لعنت حضرت عیسی و حضرت داود علیهما السلام شدند. (لُعِن الّذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان عیسی و داود)(۷)

ـ در مقابل مُنکرات بی تفاوت شدند. (کانُوا لاـ یَتَناهَوْنَ عَنْ مُنکَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ ما کانُوا یَفْعَلُونَ تَری کَثِیراً مِنْهُمْ یَتَوَلَّوْنَ الَّذِینَ کَفَرُوا)(۸)

ـ اهل تلاش و جهاد نبودند. (اِنّا هاهُنا قاعِدُونَ)(۹)

ـ انتظارات و توقعات زیادی داشتند. (وَإِذْ قُلْتُمْ یا مُوسی لَنْ نَصْبِرَ عَلی طَعامٍ واحِدٍ

۱- سوره مائده، آیه ۶۴.

۲- سوره نساء، آیه ۴۶.

۳- سوره بقره، آیه ۸۷.

۴- سوره مائده، آیه ۸۲.

۵- سوره مائده، آیه ۷۰.

۶- سوره بقره، آیه ۹۰.

۷- سوره مائده، آیه ۷۸.

۸- سوره مائده، آیات ۷۹ و ۸۰.

۹- سوره مائده، آیه ۲۴.

فَادْعُ لَنا رَبَّکَ یُخْرِجْ لَنا مِمّا تُنْبِتُ الارْضُ مِنْ بَقْلِها وَ قِثّائِها وَ فُومِها وَ عَدَسِها وَ بَصَلِها قالَ أَ تَسْتَبْدِلُونَ الَّذِی هُوَ أَدْنی بِالَّذِی هُوَ خَیْرٌ)(۱)

ـ تعصب نابجا به خرج می دادند. (وَ قالَتِ الْیَهُودُ لَیْسَتِ النَّصاری عَلی شَیْ ءٍ)(۲)

ـ دنیاگرا شدند. (فَوَیْلٌ لِلَّذِینَ یَکْتُبُونَ الْکِتابَ بِأَیْدِیهِمْ ثُمَّ یَقُولُونَ هذا مِنْ عِنْدِ اللّهِ لِیَشْتَرُوا بِهِ ثَمَناً قَلِیلا)(۳)

ـ پیمان شکنی کردند. (وَ إِذْ أَخَذْنا مِیثاقَ بَنِی إِسْرائِیلَ لا تَعْبُدُونَ إِلا اللّهَ وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً وَ ذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینِ وَ قُولُوا لِلنّاسِ حُسْناً وَ أَقِیمُوا الصَّلاهَ وَ آتُوا الزَّکاهَ ثُمَّ تَوَلَّیْتُمْ إِلا قَلِیلا مِنْکُمْ)(۴)

ـ انحصارطلب شدند. (وَ قالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النّارُ إِلا أَیّاماً مَعْدُودَهً)(۵)

ـ خوی استکباری پیدا کردند. (وَ قَضَیْنا إِلی بَنِی إِسْرائِیلَ فِی الْکِتابِ لَتُفْسِدُنَّ فِی الارْضِ مَرَّتَیْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا کَبِیراً)(۶)

ـ به دنبال اختلاف افکنی بودند. (وَ لَقَدْ آتَیْنا مُوسَی الْکِتابَ فَاخْتُلِفَ فِیهِ)(۷)

ـ برای انجام گناه توجیه می آوردند. (وَ سْئَلْهُمْ عَنِ الْقَرْیَهِ الَّتِی کانَتْ حاضِرَهَ الْبَحْرِ إِذْ یَعْدُونَ فِی السَّبْتِ إِذْ تَأْتِیهِمْ حِیتانُهُمْ یَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعاً وَ یَوْمَ لا یَسْبِتُونَ لا تَأْتِیهِمْ کَذلِکَ نَبْلُوهُمْ بِما کانُوا یَفْسُقُونَ)(۸)

۱- سوره بقره، آیه ۶۱.

۲- سوره بقره، آیه ۱۱۳.

۳- سره بقره، آیه ۷۹.

۴- سوره بقره، آیه ۸۳.

۵- سوره بقره، آیه ۸۰.

۶- سوره اسراء، آیه ۴.

۷- سوره فصلت، آیه ۴۵.

۸- سوره اعراف، آیه ۱۶۳.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام

(وَ لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً)(۱)

«و کسی را که خداوند [قتل او را] حرام کرده است نکشید، مگر به حق. و هر کس مظلوم کشته شود، قطعاً برای ولیّ او تسلط [و اختیار دیه یا قصاص] قرار داده ایم، پس نباید در کشتن [و قصاص] زیاده روی کند؛ چراکه آن [ستم دیده به طور عادلانه] یاری و حمایت شده است.»

نکته ها:

۱. قتل نفس و آدم کشی از گناهان کبیره است. هر کس در غیر موضع حق، کسی را بکشد، گویا همه مردم را کشته است: (مَنْ قَتَلَ نَفْساً بِغَیْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسادٍ فِی الْأَرْضِ فَکَأَنَّما قَتَلَ النَّاسَ جَمِیعاً)(۲) و کیفر چنین کاری، ماندن در دوزخ برای همیشه است: (مَنْ یَقْتُلْ مُؤْمِناً مُتَعَمِّداً فَجَزاؤُهُ جَهَنَّمُ خالِداً فِیها)(۳) این کیفر، برای کسی که اسلحه بکشد و تهدید به قتل کند و به عنوان مفسد و محارب شناخته شود نیز ثابت است.(۴)

۲. در روایات، یکی از مصادیق «ولیّ» در آیه مورد نظر، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده است؛ چراکه انتقام جدّ عزیزش، امام حسین علیه السلام را خواهد گرفت. امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه (وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً...) فرمود: «منظور این آیه، امام حسین علیه السلام می باشد؛ زیرا آن بزرگوار مظلومانه شهید شد و ما امامان خون خواه آن حضرت هستیم. هنگامی که قائم ما

۱- سوره اسراء، آیه ۳۳.

۲- سوره مائده، آیه ۳۲.

۳- سوره نساء، آیه ۹۳.

۴- سوره مائده، آیه ۳۳.

خاندان قیام کند، خون امام حسین علیه السلام را طلب خواهد کرد».(۱)

۳. وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش قیام کنند، شعار انقلابشان این خواهد بود: «یا لثارات الحسین»، یعنی ما آمده ایم انتقام خونی که از امام حسین ریخته شد را بگیریم.(۲)

۴. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف انتقام شهدا را می گیرد. در دعای ندبه می گوییم: «این طالب بدم المقتول بکربلا»،(۳) کجا هستی ای کسی که می آیی و انتقام خون امام حسین علیه السلام را

می گیری؟ حدیث داریم که خداوند می فرماید: «وَ أَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ أَعْدَائِی؛(۴) من توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریفاز دشمنانم انتقام می گیرم».

۵. حمایت خداوند از مظلوم و سپردن حق قصاص به ولیّ دم، هم عامل بازدارنده از آدم کشی است و هم باعث جلوگیری از اسراف در قصاص می شود. (جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً)

۶. قرار دادن حق قصاص، برای حمایت از مظلوم است. (جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً)

۷. در قصاص باید خشم و غضب، مهار، و عدالت مراعات شود: (فَلاـ یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ) اسلام حتی برای انتقام گیری از متجاوزان به جان انسان ها، عدالت را شرط دانسته است.

۸. خداوند در قرآن مجید خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: (وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعالَمین)؛(۵) «ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم».

۹. خداوند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر پیامبران علیهم السلام را برای برخوردار ساختن انسان ها از رحمت خود در دنیا و آخرت مبعوث کرد. اوصیا و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز ادامه دهنده راه آن حضرت هستند.

۱- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰.

۲- الأمالی، صدوق، ص ۱۳۰.

۳- اقبال الاعمال، ص ۲۹۷.

۴- الکافی، ج ۲، ص ۸.

۵- سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

امام دوازدهم، حضرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز جلوه ای از رحمت گسترده پروردگار برای همه انسان ها، به ویژه برای شـیعیان و معتقـدانش است. در زیـارت آل یاسـین ـ که از زیارت های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف می باشد ـ ایشان را «الرحمه الواسعه»(۱)می خوانیم و می گوییم: «سلام بر تو، ای رحمت گسترده پروردگار».

۱۰. در حـدیثی از جـابر، صـحابی پیـامبر عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف، از امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف با عنوان «رحمهٌ للعالمین» یاد شده است.(۲) آن امام، ذخیره خداوند برای آینده جهان و واسطه لطف و رحمت او در زمین است. خود ایشان در نامه ای خطاب به یکی از نمایندگان خاص خود در زمان غیبت صغر ی فرمود: «من موجب امان و آرامش اهل زمین هستم»(۳) و در جای دیگری فرمود: «وَ لَا نَاسِینَ لِذِکْرِکُم؛(۴) ما لحظه ای شما را فراموش نمی کنیم».

آری! امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف جلوه مهر و لطف خداونـد بر اهل زمین است و اگر شمشیرکشـیدن و جنگی نیز وجود خواهد داشت، در برابر ستمگران و مستکبرانی خواهد بود که مانع بارش رحمت الهی بر مردم هستند.

۱۱. شمشیر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای کسانی کشیده خواهد شد که جز منطق زور، چیز دیگری نمی فهمند؛ مثل اسرائیلی های امروز. آیا این صهیونیسم قابل نصیحت است؟! آیا سازمان ملل می تواند مهارش کند؟! آیا آمریکا می تواند کنترلش کنـد؟! اصـلًا چه قـدرتی می تواند اسـرائیل را سـرجایش بنشاند؟ اسـرائیل جز منطق زور چیزی نمی فهمد، وگرنه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سر تا پا مهر است.

۱۲. در روایت آمده است که امام زمان با شمشـیر قیام می کند: «یَخْرُجُ بِالسَّیْف» شمشـیر یا رمز و نماد خاصـی است یا به معنی جنـگ عادلاـنه است؛ چراکه جنـگ بـا غیر شمشـیر، عادلانه نیست. در جنگ های امروز با بمباران، یک شـهر را زیر و رو می کنند و

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۷۱.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷.

۳- الغیبهٔ، طوسی، ص ۲۹۲.

۴- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

آثار بمباران حتی برای نسل های بعد هم می ماند. مثلاً در ژاپن بعد از ۵۰ سال هنوز هم آثار بمباران شیمیایی در مردم هست. نسل چهارم و نسل پنجم چه گناهی کرده اند؟

جنگ حقیقی، جنگ با شمشیر است. این جنگ های مدرن، همه اش وحشی گری است. در این جنگ ها هیچ انسانیتی مطرح نیست. تعجب آور است که چرا اسم این کارها را تمدن گذاشته اند. حقیقتاً که وحشی گری در هیچ زمانی، از زمان ما بیشتر نبوده است. صد رحمت به زمان جاهلیت! در زمان جاهلیت نسل کشی نبود. جنگ واقعی، جنگ تن به تن است. مراد از این که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با شمشیر ظهور می کند، این است که ایشان با عقل و شناخت و انصاف خواهند جنگید.

ص:۱۶۳

محشور شدن با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در قیامت

(یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوتِیَ کِتابَهُ بِیَمِینِهِ فَأُولئِکَ یَقْرَؤُنَ کِتابَهُمْ وَ لا یُظْلَمُونَ فَتِیلًا)(۱)

«روزی که هر گروه از مردم را با پیشوایشان فرا می خوانیم، پس هر کس نامه عملش به دست راستش داده شود، پس آنان نامه خود را [با شادی] می خوانند و کم ترین ستمی بر آنان نمی شود.»

نکته ها:

۱. قرآن از دوگونه پیشوا نام برده است؛ یکی امام نور و هدایت: (أَئِمَّهً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا)(۲)و دیگری امام نار و ضلالت: (أَئِمَّهً یَدْعُونَ إِلَی النَّارِ)(۳) گروه اول از سوی خدا به امامت منصوب شده اند؛ اما گروه دوم، با زور و تهدید و تطمیع و تحقیر، مردم را به اطاعت خود وامی دارند.

۲. ابوبصیر به امام صادق علیه السلام گفت: «أشهد أنک امامی؛ گواهی می دهم که تو امام من هستی». آنگاه امام فرمود: «در قیامت، هر گروهی با امامشان محشور می شوند، خورشید پرستان با خورشید و ماه پرستان با ماه».(۴)

۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره این آیه فرمود: «در روز قیامت هر گروهی به نام امام زمانش و نیز به کتاب خدا و سنت پیامبرشان فرا خوانده

۱- سوره اسراء، آیه ۷۱.

۲- سوره انبیاء، آیه ۷۳.

۳- سوره قصص، آیه ۴۱.

۴- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۳.

می شوند».(۱)

۳. فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی(یوم ندعوا کل اناس بامامهم)پرسیدم. فرمود: «ای فضیل! امام خود را بشناس، زیرا هرگاه امامت را شناختی، تقدم یا تأخر این امر به تو زیان نمی رساند. کسی که امامش را بشناسد و پیش از قیام صاحب الامر بمیرد، مانند کسی است که در لشکر آن حضرت بوده، بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت نشسته است».(۲)

۴. تقسیم بندی مردم در قیامت، بر اساس رهبرانشان خواهد بود. (کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ)

۵. انسان، ناگزیر، الگو و رهبری را برای خود انتخاب می کند. (کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ)

۶. مسلمان نباید در مسائل رهبری، منزوی و بی تفاوت باشد؛ زیرا در قیامت به همراه او محشور می شود.

۷. آثار مسأله انتخاب رهبری و اطاعت از او، تا قیامت ادامه دارد. (نَدْعُوا کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ)

۸. قیامت، نه تنها دادگاه افراد، بلکه محکمه بزرگ امت ها، ملت ها، احزاب، مکتب ها و حکومت ها نیز هست. (نَدْعُوا کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ)

۹. جایگاه امامت و ولایت، در متن زندگی است؛ نه آن که صرفاً موضوعی اعتقادی و در حاشیه باشد. رهبر، زمینه ساز سعادت یا شقاوت مردم است.

ص:۱۶۵

۱- صحیفه الإمام الرضا علیه السلام ، ص ۴۹.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

سوره کهف

اشاره

ص:۱۶۷

تلاوت سوره کهف و رهایی از فتنه های آخرالزمان

۱. در فضیلت سوره کهف و آثار تلاوت آن، احادیث بسیاری وارد شده است؛ از جمله آن که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من قرأ الكهف يوم الجمعه فهو معصوم إلى ستّه أيّام من كلّ فتنه تكون، فإن خرج الدّجّال عصم منه؛(۱) کسی که سوره کهف را در روز جمعه بخواند، تا شش روز از هرگونه فتنه ای دور خواهد بود و اگر دجال خروج کند، از شرّ وی مصونیت خواهد داشت».

۲. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: روزی سر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دامن من بود و آن حضرت به خواب رفت و ما جمعی بودیم که درباره دجال و خطر آن گفتگو می کردیم. ناگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که صورت مبارکش سرخ شده بود، از خواب بیدار شد و فرمود: «إن أخوف ما أخاف على هذه الأمه من الدجال أئمه مضلون و هم رؤساء أهل البدع؛(۲) بدترین چیزی که از دجال بر امتم می ترسم، رهبران گمراهی است که پیشوایان اهل بدعت هستند».

۳. سدیر صیرفی گوید: من و مفضل بن عمر و ابوبصیر و ابان بن تغلب بر مولایمان، امام صادق علیه السلام وارد شدیم و دیدیم که بر خاک نشسته و جبّه خیبریِ طوق دار و بی گریبان و آستین کوتاهی پوشیده و مانند مادر فرزندمرده و جگرسوخته می گرید و اندوه تا وجناتش رسیده، گونه هایش دگرگون شده و دیدگانش پر از اشک است و می گوید:

«ای آقای من! غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده و بستر را بر من تنگ ساخته و

۱- نور الثقلین، ج ۳، ص۲۴۲.

۲- شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۶.

آسایش قلبم را از من سلب نموده است. آقای من! غیبت تو انـدوه مرا به فجایع ابدی پیوند داده و فقدان یکی پس از دیگری، جمع و شمار را نابود کرده است.

من دیگر اشکی را که از دیدگان بر گریبانم روان است و ناله ای را که از مصائب و بلایای گذشته از سینه ام سر می کشد، احساس نمی کنم؛ بلکه تنها چیزی که در برابر دیدگانم مجسم است و از همه گرفتاری ها بزرگ تر، جانگدازتر، سخت تر و ناآشناتر است، ناملایماتی است که با غضب تو در آمیخته و مصائبی است که با خشم تو عجین شده است».

چون امام صادق علیه السلام را در چنین حالی دیدیم، از شدت وله و جزع، عقل از سرمان پرید و به واسطه آن رخداد سهمگین و پدیده وحشتناک، قلوبمان چاک چاک شد و پنداشتیم که مکروهی کوبنده یا مصیبتی از مصائب روزگار بر ایشان نازل شده است. گفتیم: «ای فرزند بهترین خلایق! چشمانت گریان مباد! به واسطه چه حادثه ای اشک از دیدگانتان ریزان است و کدام حالتی است که این ماتم را بر شما واجب کرده است؟» امام صادق علیه السلام نفس عمیقی کشید که بر اثر آن، آه از درونش برآمد و هراسش افزون شد و فرمود:

«وای بر شما! صبح امروز در کتاب جفر می نگریستم و آن کتابی است مشتمل بر علم منایا و بلایا و مصائب عظیمه و علم ماکان و مایکون تا روز قیامت؛ همان کتابی که خدای تعالی آن را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه پس از او اختصاص داده است. در فصولی از آن کتاب، میلاد قائم ما و غیبتش و تأخیر کردن و طول عمرش و بلوای مؤمنان در آن زمان و پیدایش شک و تردید در قلوب آن ها به واسطه طول غیبت و مرتد شدن آن ها از دینشان و برکندن رشته اسلام از گردن هایشان را مشاهده کردم...».(۱)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۲.

اصحاب کهف، الگوی جوانان مهدوی

(نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْکَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَهٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْناهُمْ هُدیً)(۱)

«ما داستان آنان (اصحاب کهف) را به درستی برای تو حکایت می کنیم. آنان

جوان مردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم.»

نکته ها:

۱. داستان اصحاب کهف، مهم و مفید است. به خبر مهم و قابل توجه، «نبأ»

می گویند.

۲. «فِتیه» جمع «فَتی» به معنای جوان مرد است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «فتی به انسان باایمان گفته می شود؛ زیرا خداوند اصحاب کهف را با آن که سالمند بودند، به سبب ایمانشان «فتی» معرفی کرده است».(۲)

۳. در داستان اصحاب کهف، مسائلی چون قدرت و اراده الهی، شجاعت، دل کندن از دنیا، هجرت، تقیّه، امدادهای الهی و تغذیه حلال مطرح است.

۴. اصحاب کهف، افرادی انقلابی، مهاجر و مؤمن بودند؛ چراکه به خدا اعتقاد داشتند و زیر بار شرک نرفتند و هجرت کردند. آن ها وابسته به هیچ کس نبودند و در بندگی خدا اخلاص داشتند.

۵. هنر اصحاب کهف این بود که در جامعه فاسد، هضم نشدند و وقتی دیدند که همه مردم شهر منحرف هستند و امکان یا امید اصلاح آن ها وجود ندارد، گفتند: ما از رفاه و لذت جامعه فاسد می گذریم و غارنشینی را ترجیح می دهیم تا دینمان را حفظ کنیم.

۱- سوره کهف، آیه ۱۳.

۲- الکافی، ج ۸، ص ۳۹۸.

۶. مردم، نسبت به فساد و جامعه فاسد سه دسته اند:

ـ گروهی در فساد جامعه هضم می شوند. این دسته، ایمان کامل ندارند و نمی توانند دین خود را حفظ کنند؛ ولی هجرت هم نمی کنند و زبان حالشان این است: (وکُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخائِضِینَ)؛(۱) «با اهل باطل در سخنان باطل فرو می رفتیم».

ـ گروهی در جامعه فاسد، خود را حفظ می کنند؛ مثل اصحاب کهف: (إِنَّهُمْ فِتْیَهٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ).

ـ گروهی جامعه فاسد را تغییر می دهند و اصلاح می کنند؛ مثل انبیا و اولیا. وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام بت ها را شکست و پرسیدند: چه کسی بت ها را شکسته است؟ پاسخ دادند: (یُقالُ لَهُ إِبْراهیم)؛(۲) «جوانی است که به او ابراهیم گویند».

۷. در روایات آمده است که اصحاب کهف، جزو اصحاب و یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود.(۳)

۸. حرکت و تلاش انسان، سبب رشد و هدایت اوست. (آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْناهُمْ هُدیً)

۹. حتی یک گروه کوچک نیز باید مسئول و رهبر داشته باشد. در میان اصحاب کهف، یک نفر بود که امر و نهی می کرد. (قالَ قائِلٌ ... فَابْعَثُوا...)

۱۰. اصحاب کهف بعد از بیداری از خواب چندصد ساله، به یک دیگر گفتند: یک نفر برود و غذایی که پاکیزه تر است برایمان بیاورد.(۴) فکر نکنیم که اگر خمس و سهم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ندادیم زرنگ هستیم.

۱- سوره مدثر، آیه ۴۵.

۲- سوره انبیاء، آیه ۶۰.

۳- منتخب الاثر، ص ۴۸۵.

۴- (فَابْعَثُواْ أَحَدَکُم بِوَرِقِکُمْ هَاذِهِ إِلیَ الْمَدِینَه فَلْیَنظُرْ أَیهَُّا أَزْکیَ طَعَامًا فَلْیَأْتِکُم بِرِزْقٍ مِّنْه) . سوره کهف، آیه ۱۹.

چشم انداز حکومت مهدوی

(الَّذِینَ إِنْ مَکَّنّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاهَ وَ آتَوُا الزَّکاهَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَ لِلَّهِ عاقِبَهُ الْأُمُورِ)(۱)

«کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و [دیگران را] به خوبی ها دعوت می کنند و از بدی ها باز می دارند؛ و پایان همه امور برای خداست.»

نکته ها:

۱. امام محمدباقر علیه السلام فرمود: «این آیه، متعلق به آل محمد علیهم السلام یعنی دوازده امام و شخص مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران اوست که خداوند آنان را در شرق و غرب جهان جای دهد و دین اسلام را غالب گرداند و هر بدعت و باطلی را به وسیله او و یارانش محو کند؛ همان طور که سفیهان حق را از میان برده باشند و آنچنان عالم در آسایش به سر برد که اثری از ظلم در جایی دیده نشود».(۲)

۲. امر به معروف و نهی از منکر، به قدرت نیاز دارد. (مَکَّنّاهُمْ)

۳. پیروزی مؤمنان، زمینه بندگی و تعاون مالی و فرهنگی را فراهم می کند و غفلت و غرور را از بین می برد. (إِنْ مَکَّنّاهُمْ)

۴. برای مؤمنان، تمام زمین یکسان است. آنان هر کجا که توان بیابند، هدف مقدس خود را پیاده می کنند. (فِی الْأَرْضِ)

۵. رابطه با خدا و دستگیری از محرومان و آگاهی دادن به جامعه و جلوگیری از مفاسد، از هم جدا نیست. (أَقامُوا الصَّلاهَ وَ آتَوُا الزَّکاهَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ ...)

۱- سوره کهف، آیه ۴۱.

۲- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.

۶. اقامه نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف و کارهای قطعی مسئولان حکومت اسلامی است. در این آیه آمده است: (أَقامُوا)، نه «یقیمون».

۷. حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد معنوی افراد تحت حکومت خود هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه. (أَقامُوا الصَّلاهَ وَ آتَوُا الزَّکاهَ...)

۸. جامعه ای تحت حمایت خداوند است که ارزش های محوری اش طبق ارزش های قرآنی باشد.

۹. امر و نهی افراد، زمانی در جامعه مؤثر خواهد بود که هرکس ابتدا به وظایف فردی خود عمل کند. (أَقامُوا الصَّلاهَ ... أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ)

۱۰. اقامه نماز، به قدرت و امکانات نیاز دارد. (إِنْ مَکَّنّاهُمْ ... أَقامُوا الصَّلاهَ)

۱۱. زکات، همتای ناگسستنی نماز است.(۱) (أَقامُوا الصَّلاهَ وَ آتَوُا الزَّکاهَ)

۱۲. باید بدانیم که حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، استمرار حکومت علوی و با همان خصوصیات و اهداف است. این ویژگی ها و اهداف عبارت اند از:

ـ عدالت. مشخصه حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است: «یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً».(۲) هدف همه انبیا اجرای عدالت بوده است.

ـ امنیت. در زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یک زن از منطقه ای به منطقه ای دوردست می رود، بدون آن که دغدغه و دلهره ای داشته باشد.

ـ رشد عقلانی در روایات آمده است: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ یَدَهُ عَلَی رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ کَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ»(۳) وقتی امام بیاید، دستی روی سر مردم می کشد و مردم رشد عقلی پیدا می کنند.

ـ اقامه نماز. در همین آیه آمده است: (الّذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوه).

۱- در ۲۸ آیه قرآن، زکات در کنار نماز آمده است.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۴۱.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

ـ احیای زکات. در ادامه آیه آمده است: (وَ آتَوُا الزَّکاهَ) طبق روایات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مانع الزکات را می کشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «...و مانع الزکاه یضرب رقبته».(۱)

ـ امر به معروف و نهی از منکر. در همین آیه آمده است: (وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ)

ـ احیای فرهنگ قرآن. اولین اقدام حضرت پس از استقرار حکومت، تشکیل کلاس قرآن است: «السلام علیك یا تالی کتاب الله و ترجمانه».(۲)

ـ آبادی شهرها و روستاها. امام باقر علیه السلام درباره عصر ظهور فرمود: «لا یبقی فی الارض خراب إلا قد عمر».(۳)

ـ شکوفایی علم و دانش. طبق سخنی از امام صادق علیه السلام، علم ۲۷ حرف دارد و ۲۵ حرف آن در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کشف خواهد شد.(۴)

ـ محو فقر. مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است: «هنگامی که قائم ما قیام کند... زمین گنج های خود را ظاهر می سازد و مردم آن ها را به روی زمین مشاهده می کنند. آنان از هم می پرسند که افراد فقیر و مستحق کجا هستند تا زکات و صدقات خود را به آنان برسانند؛ زیرا در زمان او، مردم همگی غنی می شوند و مستحقی برای صدقات پیدا نمی شود».(۵)

ـ شایسته سالاری در عزل و نصب. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت عملی به این سفارش حضرت علی علیه السلام عمل خواهد نمود که فرمود: «کارمندانت را از میان اهل پرهیزگاری و دانش و سیاست برگزین و از بین آنان نیز مردم آزموده و باحیا که از خاندان های صالح و سابقه دار هستند را مدنظر قرار بده که اینان اخلاقی بزرگوارانه تر و آبرومند تر و آزمندی

۱- کمال الدین و تمام النعمهٔ، ج ۲، ص ۶۷۱.

۲- الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲.

۳- کمال الدین و تمام النعمهٔ، ج ۱، ص ۳۳۰.

۴- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۵- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۴.

هایی کم تر و عاقبت نگری های بیش تر از دیگران دارند».(۱)

ـ سازش ناپذیری. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «إِنَّهُ لَمْ یَکُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِی إِلَّا وَ قَدْ وَقَعَتْ فِی عُنُقِهِ بَیْعَةٌ لِطَاغِیَةِ زَمَانِهِ وَ إِنِّی أَخْرُجُ حِینَ أَخْرُجُ وَ لَا بَیْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِیتِ فِی عُنُقِی؛(۲) بر گردن همه پدرانم بیعت سرکشان زمانه بود، اما من وقتی خروج نمایم، بیعت هیچ سرکشی بر گردنم نخواهد بود».

ـ انتقادپذیری. آن امام همچون پدر بزرگوارش حضرت علی علیه السلام است که فرمود: «لا تُکَلِّمُونِی بِمَا تُکَلَّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةُ؛(۳) با من بدان گونه که با زورگویان سخن می گویید، صحبت نکنید». ایشان انتقاد منتقدان را خواهد شنید.

ـ حق محوری. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی است که بر مبنای حق، حکومت خواهد نمود و حتی در زمان تولد، این آیه بر بازوانش بسته شده بود: (جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ کانَ زَهُوقاً)؛(۴) «حق آمد و باطل رفت، همانا باطل رفتنی است».

ـ مهربانی با مردم و سخت گیری بر کارگزاران. در وصف سیره حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است که ایشان با مردم، مهربان و با کارگزارانش، سخت گیر خواهد بود.(۵)

خلاصه آن که حفظ دین از بدعت ها و شبهات و اقامه حدود و همه آنچه که یک حکومت الهی باید داشته باشد، در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در حد کمال وجود خواهد داشت.

۱- تحف العقول، ص ۱۳۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۴- سوره اسراء، آیه ۸۱.

۵- بشاره المصطفی لشیعه المرتضی علیه السلام ، ج ۲، ص۲۰۷.

سوره انبياء

اشاره

ص:۱۷۷

حتمی بودن حکومت جهانی مهدوی

(وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ)(۱)

«و همانا در [کتاب آسمانیِ] زبور [که] بعد از ذکر [یعنی تورات، نازل شده] نوشتیم که قطعاً بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد».

نکته ها:

۱. کلمه «زبور» در لغت عرب به معنای هر نوع نوشته و کتاب است؛ چنانکه در قرآن نیز آمده است: (وَ کُلُّ شَیْ ءٍ فَعَلُوهُ فِی الزُّبُرِ)(۲) ولی در آیه (وَ آتَیْنا داوُدَ زَبُوراً)(۳) به قرینه نام حضرت داود علیه السلام به نظر می رسد که مراد، کتاب اختصاصی آن حضرت است که در برگیرنده مجموعه مناجات ها، نیایش ها و اندرزهای ایشان بوده و پس از تورات نازل شده است.

مراد از «ذکر» در این آیه نیز تورات می باشد؛ چنان که در آیه ۴۸ همین سوره تصریح شده که تورات، ذکر است.(۴)

بعضی گفته اند که منظور از «زبور» در این آیه، تمام کتب آسمانی، مراد از «ذکر»، قرآن مجید، و کلمه «مِنْ بَعْدِ» نیز به معنای «علاوه بر» است، که در این صورت معنای آیه چنین می شود: «ما علاوه بر قرآن، در تمام کتب آسمانی نوشتیم که وارثان زمین، قطعاً بندگان صالح من خواهند بود».

از امام صادق علیه السلام درباره زبور و ذکر سؤال شد. آن حضرت فرمودند: «ذکر نزد خداوند

۱- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲- سوره قمر، آیه ۵۲.

۳- سوره نساء، آیه ۶۳ و سوره اسراء، آیه ۵۵.

۴- (وَ لَقَدْ ءَاتَیْنَا مُوسیَ وَ هَرُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِیَاءً وَ ذِکْرًا لِّلْمُتَّقِین) .

است و زبور، کتاب نازل شده بر داود علیه السلام است و همه کتاب های نازل شده، نزد اهل علم است و آنان ما (اهل بیت) هستیم».(۱)

۲. در پنج مورد از مطالب زبور (مزامیر) حضرت داود علیه السلام _ که امروزه جزو کتب عهد قدیم به شمار می رود _ شبیه این تعبیر آمده است: «مردان صالح، وارث زمین خواهند شد».

۳. همه دین ها معتقدند که نجات دهنده ای خواهد آمد؛ لذا در زیارات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را این گونه خطاب قرار می دهیم: «السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَم»؛(۲) یعنی سلام بر تو، ای امامی که همه امت ها منتظرت هستند، نه فقط مسلمان ها!

۴. در روایات متعدد آمده است که آن بندگان صالحی که وارث زمین خواهند شد، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش هستند.(۳)

۵. یکی از سنت الهی آن است که بندگان صالح، حاکم و وارث جهان باشند. (كَتَبْنا)

۶. دین از سیاست جدا نیست. (يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُونَ)

۷. به ارث بردن زمین و حکومت بر جهان، دو شرط دارد؛ بندگی خداوند و انجام اعمال صالح. (عِبادِيَ الصَّالِحُونَ)

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱.

۳- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷.

سوره حج

اشاره

ص:۱۸۱

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، امنیت بخش زمینیان

(أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَکُمْ ما فِی الْأَرْضِ وَ الْفُلْکَ تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ یُمْسِکُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ)(۱)

«آیا ندیدی که خداوند، آنچه را در زمین است و نیز کشتی هایی که به امر او در دریا می روند را برای شما رام کرده است و آسمان را نگاه داشته تا جز به فرمان او به زمین نیفتد؟ همانا خداوند نسبت به مردم، رأفت و رحمت دارد.»

نکته ها:

۱. مراد از تسخیر موجودات برای انسان، آن است که همه آن ها در مسیر کام گیری و منافع بشر قرار داده شده اند؛ مثلاً خورشید مسخّر ماست، یعنی از او بهره مند می شویم.

۲. تسخیر جهان هستی، به اراده خداست. (أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَکُمْ)

۳. انسان شریف ترین مخلوق خداوند است و می تواند بر زمین و پدیده های آن غالب شود. (سَخَّرَ لَکُمْ)

۴. سیر طبیعت، در مسیر اراده خداوند است. (تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ)

۵. قوانین طبیعی، مانع اراده الهی نیست. (إِلَّا بِإِذْنِهِ)

۶. وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عامل امنیت اهل زمین است. خود ایشان فرمود: «إِنِّی أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ کَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛(۲)من امان و مایه امنیت اهل زمین ام؛

همان گونه که ستارگان امنیت بخش اهل آسمان هستند».

۷. امام سجاد علیه السلام فرمود: «نَحْنُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ کَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ نَحْنُ الَّذِینَ بِنَا (یُمْسِکُ اللَّهُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ) وَ بِنَا یُمْسِکُ الْأَرْضَ أَنْ

۱- سوره حج، آیه ۶۵.

۲- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۵۳.

تَمِیدَ بِأَهْلِهَا وَ بِنَا یُنَزِّلُ الْغَیْثَ وَ تُنْشَرُ الرَّحْمَهُ وَ تَخْرُجُ بَرَکَاتُ الْأَرْضِ وَ لَوْ لَا مَا فِی الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛(۱) ما امان اهل زمین هستیم، هم چنان که ستارگان امان اهل آسمان اند. و ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما آسمان را نگاه داشته تا بر زمین نیفتد، مگر به اذن او و به خاطر ما زمین را نگاه داشته است که اهلش را نلرزاند. به سبب ما باران را فرو فرستد و رحمت را منتشر کند و برکات زمین را خارج سازد و اگر ما بر روی زمین نبودیم، زمین اهلش را فرو می برد».

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۷.

سوره نور

اشاره

ص:۱۸۵

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نور الهی

(اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ فِي زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُها يُضِي ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ يَهْدِى اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَلِيمٌ)(۱)

«خداوند، نور آسمان ها وزمین است. مَثَل نور او همچون چراغ دانی است که در آن چراغی [پر فروغ] باشد، آن چراغ در میان حبابی شیشه ای، و آن شیشه همچون ستاره ای تابان و درخشان باشد. چراغ از روغن درخت پربرکتِ زیتون بر افروخته شده که نه شرقی است و نه غربی. [روغنش به قدری صاف و شفاف است] که بدون تماس آتش، نزدیک است [شعله ور شود و] روشنی دهد. نوری است بر فراز نور دیگر. هر کس را خداوند بخواهد به نور خویش هدایت می کند، و خداوند برای مردم مَثَل ها می زند و خداوند به هر چیزی آگاه است.»

نکته ها:

۱. در فرهنگ اسلام، برخی از اشیا و انسان ها به عنوان «نور» معرفی

شده اند؛ مثل قرآن، علم، عقل، ایمان، هدایت، اسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام.

۲. حضرت علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: «مشکات، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، مصباح، وصی او (علی علیه السلام) و جانشینان پس از او (ائمه علیهم السلام)، زجاجه، فاطمه علیها السلام، شجره مبارکه، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و کوکب درّی، قائم منتظری است که زمین را پر از عدل می کند».(۲)

۱- سوره نور، آیه ۳۵.

۲- إثبات الهداه، ج ۲، ص ۱۵۰.

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «همانا خدای عزّوجلّ در آن شب (معراج) که به گردشی شبانه برده شدم، به من وحی فرمود: «ای محمد! چه کسی از میان امت را به جای خود گذاشتی؟» خدا خود بدان آگاه تر بود، اما عرض کردم: «پروردگارا! برادرم را». فرمود: «ای محمد! علی بن ابی طالب را؟» عرض کردم: «بله، ای خدای من!»

فرمود: «ای محمد! من ابتدا از مقام ربوبیت نظری بر زمین افکندم و تو را از میان مردم اختیار کردم؛ هیچ گاه یادی از من نمی شود، مگر این که تو نیز با من یاد شوی. من خود، محمودم و تو محمد. سپس نظری دیگر بر زمین افکندم و از آن میان، علی بن ابی طالب را برگزیدم و او را وصی تو قرار دادم. پس تو سرور پیامبران، و علی سرور جانشینان است. سپس از اسمای خویش، نامی مشتق ساختم و بر او نهادم. «اعلی» از نام های من است و «علی» نام اوست.

ای محمد! من علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان علیهم السلام را از یک نور آفریدم، سپس ولایت ایشان را بر فرشتگان عرضه داشتم. هرکه آنان را پذیرفت، از مقرّبین گردید و هرکه آن را رد کرد به کافران پیوست. ای محمد! اگر بنده ای از بندگانم مرا چنان پرستش کند که رشته حیاتش از هم بگسلد، اما در حالی که منکر ولایت آنان است با من روبرو شود، او را در آتش دوزخ خواهم افکند. ای محمد! آیا مایلی آنان را ببینی؟»

عرض کردم: «آری!» فرمود: «قدمی پیش گذار». من قدمی جلو نهادم. ناگاه دیدم علی بن ابی طالب و حسن و حسین و علی بن حسین و محمدبن علی و جعفربن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمدبن علی و علی بن محمد و حسن بن علی علیهم السلام آن جا بودند و حجت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند ستاره ای درخشان در میان آنان بود.

عرض کردم: «پروردگار من! اینان چه کسانی اند؟» فرمود: «اینان امامان هستند و این نیز قائم است که حلال کننده حلال من و حرام دارنده حرام من است و از دشمنان من انتقام خواهد گرفت. ای محمد! او را دوست بدار که من او را دوست می دارم و هرکس را که او را دوست بدارد نیز دوست می دارم».(۱)

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۹۳.

۴. (اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ) یعنی خداوند هدایت کننده آسمان و زمین است. چون هدایت آفرینش، در آیات دیگر نیز آمده است: (أَعْطی کُلَّ شَیْ ءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدی)(۱) عبارت (نُورٌ عَلی نُورٍ) نیز به معنای هدایت های دائمی و پی درپی است. خداوند در پایان آیه نیز می فرماید: (یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ)

۵. در این آیه، خداوند به نور تشبیه شده است. با مطالعه ای اجمالی، روشن می شود که نور دارای خواص و ویژگی های زیر است:

ـ نور، لطیف ترین موجود در جهان ماده و سرچشمه زیبایی ها و لطافت هاست.

ـ نور، وسیله تبیین اجسام و مشاهده موجودات است و بدون آن چیزی را نمی توان دید. بنابراین هم «ظاهر» است و هم «مُظهِر». (ظاهر کننده غیر)

ـ نور آفتاب ـ که مهم ترین نور در دنیای ماست ـ پرورش دهنده گل ها و گیاهان و بلکه رمز بقای همه موجودات زنده است.

ـ تمام انرژی های موجود در محیط (به جز انرژی اتمی) همه از نور آفتاب سرچشمه می گیرند؛ حرکت بادها، ریزش باران، جریان نهرها و آبشارها و بالاخره، حرکت همه موجودات زنده، با کمی دقت، به نور آفتاب منتهی می شود. سرچشمه گرما و حرارت نیز همان نور آفتاب است. حتی گرمی آتش که از چوب درختان یا ذغال سنگ یا نفت و مشتقات آن به دست می آید نیز از گرمی آفتاب است.

ـ نور آفتاب نابود کننده انواع میکروب ها و موجودات موذی است و اگر تابش این نور پربرکت نبود، کره زمین، تبدیل به بیمارستان بزرگی می شد که همه ساکنانش با مرگ دست به گریبان بودند.

خلاصه هرچه در این پدیده عجیب عالم، یعنی نور، می نگریم و دقیق تر می شویم، آثار گران بها و برکات عظیم آن آشکارتر می شود. اما عجیب این جاست که بشری که با این همه پیشرفت علمی از شناخت حقیقت نور ـ که یک امر مادی است ـ عاجز مانده، در پی شناخت ذات و حقیقت خداست و چه بسا این نیز یکی از وجوه تشبیه خدا به نور باشد.

۱- سوره طه، آیه ۵۰.

حال اگر بخواهیم برای ذات پاک خدا تشبیه و تمثیلی از موجودات حسی انتخاب کنیم _ گرچه مقام باعظمت او از هر شبیه و نظیری برتر است _ آیا جز از واژه «نور» می توان استفاده کرد؟ خداوند پدیدآورنده تمام هستی است، روشنی بخش عالم است، همه موجودات به برکت او زنده اند، همه مخلوقات بر سر خوان نعمت او هستند و اگر لحظه ای لطف خود را از آن ها باز گیرد، همگی در ظلمت فنا و نیستی فرو می روند. جالب این که هرچیز به هر اندازه که با او نسبت دارد، به همان اندازه نورانیت کسب می کند:

قرآن نور است، چون کلام اوست؛

اسلام نور است، چون آئین اوست؛

پیامبران نورند، چون فرستادگان اویند؛

امامان انوار الهی هستند، چون حافظان آئین او بعد از پیامبران اند؛

ایمان نور است، چون رمز پیوند با خداست؛

علم نور است، چون سبب آشنایی با خداست و... .

گرچه خداوند نور آسمان ها و زمین و مایه خلقت و هدایت همه هستی است، اما جایگاه او در دل های پاک و شفاف مؤمنان است که با نور ایمان برافروخته می گردد و هرچه خلوص ایمان بیشتر باشد، تلألؤ بیشتری می یابد. (یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ)

ص:۱۸۹

غدیر و مهدویت

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَما اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِي لا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ)(۱)

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد؛ همان گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیت را جایگزین کند، تا [تنها] مرا بپرستند و چیزی را برای من شریک نگیرند، و هر کس بعد از این کفر ورزد، پس آنان همان فاسقان اند.»

نکته ها:

۱. در روایات بسیاری از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام می خوانیم که مصداق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و خداوند وعده داده است که در آن روز، اهل ایمان بر جهان حکومت کنند.(۲)

۲. در قرآن، بارها به حکومت نهایی صالحان تصریح شده است؛ از جمله آن که سه مرتبه فرمود: (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)؛(۳) «اسلام بر همه ادیان پیروز خواهد شد» و نیز در جای دیگری فرمود: (أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُونَ)؛(۴) «بندگان صالح من وارث

ص:۱۹۰

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

۲- رک: نورالثقلین، ذیل آیه شریفه.

۳- سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹.

۴- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

زمین خواهند شد» و در جای دیگر می خوانیم: (وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ).

۳. اسلام، دین آینده جهان است. آینده تاریخ به سود مؤمنان و با شکست سلطه کافران رقم خواهد خورد. (وَعَدَ اللَّهُ ... لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ)

۴. به مؤمنان امید دهید تا فشار و سختی ها، آن ها را مأیوس نکند. (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا)

۵. کلید و رمز لیاقت یافتن برای به دست گرفتن حکومت گسترده حق، ایمان و عمل صالح است. (الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ)

۶. دین از سیاست جدا نیست؛ بلکه سیاست و حکومت برای حفظ دین است. (لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ ... یَعْبُدُونَنِی)

۷. برای باور کردن مردم، بیان نمونه هایی از تحقق وعده های الهی در تاریخ گذشته مفید است. (کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ)

۸. پیروزی نهایی اهل حق، یک سنت الهی است. (کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ)

۹. هدف از حکومت اهل ایمان، استقرار دین الهی در زمین و رسیدن به توحید و امنیت کامل است. (لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ... لَیُبَدِّلَنَّهُم... لا یُشْرِکُونَ)

۱۰. دست خدا را در تحولات تاریخ ببینیم.(وَعَدَ اللَّهُ ... لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ... لَیُبَدِّلَنَّهُمْ)

۱۱. دین اسلام، تنها دین مورد رضایت الهی است. (دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ)

۱۲. امنیت واقعی در سایه حکومت دین است. (وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً)

۱۳. امنیت در جامعه اسلامی، شرایط مناسبی را برای عبادت فراهم می سازد. (أَمْناً یَعْبُدُونَنِی)

۱۴. هدف نهایی وعده های الهی، عبادت خالصانه خداوند است. (یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً)

۱۵. عبادت خدا، زمانی کامل است که هیچ گونه شرکی در کنار آن نباشد. (یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِکُونَ)

۱۶. در زمان حکومت صالحان نیز گروهی انحراف خواهند داشت. (وَ مَنْ کَفَرَ بَعْدَ

ذٰلِكَ)(۱)

۱۷. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مسیر برگشت از آخرین سفر حج خود، در منطقه غدیرخم به فرمان خداوند حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود اعلام کرد. در آن روز (هجدهم ذی الحجه) این آیه نازل شد: (رَضِیتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ دِیناً)؛(۲)«امروز من اسلام را به عنوان دین کامل برای شما پسندیدم». در این آیه نیز خداوند پیروزی آن دینی را که پسندیده، وعده داده است: (دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ) بنابراین اسلامی که جهان را خواهد گرفت، اسلام غدیرخم است.

۱۸. امت بی امام، کشتی بی ناخداست؛ شب بی چراغ است. اگر رهبری الهی نباشد، استعدادها شکوفا نمی شود. در کنار پیشرفت امروز دنیا، فساد و جنایات نیز پیشرفت کرده است؛ یعنی بال علم و تکنولوژی حرکت می کند، ولی بال معنویت شکسته است و این است سیمای انسان بدون رهبری الهی در جهان.

خیلی تعجب است از کسانی که می گویند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت و کسی را تعیین نکرد! مگر در تاریخ نمی خوانیم که هرگاه قبیله ای مسلمان می شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فوراً برای آنان حاکم تعیین می فرمود؟ یا هرگاه لشگری اعزام می کرد، برای آنان فرمانده تعیین می کرد؟ یا همین که به مدینه هجرت نمود، در مکه برای خود جانشینی گمارد؟

۱۹. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه غدیر به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز تصریح کرده و فرمودند: «معاشر الناس! أنا نبی و علی وصیی، ألا إن خاتمه الأئمه منا القائم المهدی؛(۳) ای مردم! من پیامبرم و علی علیه السلام وصی من است. آگاه باشید که خاتم امامان، قائم و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از خاندان ماست».

غدیر، تداوم خط رسالت تا روز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحقق وعده های مکرر خداوند برای جهانی شدن اسلام است. غدیر یعنی بیعت با امامی که حکومت او، وسیله ای

۱- سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

۲- سوره مائده، آیه ۳.

۳- إثبات الهداه، ج ۲، ص ۲۲۰.

برای برقراری عدالت اجتماعی است.

غـدیر یـک روز نیست؛ یک تاریـخ است، یک نوع عقیـده و فکر است و ضامن اجرای احکام خـداست. غـدیر، افشانـدن بـذر ولایت در دل امت و نشان دادن خورشـید است. غدیر، گذاشـتن دست انسان در دست ولیّ خدا و امام معصوم و بیمه شدن در برابر

طاغوت هاست.

غـدیر تداوم رسالت است. همان گونه که انسان نیاز به پیامبر دارد و پیامبر را خدا تعیین می کند، بعد از پیامبر نیز انسان به امام نیاز دارد و امام را نیز خـدا تعیین می کند. زیرا انسان همان انسان است و نیاز به رهبری الهی در همه زمان ها و مکان ها وجود دارد.

۲۰. خداوند در غدیرخم فرمود: (وَ رَضیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دیناً)؛(۱) «امروز راضی هستم که اسلام، دین شما باشد». در غدیرخم، نعمت، تمام و علی علیه السـلام به رهبری منصوب شد. در این آیه هم درباره حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: (وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ)(۲) یک بار در غدیر فرمود: (رَضیتُ) و این جا می فرماید: (ارْتَضی) ریشه لغوی این دو کلمه، یکی است و این معنـا را می رسانـد که دین غـدیر و دین زمـان حکومت حضـرت مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشریف مورد رضایت خداوند است.

۱- سوره مائده، آیه ۳.

۲- سوره نور، آیه ۵۵.

سوره نمل

اشاره

ص:۱۹۵

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مضطرّ حقیقی

(أَمَّنْ یُجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ یَکْشِفُ السُّوءَ وَ یَجْعَلُکُمْ خُلَفاءَ الْأَرْضِ أَإِلهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِیلًا ما تَذَکَّرُونَ)(۱)

«کیست که هرگاه درمانده ای او را بخواند، اجابت نماید و بدی و ناخوشی را برطرف کند و شما را جانشینان [خود در] زمین قرار دهد؟ آیا با خداوند معبودی است؟ چه کم پند می پذیرید.»

نکته ها:

۱. در روایات و تفاسیر، مطلبی ندیدم که ثابت کند تلاوت این آیه در استجابت دعا نقشی داشته باشد؛ لکن مردم به خاطر محتوای آیه، آن را تبرّکاً می خوانند و مانعی هم ندارد. مناجات با خدای سبحان و راز و نیاز با او، کاری پسندیده و لازم است. دعا به درگاه خدا برای حل مشکلات، خصوصاً در هنگام درماندگی، برای همگان ضروری است.

۲. از راه های شناخت خدا و یکتایی او، توجه به یک قدرت نجات بخش و بریدن از قدرت ها و وسایل دیگر در هنگام اضطرار است. (أَمَّنْ یُجِیبُ)

۳. شرط استجابت دعا، قطع امید از دیگران و اخلاص در دعاست. (یُجِیبُ الْمُضْطَرَّ)

۴. اگر کسی در سکوت از خداوند حاجتی بخواهد، خداوند از خواسته اش باخبر خواهد بود، ولی او دوست دارد که بندگانش حاجت خود را به زبان آورند. (إِذا دَعاهُ)

۵. در روایات می خوانیم که نمونه مضطرّ واقعی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. از حضرت امام صادق علیه السلام در مورد این آیه روایت شده است: «نَزَلَتْ فِی الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، هُوَ وَ اللَّهِ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّی فِی الْمَقَامِ رَکْعَتَیْنِ وَ دَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ وَ یَکْشِفُ السُّوءَ وَ یَجْعَلُهُ خَلِیفَةً فِی

۱- سوره نمل، آیه ۶۲.

الْأَرْض؛(۱) این آیه درباره قائم آل محمـد عجل الله تعالی فرجه الشـریف نازل شده است. به خدا قسم، مضـطر اوست که وقتی دو رکعت نماز در مقام حضـرت ابراهیم علیه السـلام بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز او را اجابت کند و گرفتاری او را برطرف سازد و وی را در زمین خلیفه خود گرداند».

بدترین (السُّوءَ) هم سـلطه کفار است که در زمان آن حضـرت برطرف می شود و نمونه (یَجْعَلُکُمْ خُلَفاءَ) نیز حکومت صالحان در آن زمان خواهد بود.

۶. اجابت مضـطرّ، کاری الهی است، ولی سنت های الهی را تغییر نمی دهد. مثلاً یکی از سنت های خداوند آن است که مردم به نحوی بایـد از دنیـا برونـد. از سویی، همه انسـان ها در لحظه احتضار، مضـطرّ می شونـد. پس اگر خداونـد بخواهـد به همه، جواب مثبت دهد، باید قانون مرگ را لغو کند!

ص:۱۹۷

۱- نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۴.

سوره قصص

اشاره

ص:۱۹۹

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و پایان مظلومیت اهل بیت علیهم السلام

(وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِى الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ)(۱)

«و ما اراده کرده ایم بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان [روی زمین] قرار دهیم.»

نکته ها:

۱. کلمه «منت» در این جا به معنای نعمت بزرگ و باارزش است؛ نه منت زبانی به معنی بازگو کردن نعمت به قصد تحقیر دیگران، که مسلماً کار زشت و ناپسندی است.

۲. شکی نیست که هرگاه اراده الهی بر تحقق امری تعلق گیرد، آن مسأله قطعاً عملی خواهد شد و هیچ مانعی نمی تواند سد راه آن شود. قرآن می فرماید: (إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ)؛(۲)«همانا فرمان اوست که هرگاه چیزی را اراده کند که باشد، پس آن چیز خواهد بود و محقق خواهد شد».

۳. با این که همه نعمت ها از جانب خداوند است و بندگان در هر نعمتی رهین منت او هستند، لیکن او در خصوص چند نعمت، تعبیر به منت فرموده که طبعاً از اهمیت بالای آن ها حکایت دارد؛ از جمله:

_ نعمت اسلام: (كَذلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ)(۳)

_ نعمت نبوت: (لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا)(۴)

۱- سوره قصص، آیه ۵۵.

۲- سوره یس، آیه ۸۲.

۳- سوره نساء، آیه ۹۴.

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

ـ نعمت هدایت: (بَلِ اللَّهُ یَمُنُّ عَلَیْکَمْ أَنْ هَداکُمْ)(۱)

ـ نعمت حاکمیت مؤمنان: (وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ)(۲)

۴. مسأله حاکمیت مستضعفان بر زمین، با عبارات و بیان های مختلفی در قرآن آمده است:

ـ (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ)؛(۳) «خداوند به کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده اند، وعده خلافت در زمین را داده است.»

ـ (وَ لَقَدْ أَهْلَکْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَمَّا ظَلَمُوا ... ثُمَّ جَعَلْناکُمْ خَلائِفَ فِی الْأَرْضِ)؛(۴) «بعد از آن که اقوام ستمگر پیشین را هلاک کردیم ... شما را جانشینان زمین قرار دادیم.»

ـ (أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ)؛(۵) «بندگان صالح، وارث زمین می شوند.»

ـ (وَ أَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِینَ کانُوا یُسْتَضْعَفُونَ مَشارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغارِبَهَا)؛(۶)«ما مستضعفان را وارث شرق و غرب زمین گرداندیم.»

ـ (لَنُهْلِکَنَّ الظَّالِمِینَ* وَ لَنُسْکِنَنَّکُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ)؛(۷) «ما ستمگران را نابود، و بعد از آن، شما را ساکن زمین می گردانیم.»

۵. مراد از مستضعفان در این آیه ـ با توجه به مجهول بودن فعل (اسْتُضْعِفُوا)ـ کسانی هستند که خود در این امر نقش نداشته اند و استکبار، آن ها را به استضعاف کشانده است.

۶. مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نظری به علی

۱- سوره حجرات، آیه ۱۷.

۲- سوره قصص، آیه ۵۵.

۳- سوره نور، آیه ۵۵.

۴- سوره یونس، آیات ۱۳ و ۱۴.

۵- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۶- سوره اعراف، آیه ۱۳۷.

۷- سوره ابراهیم، آیات ۱۳ و ۱۴.

و حسن و حسین علیهم السلام افکند، گریست و فرمود: شما مستضعفان بعد از وفات من هستید». من سؤال کردم: «یابن رسول الله! معنی آن چیست؟» فرمود: «یعنی شما امامان بعد از من هستید، چون خداوند می فرماید: (وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ) و این آیه تا روز قیامت بر ما جاری است».(۱)

۷. در روایات بسیار، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت آن بزرگوار در آخرالزمان، مصداق اتمّ این آیه معرفی شده است. حضرت علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: «هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ یَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِیَّهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَیُعِزُّهُمْ وَ یُذِلُّ عَدُوَّهُم؛(۲) اینان که در زمین ضعیف گشته اند، آل پیغمبرند که خداوند مهدی آن ها را برمی انگیزد تا آنان را عزیز و دشمنانشان را ذلیل گرداند».

۸. حکومت جهانی مستضعفان و حمایت از مظلومان تاریخ، اراده و خواست الهی است. (نُرِیدُ)

۹. در حکومت خودکامه طاغوتی، نیروهای کارآمد به ضعف کشانده می شوند. (اسْتُضْعِفُوا)

۱۰. آینده از آنِ مستضعفان است. (نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً)

۱۱. امامت، همچون بعثت، نعمت ویژه ای است که خداوند بر مردم منت می نهد. قرآن در مورد بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: (لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ إِذْ بَعَثَ فِیهِمْ رَسُولًا)(۳) در این جا هم می فرماید: (نَمُنَّ ... نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّه).

۱- معانی الأخبار، ص ۷۹.

۲- الغیبه، طوسی، ص ۱۸۴.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

سوره نوح

اشاره

ص:۲۰۳

مسأله طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا نُوحاً إِلى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فیهِمْ أَلْفَ سَنَهٍ إِلاَّ خَمْسینَ عاماً فَأَخَذَهُمُ الطُّوفانُ وَ هُمْ ظالِمُونَ)(1)

«و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس در میان آنان هزار سال، به استثنای پنجاه سال، درنگ کرد [ولی جز اندکی از مردم به سخن او گوش ندادند]. پس طوفان (قهر خداوند) آنان را در حالی که ستمگر بودند، فرا گرفت.»

نکته ها:

۱. قرآن، با بیان عمر طولانی انسان های گذشته، آن را امری ممکن و شدنی خوانده است. (أَلْفَ سَنَهٍ)

۲. تنها پیامبری که مدت رسالتش در قرآن بیان شده، حضرت نوح علیه السلام است. البته نهصد و پنجاه سال، مدت رسالت آن حضرت تا زمان طوفان است؛ اما مدت پیامبری ایشان پس از طوفان و سال های عمرش بیان نشده است.

۳. عمر طولانی دادن به بشر، برای خداوند محال نیست؛ همان گونه که او حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را قرن ها زنده نگه داشته تا حکومت عدل جهانی را بر پا کند. گرچه جسم تمام مردم پس از کهولت سن فرسوده می شود، ولی آن حضرت به گفته بزرگان دین، هم چنان در چهره انسان چهل ساله ثابت است و این جای تعجب نیست.

در صورت همه ما، موی ابرو و مژه ده ها سال ثابت است، در صورتی که موی سر و صورت همواره در حال تغییر و تحول است، با آن که آب و غذا و هوا و محل هر دو مو، یکی است. آری! خداوند می تواند انسانی را ثابت و دیگران را متغیر قرار دهد.

ص:۲۰۴

۱- سوره عنکبوت، آیه ۱۴.

۴. گاهی پرسیده می شود که چگونه عمر بیش از هزار سال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را باور کنیم؟

پاسخ آن است که در آیه ۲۵۹ سوره بقره می خوانیم: شخصی _ که به گفته روایات و تفاسیر، عُزیر نام داشت _ از کنار یک آبادی عبور می کرد که دیوارهای آن بر روی سقف هایش فرو ریخته بود و مشخص بود که مدتی طولانی از مرگ ساکنین آن جا و زمان تخریبش می گذرد. با خود گفت: «خداوند چگونه ساکنین این جا را پس از مرگشان زنده می کند؟»

خداوند در همان لحظه جان او را گرفت و پس از صد سال زنده کرد و به او گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز!» خداوند فرمود: «نه؛ بلکه صد سال است که در این جا مانده ای. به غذا و نوشیدنی خود که همراه داشتی، نگاه کن که با گذشت سال ها تغییر نکرده است. به الاغ خود نگاه کن که هیچ اثری از آن باقی نمانده است. ما زنده شدن تو را نشانه و حجتی برای مردم قرار می دهیم. اکنون به استخوان های الاغ مرده خود بنگر و ببین که چگونه آن ها را به هم پیوند می دهیم و بر آن ها گوشت می پوشانیم و زندگی دوباره به آن می بخشیم».

بنابر این آیه، غذا و نوشیدنی به مدت صد سال تغییر نکرد؛ در حالی که به طور طبیعی می بایست پس از چند روز فاسد می شد. صد سال برابر ۵۲۰۰ هفته است و خداوند غذایی که فقط یک هفته سالم می ماند را ۵۲۰۰ برابر عمر طبیعی اش سالم نگاه داشت. اکنون به سراغ عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می رویم که هنوز حتی به حد ۲۰ برابر عمر طبیعی نرسیده است. بنابراین نه دلیل عقلی بر محدود کردن عمر انسان داریم و نه عمر طولانی، چیز محالی است.

از طرفی تعجب ما از طولانی بودن عمر به خاطر مقایسه آن با خودمان و قدرت محدود خودمان است. در حالی که نمونه های دیگری از طول عمر نیز در تاریخ و طبیعت وجود دارد؛ از جمله: مدت رسالت حضرت نوح علیه السلام (۹۵۰ سال)، اصحاب کهف و خواب چند صدساله آن ها، عمر چندین هزارساله نوعی ماهی و برخی از درختان و... . آری! خداوندی که به استخوان، قدرت شنیدن و به پیه چشم، قدرت دیدن می دهد، می تواند عمر

انسان را نیز طولانی کند.

متأسفانه برخی در پذیرفتن مسائل منطقی دین، دیرباور هستند. اگر یک روزنامه خارجی گفته باشد که یک ماهی در اقیانوس اطلس پیدا شده است که سه میلیون سال عمر دارد، فوراً باور می کنند، اما اگر ۱۵۰ حدیث داشته باشیم که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده است و هزار و سی صد سال عمر دارد، می گوید: از نظر علمی نمی شود!

ص:۲۰۶

سوره لقمان

اشاره

ص:۲۰۷

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نعمت الهی

(أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَکُمْ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَهً وَ باطِنَهً وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یُجادِلُ فِی اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَ لا هُدیً وَ لا کِتابٍ مُنِیرٍ)(۱)

«آیا ندیدید که خداوند آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است، برای شما مسخّر کرده، و نعمت های ظاهری و باطنی خود را بر شما سرازیر کرده است، ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایتی و بدون هیچ کتاب روشنگری، درباره خداوند به جدال و ستیز می پردازند.»

نکته ها:

۱. نعمت های الهی، هم گسترده و فراوان (أَسْبَغَ)(۲)، هم در دسترس بندگان (عَلَیْکُمْ) و هم متنوع (ظاهِرَهً وَ باطِنَهً) است.

۲. در این آیه، به دوگونه نعمت اشاره شده است؛ نعمت ظاهری، مانند سلامتی، رزق و روزی، زیبایی و امثال آن، و نعمت باطنی، مانند ایمان، معرفت، اطمینان، حسن خلق، امداد غیبی، علم، فطرت، ولایت و... .

۳. محمد بن زیاد أزدی گوید: از سرور خود، موسی بن جعفر علیه السلام درباره تفسیر این کلام الهی پرسیدم: (وَ أَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَهً وَ باطِنَهً) فرمود: «نعمت ظاهر، امام ظاهر است و نعمت باطن، امام غائب». گفتم: «آیا در میان ائمه علیهم السلام کسی هست که غائب شود؟»

فرمود: «آری! شخص او از دیدگان مردم غائب می شود، اما یاد او از قلوب مؤمنین غایب نمی گردد. او دوازدهمین ما امامان است. خداوند برای او هر امر سختی را آسان، و هر امر دشواری را هموار سازد و گنج های زمین را برایش آشکار کند و هر بعیدی را

۱- سوره لقمان، آیه ۲۰.

۲- «اسباغ» به معنای گستراندن و توسعه دادن است.

برای وی قریب سازد و توسط وی تمامی جباران عنود را نابود کند و هر شیطان متمرّدی را به دست وی هلاک سازد.

او فرزنـد سـرور کنیزان است، کسـی که ولاـدتش بر مردمـان پوشـیده، و ذکر نامش بر آن ها روا نیست؛ تا آن گاه که خـدای تعالی او را ظاهر ساخته و زمین را پر از عدل و داد نماید؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».(۱)

۴. بی توجهی به آفریده ها و نقش آن ها در زندگی بشر، سبب سرزنش و توبیخ است. (أَلَمْ تَرَوْا)

۵. تمام آفریده ها هدف مند و به خاطر بهره گیری انسان خلق شده اند. (سَخَّرَ لَکُمْ)

۶. نباید از نعمت های باطنی خداوند غفلت کنیم و نسبت به آن ها بی توجه باشیم. (أَلَمْ تَرَوْا... باطِنَهً)

ص:۲۰۹

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۹.

سوره فتح

اشاره

ص:۲۱۱

بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(إِنَّ الَّذِینَ یُبایِعُونَکَ إِنَّما یُبایِعُونَ اللَّهَ یَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَیْدِیهِمْ فَمَنْ نَکَثَ فَإِنَّما یَنْکُثُ عَلی نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفی بِما عاهَدَ عَلَیْهُ اللَّهَ فَسَیُؤْتِیهِ أَجْراً عَظِیماً)(۱)

«همانا کسانی که با تو بیعت می کنند، در واقع با خدا بیعت می کنند. دست خداوند، بالای دست آن هاست. پس هرکس پیمان شکنی کند، به زیان خود پیمان می شکند و هرکس به آنچه با خداوند عهد بسته، وفا کند، خداوند به زودی پاداش بزرگی به او خواهد داد.»

نکته ها:

۱. «بیعت» به معنای پیمان و تعهد است. کسی که با دیگری بیعت می کند، گویا مال و جان خود را برای اهداف او در معرض بیع و فروش قرار می دهد. چنان که جابر بن عبدالله انصاری می گوید: «ما در روز بیعت رضوان، زیر درخت، با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای جان بازی و عدم فرار در جنگ ها بیعت بستیم».

۲. برای بیان لطف خدا نسبت به وفاداران، در این آیه دو تعبیر آمده است: یکی (یَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَیْدِیهِمْ) و دیگری (أَجْراً عَظِیماً)؛ ولی برای بیان قهر خدا نسبت به پیمان شکنان، یک تعبیر آمده است: (یَنْکُثُ عَلی نَفْسِهِ).

۳. بیعت گرفتن از مردم، منافاتی با توحید و توکل ندارد. (یُبایِعُونَکَ)

۴. عمل و تصمیم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، همان اراده و خواست خداوند است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به چیزی جز اراده الهی اقدام نمی کند. (الَّذِینَ یُبایِعُونَکَ إِنَّما یُبایِعُونَ اللَّهَ)

ص:۲۱۲

۱- سوره فتح، آیه ۱۰.

۵. بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بیعت با خداست. (یُبایِعُونَکَ ... یُبایِعُونَ اللَّهَ)

۶. رهبر مسلمانان باید در شرایط بحرانی بر وفاداری مردم اطمینان حاصل کند و از آنان مجدداً پیمان بگیرد.

۷. حمایت رهبری الهی، حمایت خداوند را در پی دارد. (یُبایِعُونَکَ... یَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَیْدِیهِمْ)

۸. خداوند به حمایت کسی نیازی ندارد؛ پس باید از پیمان شکنی پرهیز کرد. زیرا با خدایی طرف هستیم که فوق قدرت هاست. (یَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَیْدِیهِمْ فَمَنْ نَکَثَ فَإِنَّما یَنْکُثُ عَلی نَفْسِهِ)

۹. پیمان شکنی، خودشکنی است. (فَإِنَّما یَنْکُثُ عَلی نَفْسِهِ)

۱۰. عاقبت خوبان و بدان را برای مردم بیان کنید تا با مقایسه سرنوشت آنها راه خود را انتخاب کنند. (فَمَنْ نَکَثَ... وَ مَنْ أَوْفی...)

۱۱. گرچه پای بندی به هر تعهد و قول و قراری که خلاف شرع و قانون نباشد، لازم است و در روایات شیعه و سنی، عمل به تعهدات نشانه دین داری عرفی شده (لا دین لمن لا عهد له)،(۱) اما وفای به چند عهد، از اهمیت بیش تری برخوردار است:

ـ عهدی که خداوند از طریق فطرت یا انبیا با انسان بسته است: (أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَیْکُمْ یا بَنی آدَم).(۲)

ـ عهدی که انسان با خدا می بندد: (مَنْ عاهَدَ اللَّه)(۳)

ـ عهدی که انسان با دیگران می بندد: (وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا)(۴)

ـ عهد رهبر الهی با امت و بالعکس: (الَّذینَ عاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ یَنْقُضُونَ عَهْدَهُم)(۵)

۱- بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۱۹۸.

۲- سوره یس، آیه ۶۰.

۳- سوره توبه، آیه ۷۵.

۴- سوره بقره، آیه ۱۷۷.

۵- سوره انفال، آیه ۵۶.

۱۲. حضـرت رسول صـلی الله علیه و آله و سـلم در روز غـدیر علاوه بر حضـرت علی علیه السـلام برای یازده امام بعدی علیهم السـلام از جمله حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از مردم بیعت گرفت و فرمود: «فَأُمِرْتُ أَنْ آخُذَ الْبَیْعَهَ مِنْکُمْ وَ الصَّفْقَهَ لَکُمْ بِقَبُولِ مَـا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَـلَّ فِی عَلِیٍّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْأَئِمَّهِ مِنْ بَعْـدِهِ الَّذِینَ هُمْ مِنِّی وَ مِنْهُ أَئِمَّهٌ قَـائِمَهٌ مِنْهُمُ الْمَهْـدِیُّ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ الَّذِی یَقْضِـی بِالْحَق؛ از طرف خداونـد مأمور شده ام که از شـما برای علی بن ابی طالب علیه السـلام و امامان پس از او علیهم السـلام که از نسل من و علی علیه السـلام هسـتند، از شـما بیعت بگیرم. آنان تا روز قیامت، امام و پیشوا خواهند بود و مهدی امت من که به حق داوری می کند، از آنان است».(۱)

۱۳. بیعت با امام، نصب امام به امامت نیست؛ تأکید بر وفاداری با امام است.

۱۴. یکی از دعاهایی که در آن بر مسأله بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید شده، دعای عهد است. آن جا که می خوانیم: «اللهم انی اجدد له فی صبیحه یومی هذا عَهْداً وَ عَقْداً وَ بَیْعَهً؛ خدایا من در صبح این روز با امامم تجدید عهد و عقد و بیعت می کنم». گاهی وقت ها ما دعای عهد را می خوانیم، در حالی که به مضامین آن توجه نمی کنیم و فکر می کنیم عهد و عقد و بیعت به یک معناست؛ در حالی که این گونه نیست.

«تجدید عهد» یعنی من با حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف دوباره تعهد می بندم. «تجدید عقد» یعنی من دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف گره می خورم و تعهـدم را محکم می کنم، چون عقد یعنی گره. «تجدید بیعت» یعنی من با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوباره بیعت می کنم و به او سر می سپارم.

بنابراین، اول باید با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف تعهد ببندیم؛ بعد تعهدمان را محکم کنیم و بعد با او بیعت نماییم. مثل این که ابتـدا باید دیوارهای ساختمانی را با آجر ساخت، سـپس دیوارهایش را گچ و خاک کشـید و در آخر سـفیدکاری کرد.

۱۵. رسـول خـدا عجـل الله تعـالی فرجـه الشـریف فرمـود: «خـدای عزّوجـلّ در روز قیـامت بـا سه کس سـخن نخواهـد گفت و نگاهشان نخواهد کرد و لیاقتشان نخواهد بخشـید و آنان را به شکنجه ای دردناک گرفتار خواهد کرد. اول، مردی که به خاطر دنیا با امامی بیعت کند، پس هر گاه خواسته اش

۱- الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۵.

را از دنیا به او بدهد، به بیعتش وفادار بماند، وگرنه دست از بیعت بر دارد و...».(۱)

۱۶. ما باید به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وفادار باشیم. یکی از نشانه های وفاداری، عمل به فرمایشات ایشان است. ایشان فرموده است: «در زمان غیبت من، در حوادثی که برای شما پیش می آید، به مجتهدان و علمای دین مراجعه کنید». بنابراین باید چنین کسی را که عادل و بی هوس است، شناسایی کنیم و دستمان را در دستش بگذاریم و مطیع او باشیم.

۱- الخصال، ج ۱، ص۱۰۷.

سوره واقعه

اشاره

ص:۲۱۷

قرآن در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(لا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ)(۱)

«جز پاکیزگان به آن دست نزنند.»

نکته ها:

۱. تلاوت الفاظ و فهم لغات قرآن، برای همه ممکن است؛ اما تماس با روح قرآن، طهارتی مخصوص می خواهد. قرآن مطهر است(۲) و تنها پاکان می توانند آن را مسّ کنند. لذا نفرمود: «لا یقرئه و لا یفهمه إلّا المطهّرون»، بلکه فرمود: (لا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ)؛ چون تماس، معنای خاصی دارد. چنان که در روایات تصریح شده که تنها مقربان درگاه الهی با قرآن تماس پیدا می کنند.

۲. حضرت علی علیه السلام در ضمن سخنی فرمود: «القرآن الّذی عندی لا یمسّه إلّا المطهّرون و الأوصیاء من ولدی؛ به قرآنی که نزد من است، جز پاکان و جانشینان از فرزندانم به آن دست نمی یابند». عمر پرسید: «آیا زمان معلومی برای ظاهر کردن آن هست؟» آن حضرت فرمود: «نعم، إذا قام القائم من ولدی یظهره و یحمل الناس علیه فتجری السنّه علیه؛(۳) آری وقتی قائم از فرزندانم قیام کند، آن را ظاهر می کند و مردم را به عمل کردن به آن وادار می نماید و سنت طبق آن جاری می شود».

۳. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر و در ضمن خطبه معروف خود، پس از آنکه حضرت علی و یازده فرزند معصوم وی را جانشین خود معرفی نمود، قرآن کریم را همراه همیشگی آنان خواند: «عَلِیٌّ أَخِی وَ وَزِیرِی وَ وَارِثِی وَ وَصِیِّی وَ خَلِیفَتِی فِی أُمَّتِی وَ وَلِیُّ

۱- سوره واقعه، آیه ۷۹.

۲- (صُحُفاً مُطَهَّرَةً) . سوره بیّنه، آیه ۲.

۳- کنز الدقائق، ج ۱، ص ۴.

كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِی ثُمَّ ابْنِیَ الْحَسَنُ ثُمَّ ابْنِیَ الْحُسَیْنُ ثُمَّ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ الْقُرْآنُ مَعَهُمْ وَ هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ لَا یُفَارِقُونَهُ وَ لَا یُفَارِقُهُمْ حَتَّى یَرِدُوا عَلَیَّ حَوْضِی».(۱)

۴. امام باقر علیه السلام فرمود: «علم به کتاب خدای عزّوجلّ و سنت پیغمبرش در دل مهدی ما رشد می کند؛ آنچنان که بهترین زراعت ها به بهترین وجه رشد می کنند».(۲)

۵. در خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه _ که گفته شده امیرالمؤمنین علیه السلام در آن به سیره حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره نموده _ آمده است: «یَعْطِفُ الرَّأْیَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْیِ؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رأی مردم را به قرآن باز می گرداند، در زمانی که آن ها قرآن را به رأی و اندیشه [خود] مبدل کرده اند».

هنگامی که مردم از قرآن چشم پوشیده و امور را طبق اندیشه نادرست خود پیش برند، ایشان مردم را از به کار بستن اندیشه های نادرست، نهی، و به رجوع به قرآن وا می دارد تا به دستور کتاب خدا رفتار کنند و مخالف آن را دور اندازند.

۶. در زمان حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به آموزش قرآن اهمیت فراوانی داده می شود. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ضَرَبَ فَسَاطِیطَ لِمَنْ یُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ؛(۳) هنگامی که قائم آل محمد علیهم السلام قیام کند، خیمه هایی برپا کند و قرآن را به ترتیبی که فرود آمده، به مردم بیاموزد».

۷. متأسفانه قرآن کریم در امت اسلامی مهجور مانده است؛ به گونه ای که خود قرآن از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: (وَ قالَ الرَّسُولُ یا رَبِّ إِنَّ قَوْمِی اتَّخَذُوا هذَا الْقُرْآنَ مَهْجُوراً)؛(۴) «پیامبر [خدا] گفت: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند».

رابطه میان انسان و کتاب آسمانی، باید دائمی و در تمام زمینه ها باشد؛ زیرا کلمه «هجر» در جایی به کار می رود که میان انسان و چیزی رابطه ای باشد، ولی از هم جدا

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۲۷۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۳۶۷.

۳- الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

۴- سوره فرقان، آیه .

شده باشند.(۱) بنابراین بایـد تلاشـی همه جانبه داشـته باشـیم تا قرآن را از مهجوریت درآوریم و آن را در همه ابعاد زنـدگی، محور علمی و عملی خود قرار دهیم و رضایت پیامبر عزیز اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را جلب کنیم.

لازم است بـدانیم که نخوانـدن قرآن، ترجیـح غیر قرآن بر آن، محـور قرار نـدادن آن، تـدبر نکردن در آن، تعلیم نـدادنش به دیگران و عمـل نکردن بـه آن، از مصـادیق مهجـور قرار دادن قرآن است. حـتی اگر کسـی قرآن را فرا گیرد، ولی آن را کنـار گذارد و به آن نگاه نکند و تعهدی نسبت به آن نداشته باشد، او نیز قرآن را مهجور کرده است.(۲)

۸. به نظرم رسید که اقرار بعضی بزرگان را درباره مهجوریت قرآن نقل کنم:

ـ ملاصـدرا در مقـدمه تفسیر سوره واقعه می گویـد: «بسیار به مطـالعه کتب حکمـا پرداختم تا آن جا که گمان کردم کسـی هسـتم؛ ولی وقتی کمی بصیرت پیدا کردم، خودم را از علوم واقعی خالی دیدم. در آخر عمر که به فکر افتادم به سراغ تدبر در قرآن و روایـات محمـد و آل محمـد علیهم السـلام بروم، یقین پیـدا کردم که در طول عمر، کـارم بی اساس بوده است؛ زیرا به جای نشستن در نور، در سایه ایستاده بودم!

از غصه جانم آتش گرفت و قلبم شـعله کشـید، تا وقتی که رحمت الهی دسـتم را گرفت و مرا با اسرار قرآن آشنا کرد و شروع به تفسـیر و تـدبر در قرآن کردم. درِ خـانه وحی را کوبیـدم، درهـا باز شـد، پرده ها کنار رفت و دیـدم که فرشـتگان به من می گویند: (سَلامٌ عَلَیْکُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوها خالِدِینَ)».(۳)

ـ فیض کاشانی در رساله الانصاف می گوید: «کتاب ها و رساله ها نوشتم، تحقیقاتی کردم، ولی در هیچ یک از علوم، دوایی برای دردم و آبی برای عطشم نیافتم. بر خود ترسیدم و به سوی خـدا فرار و انابه کردم تا خداوند مرا از طریق تعمق در قرآن و حدیث هدایت کرد».

۱- التحقیق فی کلمات القرآن، ذیل ماده هجر.

۲- التفسیر المنیر، ج ۱۹، ص ۵.

۳- سوره زمر، آیه ۷۳.

ـ امـام خمینی(ره) در گفتـاری، از ایـن که تمـام عمر خـود را در راه قرآن صـرف نکرده، تـأسف می خـورد و به حـوزه هـا و دانشـگاه ها سـفارش می کند که قرآن و ابعاد گوناگون آن را در همه رشته ها، مقصد اعلی قرار دهند تا مبادا در آخر عمر، بر ایام جوانی خود تأسف بخورند.(۱)

ص:۲۲۱

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۰.

سوره حدید

اشاره

ص:۲۲۳

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، احیاگر زمین با عدالت

(اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یُحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها قَدْ بَیَّنّا لَکُمُ الْآیاتِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ)(۱)

«بدانید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می کند. همانا ما نشانه های [توحید و عظمت] را برای شما روشن کردیم، باشد که تعقل کنید.»

نکته ها:

۱. امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود: «یُحْیِیهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أَئِمَّهِ الضَّلَالِ؛(۲) خداوند زمین را پس از ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به واسطه عدالت او زنده

می کند، پس از آن که با جور و ظلم رهبران گمراه، مرده باشد».

۲. توجه به عدالت و جایگاه والای آن، در روایات متعدد و متواتر به چشم می خورد. از جمله پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «عَدْلُ ساعَهٍ خَیرٌ مِن عِبادَهِ سَبعینَ سَنَهٍ قیامٌ لَیلها وَ صِیامٌ نَهارها؛(۳) یک ساعت به عدالت رفتار کردن، از هفتاد سال عبادتی که روزهای آن به روزه، و شب های آن به احیا گذشته باشد، بهتر است».

حضرت علی علیه السلام نیز در این باره فرمود: «فِی العَدلِ صَلاحُ البَریَّهِ وَالاقتِداءُ بِسُنَّهِ اللّهِ؛(۴) عدالت، هم به مصلحت مردم است و هم اقتدا به روش الهی». ایشان هم چنین فرمود:

۱- سوره حدید، آیه ۱۷.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۵.

۳- جامع السّعادات، ج ۲، ص ۲۲۳.

۴- الکافی، ج ۷، ص ۱۷۴.

«العَدلُ حَياةٌ الْجَوْرُ مَمحاتٌ؛(۱) عدالت، باعث حیات جامعه و ظلم، باعث مرگ آن است».

۳. با سیری کوتاه در آیات و روایات به وضوح در می یابیم که فضای اسلام، فضای عدالت است. آیات و روایات فراوانی، مردم را به عدالت و پاسداری از آن، توصیه و امر کرده و از ظلم و ستم و خیانت باز داشته اند. اسلام، مکتب عدل و اعتدال، نظام اسلامی، نظام عادلانه و امت اسلامی، امت میانه و وسط است.

اسلام اگر نماز دارد، زکات هم دارد؛ اگر تولی و دوستی با اولیای خدا را دارد، تبری و دوری از دشمنان را هم دارد؛ اگر از علم طرفداری می کند، از عمل هم پشتیبانی می نماید؛ اگر ایمان را مطرح می کند، عمل صالح را هم در کنار آن لازم می داند؛ اگر توکل به خدا را سفارش می کند، دستور فعالیت و تلاش هم می دهد؛ اگر مالکیت را محترم می شمرد، اجازه سوء استفاده از مالکیت را هم نمی دهد؛ اگر دستور عفو می دهد، در اجرای حدود، به داشتن قاطعیت نیز سفارش می کند و می گوید: «رحم در شما اثر نکند و شما را از مجازات مجرم باز ندارد».

۴. عدالت از چیزهایی است که انسان فطرتاً آن را دوست دارد. به همین دلیل، حتی ستمگران نیز ظلم خود را توجیه، و سعی می کنند که کار خود را عادلانه جلوه دهند. گاهی چند نفر با یک دیگر شریک می شوند و دست به یک دزدی می زنند، ولی بعد از آنکه اموال سرقت شده را به مکان دیگری انتقال دادند، در زمان تقسیم می گویند: بیایید اموال را عادلانه تقسیم کنیم! این سخن گاهی ناخودآگاه گفته می شود و اگر هم به زبان نیاورند، قلباً تقسیم عادلانه را دوست دارند و اگر یکی از آنان بخواهد سهم بیش تری بردارد، ناراحت می شوند.

در همه جوامع، کسی که برای تحقق بخشیدن به عدالت، جلوی ستمگران ایستادگی می کند، تحسین می شود و این نیست مگر به خاطر آن که حمایت از عدل و مبارزه با ظلم،

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۸.

خواسته عقلی، طبیعی و فطری هر انسانی است.

۵. وجود قوانین عادلانه، شرط لازم برای اجرای عدالت در جامعه است. شاید کم تر حکومتی باشد که از حق و عدالت سخن نگوید و خود را حامی حقوق و مصالح جامعه نداند. قانون باید به تمام ابعاد انسان توجه داشته باشد.

قانونی که به انسان به چشم یک موجود شهوی یا شکمی می نگرد، نمی تواند عادلانه باشد؛ زیرا برنامه ریزی آن بر اساس مادی نگری است. قانونی می تواند انسان را به رشد و کمال مطلوب برساند که قانون گذارش از هوس های شخصی و گروهی یا از استبداد فردی و گروهی به دور باشد. علاوه بر آن، باید دید قانون گذار طبق کدام معیار، قوانین عادلانه مقرر می کند و حافظ مصالح کدام طبقه و گروه است؟

بر این اساس، ما شریعت و قوانینی را که پیامبران آورده اند، بر قوانین بشری ترجیح می دهیم؛ زیرا اولاً به تمام ابعاد مادی و معنوی انسان توجه دارند و از علم و حکمت بی پایان الهی سرچشمه گرفته اند و ثانیاً قوانین آن ها به دنبال حفظ منافع شخصی یا گروهی نیست و از هر گونه هوا و هوس به دور هستند.

۶. در اسلام، تمام مسئولیت های حساس به عهده افراد عادل است؛ یعنی کسانی که سوءسابقه ای پیش مردم ندارند و به صلاحیت و پاکی معروف اند. از قاضی تا شاهد و منشی دادگاه، همه باید در هر جایگاهی که هستند، عادلانه بگویند و بنویسند. امام در نماز جمعه و جماعت باید عادل باشد. مرجع تقلید و رهبر جامعه و مسئول بیت المال باید عادل باشند. مسئولان و کلیدداران نظام باید فقط به خدا وابسته بوده و عدالت پیشه باشند تا مردم نیز با رغبت عدالت را بپذیرند.

کوتاه سخن این که اسلام اهمیت خاصی به عدالت داده و آن را در تاروپود جامعه و در مسائل حقوقی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی، شرط اساسی دانسته است.

۷. هدف انبیا آن است که ایمان به خدا و معاد را چنان در مردم زنده کنند و اخلاق و

طرز تفکر الهی را در تاروپود فرد و جامعه نفوذ دهند که خود مردم به عدالت برخیزند و جامعه عادلانه تشکیل دهند. قرآن می فرماید: (لَقَد ارسَلنا رُسُلَنا بِالْبَیِّناتِ وَ انْزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَالْمیزانَ لِیَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ)؛(۱) «ما پیامبران را با در دست داشتن دلایل روشن و کتاب آسمانی و معیار سنجش حقّ و باطل، برای مردم فرستادیم تا مردم در پرتو این رهبران و قوانین آسمانی، به عدل قیام کنند».

۸. میوه عدالت به کام کسی که عدالت به نفع اوست، بسیار شیرین است؛ ولی در کام کسی که اجرای عدالت به ضرر او تمام می شود، تلخ خواهد بود! لذا اسلام پیوسته مردم را متوجه جایگاه و اهمیت عدالت می سازد و آن ها را به جهاد با نفس و مبارزه با هوا و هوس دعوت می نماید؛ زیرا تا انسان بر تمایلات درونی و هوا و هوس خود غالب نشود، تن به عدالت نخواهد داد و زمینه ای برای اجرای عدالت نیز فراهم نخواهد شد.

۹. در اسلام، اجرای عدالت نه تنها درباره دوستان و مؤمنان، که درباره دشمنانِ در حال جنگ نیز سفارش شده است: (فَمَن اعْتَدی عَلَیکُم فَاعْتَدُوا عَلیهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدی عَلَیکُم وَ اتَّقُوا اللّه)؛(۲) «اگر به شما تعدی و تجاوزی صورت گرفت، تنها به همان مقدار می توانید مقابله به مثل کنید و با تقوا باشید».

۱- سوره حدید، آیه ۲۵.

۲- سوره بقره، آیه ۱۹۳.

منزلت منتظران ظهور

(وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآياتِنا أُولئِكَ أَصْحابُ الْجَحِيمِ)(۱)

«و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند، آنان همان کسانی هستند که سر تا پا صداقت اند و نزد پروردگارشان گواهان اند، آنان پاداش و نورشان را دارند و [اما] کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان اصحاب دوزخ اند.»

نکته ها:

۱. «صدیق» به کسی گفته می شود که سر تا پا راستی و درستی باشد، دل و زبان و عمل او یکی باشد و صداقت جزئی از خلق و خوی او شده باشد. در قرآن، این لقب به کسانی همچون ابراهیم، ادریس، یوسف و مریم علیهم السلام داده شده؛ ولی این آیه راه صدیق شدن را به روی همه کسانی که اهل ایمان باشند، باز کرده است.

۲. ایمان به خدا و تمام انبیا نشانه صداقت انسان است. (آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ ... هُمُ الصِّدِّيقُونَ)

۳. برای کسانی که در دنیا از نور هدایت انبیا بهره مند شده اند، در قیامت، نوری خواهد بود. (لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ)

۴. تشویق خوبان و تهدید بدان در کنار هم لازم است. (أُولئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ... أُولئِكَ أَصْحابُ الْجَحِيمِ)

۵. مؤمنان، هم اجر دارند و هم نور؛ ولی کافران، تنها کیفر دارند. (أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ... أَصْحابُ الْجَحِيمِ...)

۶. حارث بن مغیره روایت کرده است: خدمت حضرت باقر علیه السلام بودیم. ایشان فرمود:

۱- سوره حدید، آیه ۱۹.

«کسانی از شما که عارف به این امر(امامت اهل بیت علیهم السلام) هستند و منتظرند و آرزوی پاداش نیک دارند، به خدا قسم مانند آن کسی هستند که به همراه قائم آل محمد علیهم السلام جهاد

می کند».

۷. سپس فرمود: «به خدا قسم مانند کسی هستند که در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با شمشیر جهاد نموده است». آن گاه برای مرتبه سوم فرمود: «به خدا قسم مانند کسی هستند که در خیمه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به درجه شهادت رسیده است و درباره شما آیه ای در قرآن هست».

عرض کردم: «کدام آیه؟» ایشان این آیه را تلاوت فرمود: (وَ الَّذِینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِکَ هُمُ الصِّدِّیقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ) آنگاه فرمود: «به خدا قسم در نزد خداوند، صادقین و شهدا محسوب می شوید».(۱)

۸. امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا نمی دانی که اگر کسی منتظر ظهور دولت ما باشد و بر ترس و آزاری که در راه پیروی از ما می بیند صبر کند، فردا در زمره ما خواهد بود؟»(۲)

ص:۲۲۹

۱- الصافی، ج ۵، ص ۱۳۶.
۲- الکافی، ج ۸، ص ۳۷

سوره صف

اشاره

ص:۲۳۱

رمز پیروزی اسلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُون)(۱)

«او کسی است که پیامبرش را همراه با هدایت و دین حق [به سوی مردم] فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب سازد، گرچه مشرکان آن را خوش نداشته باشند.»

نکته ها:

۱. آینده از آنِ اسلام است. (لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ)

۲. خداوند در غیر از این آیه، سه بار وعده پیروزی اسلام بر تمام ادیان را داده است: (هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ)؛(۲) (هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ کَفی بِاللَّهِ شَهِیداً)(۳) و بدون شک خداوند وعده خود را عملی می کند. (وَ لَنْ یُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ)(۴)

۳. در روایات متواتر می خوانیم که پیروزی اسلام بر دیگر ادیان آسمانی، در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت. حضرت علی علیه السلام فرمود: «به خداوندی که جانم در دست اوست، هیچ شهر و روستایی باقی نمی ماند مگر آنکه هر صبح و شام صدای اذان و شهادتین در آن شنیده خواهد شد».(۵)

تاریخ اسلام، تحقق این آیه را به اثبات رسانده است؛ زیرا با این که دشمن از طریق استهزا و اذیت و شکنجه، محاصره اقتصادی و اجتماعی، تحمیل جنگ ها، توطئه های

ص:۲۳۲

۱- سوره صف، آیه ۹.

۲- سوره توبه، آیه ۳۳.

۳- سوره فتح، آیه ۲۸.

۴- سوره روم، آیه ۶ و سوره حج، آیه ۴۷.

۵- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۶۷.

داخلی منافقان، ایجاد تفرقه میان مسلمانان، به راه انداختن جنگ های صلیبی، ترویج فحشا و منکرات، استعمار نظامی و سیاسی و... لحظه ای کوتاهی نکرده، ولی اسلام روز به روز توسعه پیدا کرده است.

۴. رسولان با اراده الهی انتخاب می شوند، نه انتخاب و اراده مردم. (هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ)

۵. پیروزی اسلام به خاطر حقانیت آن است. (بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ)

۶. مکتب اسلام، امیدآفرین است. (لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ)

۷. حاکمیت و غلبه ای ارزش دارد که کامل و دائم باشد. (لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ)

۸. به جز اسلام، تمام ادیان، تاریخ مصرف دارند و تنها اسلام، مکتب جاودانی است. (لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ)

۹. عوامل پیروزی اسلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چند چیز است:

ـ اراده و امداد الهی (هُوَ الَّذِی)

ـ رهبری معصوم و لایق (رَسُولَهُ)

ـ نیاز طبیعی جامعه (بِالْهُدی)

ـ داشتن حقانیت (دِینِ الْحَقِّ)

ـ جامع و کامل بودن مکتب (مُتِمُّ نُورِهِ)

ص:۲۳۳

سوره ملک

اشاره

ص:۲۳۵

طولانی بودن غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ)(۱)

«بگو: به من خبر دهید اگر آب [چشمه ها و چاه های] شما در زمین فرو رود، کیست آن که آب روان و گوارا برای شما بیاورد؟»

نکته ها:

۱. «غور» به معنای فرورفتن در عمق، و «مَعین» به معنای آسان و روان است.

۲. عمار می گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم: «پدر و مادرم به فدایت! مهدی کیست؟» فرمود: «یَا عَمَّارُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی عَهِدَ إِلَیَّ أَنَّهُ یُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَیْنِ تِسْعَةً وَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِهِ یَغِیبُ عَنْهُمْ وَ ذَلِکَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ (قُلْ أَرَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ) یَکُونُ لَهُ غَیْبَةٌ طَوِیلَةٌ یَرْجِعُ عَنْهَا قَوْمٌ وَ یَثْبُتُ عَلَیْهَا آخَرُونَ فَإِذَا کَانَ فِی آخِرِ الزَّمَانِ یَخْرُجُ فَیَمْلَأُ الدُّنْیَا قِسْطاً وَ عَدْلا؛(۲) ای عمار! به درستی که خدای تبارک و تعالی با من عهد فرموده که از صلب حسین علیه السلام امامان نه گانه را بیرون آورد و نهمین فرزندش از دیدگان پنهان شود، و همین است گفتار خدای تعالی: «بگو به من خبر دهید اگر آب [چشمه ها و چاه های] شما در زمین فرو رود، کیست آن که آب روان و گوارا برای شما بیاورد؟». برای او غیبتی است طولانی که در آن، جمعی [از اعتقادات خود] برگردند و جمعی پایدار بمانند. چون آخرالزمان شود، وی قیام نماید و دنیا را پر از عدل و داد کند، چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد».

۳. امام باقر علیه السلام در تأویل این آیه فرمود: «این آیه درباره حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نازل شده است

۱- سوره ملک، آیه ۳۰.

۲- بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۱۸.

و می گوید: اگر امام شما غائب باشد و ندانید که وی کجاست، چه کسی برای شما امام ظاهر می فرستد که اخبار آسمان ها و زمین و حلال و حرام را برای شما بگوید؟»(۱)

۴. احتمال بروز خطر در صورت بی تفاوتی و غفلت، برای دوری کردن از آن کافی است. (إِنْ أَصْبَحَ ماؤُكُمْ غَوْراً)

۵. دست خداوند در تغییر قوانین هستی، باز است. (إِنْ أَصْبَحَ ماؤُكُمْ غَوْراً)

ص:۲۳۷

۱- کمال الدین و تمام النعمهٔ، ج ۱، ۳۲۵.

سوره قلم

اشاره

ص:۲۳۹

خرافات جلوه دادن اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط دشمنان وی

(إِذا تُتْلی عَلَیْهِ آیاتُنا قالَ أَساطِیرُ الْأَوَّلِین)(۱)

«هرگاه آیات ما بر آنان تلاوت شود گویند: افسانه های پیشینیان است.»

نکته ها:

۱. «اساطیر» جمع «اسطوره»، به معنای افسانه هایی خرافی و خیالی است که یا درباره انسان های اولیه یا ساخته و پرداخته ذهن آنان است.

۲. این آیه نمونه ای از مکرهای فرهنگی دشمنان اسلام را که برای تحقیر آموزه های مکتب اسلام طرح کرده اند، بیان می کند.

۳. تهمت تحجّر، سنت گرایی و کهنه پرستی، از قدیمی ترین تهمت ها به مؤمنان است. (أَساطِیرُ الْأَوَّلِینَ)

۴. امام صادق علیه السلام در تبیین این آیه فرمود: «یعنی تکذیبه بالقائم إذ یقول له: لسنا نعرفک، و لست من ولد فاطمه علیها السلام کما قال المشرکون لمحمدâ؛(۲) معنی این آیه تکذیب حضرت قائم صلی الله علیه و آله و سلم توسط دشمنان است. زیرا به او می گویند ما تو را نمی شناسیم و تو از اولاد فاطمه نیستی؛ همان طور که مشرکین به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می گفتند».

۵. بعضی جامعه شناسان امروز نیز مذهب را زاییده جهل و خرافه می دانند که شاید این حرف، به خاطر بعضی خرافاتی باشد که در میان اصولِ اصیلِ ادیان الهی، رخنه کرده است و در واقع ربطی به معارف حقیقی ندارد. البته خرافات می تواند در عقیده و توحید انسان اثر بگذارد. نسل بشر در طول تاریخ به خاطر خرافات، بسیار تاوان داده است. زمانی

۱- سوره قلم، آیه ۱۵.

۲- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۶۰۵.

دختران را زنده به گور می کردند و چه خانواده هایی که به خاطر خرافه ها از هم پاشیده شدند.

۶. این را هم بایـد دانست که خرافـات در بسـتر جهـل، نـادانی، تلقین، آداب و رسوم غلـط، افکـار نـابه جـای نیاکـان، تبلیغـات دروغین، توطئه اسـتعمارگران و رندان، سادگی مردم، دور بودن از علمای ربّانی و نداشتن تکیه گاه اعتقادی رشد می کند. در عرصه مهدویت هم خرافاتی وجود دارد که اساس دینی و قرآنی ندارد.

۷. وظیفه مـا این است که هرگاه با فکر، شعار، پیشـنهاد یا عادت و رسومی برخورد کردیم، آن را با کمک علمای باتقوا و بی هوس، به قرآن و حدیث و عقل و علم و تجربه عرضه کنیم و صحت آن را بسنجیم.

۸. باید مراقب بود که اصول و حقایق مسلّم و مستند دین، به نام خرافه، کوبیده نشود. هر چیزی که خدا یا ولیّ خدا از آن خبر دهنـد و مـا آن را نفهمیم، خرافه نیست؛ زیرا برخی از آمـوزه هـای دین، فـوق عقـل مـاست و حسـاب فـوق عقـل بـا ضـد عقل جداست.

ص:۲۴۱

سوره مدثر

اشاره

ص:۲۴۳

سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پوشش

(وَ ثِیابَکَ فَطَهِّر)(۱)

«و لباست را پاکیزه دار.»

نکته ها:

۱. امام صادق علیه السلام در ضمن سخنی، منظور از این آیه را کوتاه کردن لباس بیان فرموده اند؛(۲) زیرا در جاهلیت، اشراف و بزرگان، لباسشان را به قدری بلند می گرفتند که قسمتی از آن بر روی زمین کشیده شود و افرادی را اجیر می کردند که آن قسمت را همراه آن ها بیاورد!

۲. شرط نفوذ کلام رهبر آسمانی، آن است که دامنش از هرگونه آلودگی پاک باشد. (وَ ثِیابَکَ فَطَهِّرْ)

۳. نه فقط پاکی بدن، بلکه نظافت و پاکیزگی لباس نیز مورد توجه اسلام است.

(وَ ثِیابَکَ فَطَهِّرْ)

۴. امام صادق علیه السلام بعد از بیان کیفیت لباس حضرت علی علیه السلام و سادگی آن فرمود: «اما امروزه مسلمانان قادر بر پوشیدن چنین لباسی نیستند؛ زیرا اگر چنین کنند، مردم می گویند که او دیوانه شده یا اهل ریاکاری است، در حالی که خدای متعال می فرماید: (وَ ثِیابَکَ فَطَهِّرْ)، یعنی لباست را از روی زمین بلند کن و آن را روی زمین نکش. هنگامی که قائم ما قیام کند، این گونه لباس می پوشد».(۳)

این مطلب را فردی به نام حماد بن عثمان نیز نقل کرده است. او می گوید: در محضر

ص:۲۴۴

۱- سوره مدثر، آیه ۴.

۲- کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۱۴.

۳- الکافی، ج ۶، ص ۴۵۵.

امام صادق علیه السلام بودم که مردی به آن حضرت عرض کرد: «خدا اصلاحت کند! شما فرمودی که علی بن ابی طالب علیه السلام لباس زبر و خشن در بر می کرد و پیراهن چهار درهمی می پوشید و مانند این ها، در صورتی که بر تن شما لباس نو می بینیم!»

حضرت به او فرمود: «همانا علی بن ابی طالب علیه السلام آن لباس ها را در زمانی می پوشید که بدنما نبود، و اگر آن لباس را این زمان می پوشید به بدی انگشت نما می شد. پس بهترین لباس هر زمان، لباس مردم آن زمان است. ولی قائم ما اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف زمانی که قیام کند، همان جامه علی علیه السلام را می پوشد و به روش علی علیه السلام رفتار می کند».(۱)

۵. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ فَوَ اللَّهِ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ لَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ؛(۲) چرا به فرارسیدن خروج حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف شتاب می کنید؟ به خدا قسم، لباس او جز جامه درشت و خشن، و غذایش جز خوراک ناگوار و ناخوش نخواهد بود».

۱- الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۳.

سوره فجر

اشاره

ص:۲۴۷

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، فجر واقعی

(وَ الْفَجْرِ)(۱)

«سوگند به سپیده دم»

نکته ها:

۱. «فجر» به معنای شکافتن است و مراد از آن در این آیه، شکافتن تاریکی شب با سپیده دم است که زمان مقدس و باارزشی است و در آن هنگام، جنبنده ها به تکاپو می افتند و صبح و روز تازه ای را آغاز می کنند.

۲. زمان، مقدس و قابل سوگند است. (وَ الْفَجْرِ)

۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام مراد از فجر، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عنوان شده است: (الفجر هو القائم)(۲) چراکه شب تاریک ظلم و فساد، به صبح قیام آن حضرت، برچیده خواهد شد.

۱- سوره فجر، آیه ۱.

۲- تأویل الآیات، ج۲، ص ۷۹۲.

سوره قدر

اشاره

ص:۲۴۹

شب قدر، اثبات گر وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(تَنَزَّلُ الْمَلائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ)(۱)

«در آن شب، فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان برای انجام هر کاری فرود آیند.»

نکته ها:

۱. از مضمون روایاتی که درباره سوره قدر وارده شده اند، استفاده می شود که فرود فرشتگان در شب قدر تنها مربوط به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست؛ بلکه هر سال تکرار می شود. از جناب ابوذر روایت شده است: به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم: «از لیله القدر برایم بگویید. آیا فقط در زمان پیامبران بوده که وحی بر آن ها نازل می شده است و وقتی از دنیا رفته اند، دیگر شب قدری نیست یا این که تا روز قیامت، این شب در هر سالی خواهد بود؟» رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «شب قدر تا روز قیامت خواهد بود».(۲)

۲. فرشتگان هر سال در شب قدر نازل می شوند و البته شکی نیست که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر ایشان نازل می شده اند؛ اما سؤال این است که با توجه به این که در هرسال شب قدر وجود دارد، ملائکه پس از رحلت آن حضرت بر چه کسی نازل می شوند؟

روشن است که هرکسی نمی تواند میزبان فرشتگان الهی باشد و باید بر کسی نازل شوند که در کمالات، نزدیک ترین فرد به خدا و رسول او باشد؛ زیرا اگرچه اوامر الهی برای رشد و هدایت همه مردم صادر و نازل شده، ولی جایگاه نزول آن، قلوب پاک مردان برگزیده بوده است. کما این که در آیه ۴۱ سوره زمر به این نکته تصریح شده است: (إِنَّا أَنْزَلْنا عَلَیْکَ الْکِتابَ لِلنَّاسِ بِالْحَق).

همان طور که ملاحظه می فرمایید اگرچه کتاب برای استفاده و هدایت همگان نازل شده

۱- سوره قدر، آیه ۴.

۲- الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۲.

(لِلنَّاسِ)، ولی محل نزول آن، قلب مطهر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است (عَلَیْکَ). پس از ایشان نیز، طبق فرموده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، قلب امامان دوازده گانه معصوم محل نزول فرشتگان خواهد بود؛ زیرا ایشان فرمود: «آمِنُوا بِلَیْلَهِ الْقَدْرِ إِنَّهَا تَکُونُ لِعَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ لِوُلْدِهِ الْأَحَدَ عَشَرَ مِنْ بَعْدِی؛(۱) به لیله القدر ایمان آورید که آن بعد از من مخصوص علی بن ابی طالب علیه السلام و یازده فرزند اوست».

۳. مجموع روایاتی که وجود شب قدر تا روز قیامت و نیز لزوم امام و حجتی که در آن شب فرشته ها بر او نازل شوند را تبیین می کنند، هم جایگاه والای امامت و هم لزوم امام زنده و معصوم را در هر زمان اثبات می کنند. چنین فردی در زمان ما، امام دوازدهم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد که در سال ۲۵۵ قمری متولد شده است و فرشتگان پس از شهادت پدر بزرگوارشان، امام حسن عسکری علیه السلام، در شب قدر شرف یاب محضر ایشان می شوند.

۱- الکافی، ج ۱، ص ۵۳۳.

«فهرست منابع»

۱. قرآن کریم.

۲. امام امیرالمؤمنین، گردآوری: رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم: انتشارات دارالهجره، بی تا.

۳. امام عسکری علیه السلام، ابومحمد حسن بن علی علیهما السلام، تفسیر الامام العسکری، قم: مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۹ق.

۴. امام خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ ش.

۵. ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.

۶. ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.

۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز: انتشارات مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.

۸. بحرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.

۹. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.

۱۰. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.

۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.

۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۲۵ق.

۱۳. ______________________ ، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.

۱۴. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.

۱۵. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین، تأویل الآیات، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ق.

۱۶. حکیمی، محمدرضا، الحیاه، مترجم: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.

۱۷. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الأثر، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.

۱۸. دیلمی، حسن بن ابی الحسن،إرشادالقلوب، بی جا: انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق

۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بی جا: مکتبه رضویه، بی تا.

۲۰. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

۲۱. شوشتری، نور الله، احقاق الحق، قم: مکتبه آیت الله المرعشی، بی تا.

۲۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم: مرکز نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی، ۱۳۹۱ش.

۲۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین، الامالی، بی جا: انتشارات کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ش.

۲۴. ______________________ ، الخصال، قم ، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.

۲۵. ______________________ ، ثواب الاعمال، قم: انتشارات شریف رضی،

ص:۲۵۳

۱۳۶۴ ش.

۲۶. ________________ ، عیون أخبار الرضا علیه السلام ، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ق.

۲۷. ________________ ، کمال الدین و تمام النعمه، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ق.

۲۸. ________________ ، معانی الأخبار، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ش.

۲۹. ________________ ، من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.

۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین،ش.

۳۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.

۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ش.

۳۳. ________________ ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

۳۴. طبری آملی، محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۳ق.

۳۵. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الإمامه، قم: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۳ق.

۳۶. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۳۷. ____________ ، الغیبه،قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.

۳۸. طیب، سید عبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.

ص:۲۵۴

۳۹. عروسی حویزی، علی بن جمعه، نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.

۴۰. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.

۴۱. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

۴۲. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.

۴۳. قرائتی، محسن، پرتوی از نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۸ش.

۴۴. ______________ ، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۹ش.

۴۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، محقق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.

۴۶. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، قم: انتشارات فاطمه الزهرا علیها السلام، ۱۳۸۹ش.

۴۷. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، کنز الدقائق، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.

۴۸. کریمی جهرمی، علی، عنایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تبریز: انتشارات نور ولایت، ۱۳۸۳ش.

۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ ش.

۵۰. مجلسی، محمد باقر، بحارالأنوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

۵۱. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم: انتشارات انصاریان، ۱۴۲۴ق.

۵۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۸ش.

۵۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

۵۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.

۵۵. نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، مترجم: سید جلال الدین مجتبوی، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۷۷ش.

۵۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران: مکتبه صدوق، ۱۳۹۷ق.

۵۷. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

ص:۲۵۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹